
بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با
تاکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی
رضا شجاعی مهر

بسم الله الرحمن الرحیم

بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تاکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی

نویسنده:

رضا شجاعی مهر

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پایان نامه کارشناسی ارشد: بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تاکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی

مشخصات کتاب

دانشگاه باقر العلوم (ع)

دانشکده: معارف،فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: مدرسی معارف اسلامی

عنوان:

بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با

تاکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی

استاد راهنما:

دکتر نجف لک زایی

استاد مشاور:

دکتر محسن مهاجرنیا

نگارش:

رضا شجاعی مهر

شهریور ۸۹

ص: ۱

اشاره

↔

اهداء:

این برگ سبز را متواضعانه به تو تقدیم می کنم که آغاز و انجام آن، توسل به تو را وامدار است.

ای غایب از دیدگان و حاضر در قلوب

ای انقلابی مرد، ای شراره ایمان

ای که با عدالتت، تلخابه فریاد را در حلقوم شب ریختی

ای امیر لشکر دین که در قیام تو قیامتی است

آری تو کلاس فشرده تاریخی

ص:۲

تقدیر و تشکر:

در اینجا به حکم وظیفه اخلاقی و انسانی و بعنوان یک سنت حسنه و به مصداق آیه شریفه «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از اندیشمند معظم، استاد برجسته حوزه و دانشگاه آقای دکتر نجف لک زایی که در طی این تحقیق بنده را در عرصه تفکر و پژوهش صحیح علمی مشتاقانه راهنمایی کردند ستایش وسپاس گزاری می کنم و همچنین از استاد فرزانه و فرهیخته فاضل، آقای دکتر محسن مهاجرنیا که زحمت مطالعه اثر حاضر و ارائه نکات سودمند را بر خویش هموار نمودند کمال منت و سپاسگزاری را دارم.

سزاوار است در این مجال از جناب آقای دکتر غلام رضا بهروز لک که داوری این رساله را بعهده داشتند نیز کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم امیدوارم که اجر همه این عزیزان در درگاه خداوندی محفوظ باشد.

چکیده:

این پژوهش با عنوان بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تأکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی، در صدد بررسی نقش آموزه مهدویت در سپهر هویتی انقلاب اسلامی ایران بوده است. سؤال اساسی این پژوهش این است که آموزه مهدویت، از چه طریقی در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی ایران نقش آفرین بوده است؟

فرضیه علمی ما بیانگر این حقیقت است که آموزه های مهدویت از طریق تحول در باورها، رفتارها و نمادهای ایرانیان شیعه در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی ایران نقش آفرینی کرده است.

با استفاده از چارچوب نظری و بر اساس مدل فکری شهید صدر «نظریه محتوای باطنی» این تئوری، محتوای باطنی آدمی را مرکب از دو گوهر اندیشه و اراده می داند که در ساخت اجتماع و حرکت تاریخ تأثیر گذار است و تغییر در محتوای درونی انسانها (اندیشه و آرمان + اراده) به خلق تحولات تاریخی می انجامد.

از آنجا که جامعه ایران یک اجتماع شیعی مذهب است و مذهب تشیع ایده آل ترین مدل حکومت بشری را حکومت امام مهدی(عج) میداند همواره شیعه، موضوع مهدویت را با هویت دینی-مذهبی خود یکی دانسته و به این مسأله نگاه عقیدتی-کلامی دارد این آموزه بن مایه اصلی نظام نامه تئوریک شیعه است و به نوعی با هویت تشیع گره خورده است.

در طول قرون متمادی از تاریخ تشیع با غلبه نگرش نقل محور بر فرهنگ مهدویت، خواسته یا ناخواسته، در جوامع شیعی جبرگرایی خاموشی رقم خورد که بار مسئولیت و تکلیف را از دوش منتظران برداشته و سبب گشته بود مکلفان، بی اعتناء به عمل به تکالیف عصر غیبت، در پس گفتمان سلبی انتظار، چهره در نقاب تقدیرگرایی افراطی کشیدند و سرنوشت اجتماعی خویش را به قضا و قدر سپردند.

ص:۴

ترویج فرهنگ اباحی گری، تعطیل حکومت مشروع، تمکین حکومتهای جور و تشدید ادبیات تقیه محور از محصولات نگرش منفی به آموزه مهدویت و انتظار فرج بود.

اما امام خمینی که نقش رهبری و هدایت کشتی انقلاب را عهده دار بود، توانست مفهوم انتظار را در اجتهاد فقهی خود بازسازی کند و اصالت نقلی مهدویت را بر پایه های عقلانی و اجتماعی آن استوار سازد. امام خمینی با قرائت ایدئولوژیک خود از گزاره های دین و آموزه مهدویت به ترمیم لایه های ذهنی اجتماع پرداخت و با تحولی که محصول تعمق ایشان از آموزه انتظار فرج بود توانست ادراک و اراده ایرانیان شیعه را در باورها، رفتارها و نمادها همسو کند. آموزه مهدویت، در قالب یک عنصر معنا بخش از مجموعه نظام مفاهیم دین، نوعی پیوند عاطفی و معنادار بین توده انقلابیون ایجاد نمود که با تعمیق باورها وزیرساختهای تئوریک توده، توانست با ایجاد همسانی واژگان اعتقادی- رفتاری و زبان نمادین و سمبلیک خود، با ایجاد همبستگی جمعی و انسجام منطقی، موجبات طرحی نو در باب هویت دینی این انقلاب را فراهم آورد.

ص:۵

فهرست مطالب

مقدمه: طرح تفصیلی

اشاره

ص:۱

۱– طرح مسأله تحقیق

آموزه مهـدویت از کانونی ترین گزاره های اعتقادی شیعه است. که نصوص و متون دینی ما هم بر این امر صحّه می گـذارد. تشیع در همیشه تاریـخ پر فراز و نشیب خود منتظر بوده تـا امـام عصـر (عـج) ظهور کرده و دولت کریمه اش را به پا دارد لـذا اعتقاد به آموزه مهدویت، استراتژی شیعه در طول تاریخ بوده است. انقلاب اسـلامی ایران نیز با ماهیتی دینی – اسـلامی، خود حرکتی در این بستر می باشد.

درخصوص عوامل، آرمان ها، اهداف و فرایند شـکل گیری انقلاب اسـلامی شـباهتی ماهوی با انقلاب آخرالزمان مشاهده می شود که خود نشـانگر این مطلب است که انقلاب اسـلامی ما در اهـداف، آرمان ها و عوامل شـکل گیری،از انقلاب حضـرت حجت (عـج) الهـام گرفته است و انقلاب اسـلامی ایران به لحاظ نظری مولود انـدیشه موعود می باشـد. و به طور طبیعی مؤلفه های ایرانشهری خود را از ایده آلهای آرمانشهری مهدویت به عاریت گرفته است.

ما در این نگارش با مفروض گرفتن اینکه الگوی مطلوب نظام سیاسی اسـلام در حکومت حضرت مهدی (عج) محقق خواهد شـد. با توجه به ماهیت نهضت جهانی مهـدویت که جامعه ای ایده آل و آرمانی است به بررسـی ریشه ها و علل تأثیر گذار در شکل گیری انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه مهدویت خواهیم پرداخت.

۲– علل انتخاب موضوع اهمیت و فایده آن

از آنجـا که ظهور انقلاب اسـلامی ایران در قرن بیسـتم تمـام معادلات سیاسـی جهان را به هم زد و فصل جدیـدی را به روی ادبیـات سیاسـی دنیا گشود. از زوایای مختلف به بررسـی علل پیـدایش این پدیـده پرداخته شـده است و در این تحقیق انقلاب اسـلامی را از دریچه مهـدویت به بحث گذاشـته‌ایم. تبیین نظریه انقلاب اسـلامی و تعیین استراتژی و چشم انـدازی دینی برای نظام، مبتنی بر آموزه مهـدویت، اهمیت پردازش به این موضوع را نشان می دهد بررسـی ابعاد معرفتی انقلاب اسـلامی، ترسـیم جامعه ای غیر ایستا، پویا و فعال، از رسالت های این رساله می باشد. این

تحقیق بـدین لحاظ که انقلاب اسـلامی ایران را در پیش فرضـها و اهـداف به انقلاب امام مهدی (عج) متصل می کند از حیث نظری و تئوریک می تواند یک پشتوانه عمیق برای تحلیل دینی انقلاب اسلامی ایران محسوب گردد.

۳- پیشینه تحقیق

مبحث انقلاب اسـلامی را از دریچه مهـدویت می توان با دو رویکرد اصـلی بررسـی کرد رویکرد اول رویکرد تاریخی است و رویکرد دوم رویکرد کلامی، اجتماعی و سیاسـی است که در پرتو این رویکردمی‌توان مباحث نظری انقلاب اسـلامی مبتنی بر عقایـد و آرمان مهـدویت را تحلیل کرد. اینکه آموزه مهـدویت به لحاظ عقیـدتی– ایـدئولوژیک چه سـهمی در تحقق انقلاب اسـلامی بر عهـده داشـته است، به نظر می رسـد به این موضوع بـا رویکرد مهـدویت کمتر پرداخته شـده است موضوع انقلاب اسلامی از دریچه مهدویت یک مدخل جدیدی است که انشاءالله ما در این پژوهش بتوانیم سهم مختصری را در پر کردن خلع این موضوع ایفا کنیم.

۴- سؤال اصلی پژوهش

آموزه مهدویت از چه طریقی در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی ایران نقش آفرینی کرده است؟

۵- فرضیه پژوهش

فرضـیه علمی این پژوهش این است که آموزه هـای مهـدویت از طریق تحول در باورهـا، رفتارهـا و نمادهـای ایرانیان شـیعه در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی ایران نقش آفرینی کرده است.

ص:۳

۶- مفاهیم ومتغیرها

در تحقیق حاضر انقلاب اسلامی، در درون گفتمان و فرهنگ مهدویت شکل گرفته است بنابر این آموزه های مهدویت در زمینه های ذهنی و عینی انقلاب اسلامی نقش محوری داشته است و به تعبیر دیگر آموزه های مهدویت متغیر مستقل و تأثیر گذار و انقلاب اسلامی به عنوان متغیر وابسته و تأثیر پذیر می‌باشد.

۷- سؤالات فرعی پژوهش

۱-۷-باورها، رفتارها، و نمادهای انقلاب اسلامی چیست؟

۲-۷-آموزه های مهدویت از طریق تحول در باورها چگونه به هویت دینی انقلاب اسلامی کمک کرده است؟

۳-۷-آموزه های مهدویت از طریق تحول در رفتارها، چگونه به هویت دینی انقلاب اسلامی کمک کرده است؟

۴-۷-آموزه های مهدویت از طریق تحول در نمادها، چگونه به هویت دینی انقلاب اسلامی کمک کرده است؟

۸- پیش فرض پژوهش

این تحقیق مشتمل بر این پیش فرض است که انقلاب اسلامی ایران، از فرهنگ انتظار و مهدویت متأثر است زیرا آموزه امامت و مهدویت، از عناصر اثرگذار بر سیاست شیعی است.

۹- اهداف پژوهش

اما هدف علمی این پژوهش بررسی انقلاب اسلامی با استفاده از آموزه مهدویت و نیز دارا بودن پشتوانه نظری و دینی برای انقلاب اسلامی است.

ص:۴۰

اهداف کاربردی این پژوهش، ارائه راهکار و طرح استراتژی بلند مدت برای انقلاب اسلامی با استفاده از آرمان مهدویت در قلمرو حکومت و جامعه می باشد.ارائه چشم انداز سیاسی، فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران که به خلق نظام مهندسی فرهنگی می انجامد باید از اندیشه مهدویت ریشه بگیرد در واقع جامعه موجود را باید با توجه به جامعه مطلوب طراحی کرد که این مهم، ضرورت تبیین الهام انقلاب اسلامی از اندیشه مهدویت را مضاعف می نماید.

۱۰- روش تحقیق و پژوهش

نوع روش پژو هش توصیفی تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات در این پژو هش بر پایه مطالعات کتابخانه ای استوار است .

۱۱- سازماندهی پژوهش

این تحقیق از یک مقدمه و چهار فصل سامان یافته است طرح تفصیلی در مقدمه بیان شده است در فصل اول چارچوب نظری و مفاهیم پژوهش پیگیری خواهد شد در فصل دوم مؤلفه ها و ابعاد آموزه مهدویت و تحول گفتمان سلبی انتظار به گفتمان ایجابی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در فصل سوم این پایان نامه نیز به تبیین هویت انقلاب اسلامی ایران خواهیم پرداخت و در فصل چهارم به بررسی میزان تأثیر گذاری آموزه مهدویت بر انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت و در خاتمه جمع بندی و نتیجه گیری خواهد شد.

ص:۵

فصل اول: مفاهیم و چارچوب نظری

اشاره

ص:۶

۱-۱- مقدمه

در ره یافتی توصیفی از ریشه های شکل گیری انقلاب اسلامی ایران، به گزاره های مختلفی می توان اشاره کرد به عقیده شیعه، هر حکومتی غاصب و ظالم است. به هر شکل و در هر قالبی که باشد، مگر آنکه امام معصوم (ع) یا نایب از او، زمام دار حکومت گردد. به همین دلیل شیعه در طول تاریخ حیات خود به طور مداوم در یک جریان مستمر انقلابی به سر می برده است.

آن چه که جوهر سیاست شیعه را تشکیل می دهد عنصر امامت است که در نوک پیکان این مشروعیت، مهدویت قرار دارد گفتمان امامت، همواره آرزوی مقدسی را در قلب و ذهن شیعیان می پروراند و آن ظهور آخرین وصی رسول خدا (ص) امام مهدی(ع) است در باور داشت عمومی این مکتب، دوران ظهور حضرت ولی عصر(عج) و تشکیل جامعه جهانی موعود که دوران طلائی تمدن اسلامی و تکامل حیات مادی و معنوی انسان ها است ریشه کن شدن ظلم و فساد و برقراری عدل و داد بر مناسبات جهانی حاکم می شود. اعتقاد به آموزه مهدویت، انتظار ظهور امام غایب و تشکیل حکومت مشروع و جهانی به دست ایشان، از زیرین ترین مفاهیم علّی شکل گیری انقلاب اسلامی ایران بوده است.

۱-۲- گفتار اول: مفاهیم نظری

۱-۲-۱. غیبت

احیای سیاسی مذهب، به ویژه در نحله فکری تشّیع، اساساً بر محور ارائه تفسیر تازه ای از یک سلسه مفاهیم اصلی شیعه متکّی بوده که هدف آن ایجاد نوعی تحرک سیاسی و ظلم ستیزی است فقهای برجسته اهل سنت مبنای اطاعت از حکّام را بر حکم کلی قرآن مستند می سازند که بر اساس آن، باید از خدا، پیغمبر و اولی الامر اطاعت نمود آنها معتقدند: به هر حال، حاکمیت یک رژیم جائر، بر هرج و مرج ترجیح دارد اما در میان شیعیان آموزه غیبت امام

عصر(عج) به عنوان زمینه ی بالقوه ای برای صدور جواز انقلاب، مورد استفاده قرار گرفته است.

غیبت به معنای پوشیده بودن از دیدگان است، نه حاضر نبودن. مراد از غیبت، دوره ای است که امام مهدی (عج) از چشمان مردم غایب است و آنها او را نمی بینند و این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد و در کنار ایشان زندگی می کند. غیبت در اصطلاح، پنهان زیستی دوازدهمین امام شیعیان امام مهدی (عج)است که این مطلب جزو مسلمان معارف شیعه است.

در روایتی پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص)فرمودند: مهدی از فرزندان من است... برای او غیبتی است و حیرتی (پریشانی) تا آنگاه که مردمان از دین های خود گمراه شوند پس در آن زمان می آید مانند شهاب ثاقب (ستاره ای روشن و تابان) پس زمین را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از ظلم و ستم آکنده باشد.(۱)

دوران غیبت دورانی است که امام زمان (عج) در طول مدت غیبت خویش، از انظار مردم به دور بوده و اگرچه آن حضرت در این مدت مردم را می بینند و از حال آنها با خبر می شود، اما کسی توان دیدن ایشان را بطور عمومی در این مدت ندارد.

۲-۲-۱. انتظار

انتظار را از نظر ریشه لغوی درنگ در امور، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده معناکرده اند.(۲)

انتظار در لغت به معنای چشم داشت پیدا کردن(۳) و در اصطلاح به معنای چشم داشتن به ظهور امام عصر است. انتظار به معنای آینده نگری است. باور به انتظار منجی، در همه ادیان قرنهاست که ذهن و زبان بشر را به خود مشغول کرده است و بشریت را به آینده بهتر امیدوار

۱- شیخ کمال الدین صدوق، و تمام النعمه، ج۱، باب ۲۵، ح۴، ص۵۳۶.
۲- التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص۱۶۶.
۳- المنجد، ج ۲، ص ۹۵۸.

نگه داشته است. در تمام حوزه ها اعم از سیاست، فلسفه، هنر، ادبیات، شعر و رمان، این مفهوم با واژگان بومی به چشم می خورد.که این آرمان انسانی، در مفهوم انتظار با غالب دینی خود، نمود بیشتری دارد.

انتظار فارغ از همه جوانب خود، گونه ای مفهوم متا فیزیکی و الهیات امید بخش است که در فراسوی جاده های سرد و خلوت ناسوتی، حقیقتی لا هوتی را طلب می کند.

انتظار پدیده ای روانی با چاشنی اضطراب و امید، صرفاً یک فرایند درونی در حد یک احساس شخصی نیست، بلکه انتظار پادتنی است که شیوعش در جامعه، کشنده کج روی ها و کنش های منفی در سطح اجتماع است.

انتظار از آنرو که به پالایش باطنی فرد و تطهیر حریم خصوصی افراد همت می گمارد، امری شخصی و فردی است و از آنروی که نمود در فرهنگ بیرونی جامعه دارد و باعث تقویت عرصه عمومی می گردد هنجاری اجتماعی است.

گرچه انتظار در نگاهی اولیه نوعی پالایش و بازسازی درونی است، اما ارتباطی مستقیم با حوزه عمل و رفتار شخص دارد. از اینروست که در روایات ما از انتظار به عنوان یک عمل، بلکه بهترین عمل یاد شده است.

در روایات دیگر اصولاً شرط قبولی دیگر اعمال نیز باور و اعتقاد به انتظار است. امام صادق (ع) به یاران خود می فرماید: آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگاننمی پذیرد؟ گفتند: بفرمایید. فرمود: گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام (ص) و اقرار به آنچه خدا امر فرموده، و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم شدن در برابر ایشان (امامان) و پرهیزکاری و کوشش و خویشتن داری و انتظار قائم (عج).(۱)

بنابراین انتظار به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراضی است و برای ایجاد وضعیت بهتر تلاش می کند. درواقع موضوع انتظار، مرکب از دو عنصر اصلی است ۱- انتقاد از وضع موجود.

۱- ۱. الغیبه نعمانی، باب ۱۱۰، ج ۱۶، ص ۲۰۷.

۳-۲-۱. طلب وضع مطلوب

انتظار فرج به معنای محقق ساختن زمینه های ظهور حضرت ولی عصر (عج) است که چیزی جز خود سازی و جامعه سازی که همان تداوم رسالت انبیای الهی است نمی باشد. یعنی منتظران بعد از تزکیه و خود سازی به تعلیم و دگر سازی جامعه می پردازند و تا زمانی که تحولی در ساختار معرفی آدمیان صورت نگیرد، زمینه تحقق حاکمیت حضرت ولی عصر (عج) تحقق نمی یابد.(۱)

انتظار وجود مبارک امام عصر (عج) از بزرگترین آرزوهای پیروان مکتب اهل بیت (ع) است که سبب امید به آینده، تحرک و پویایی در جامعه اسلامی است مهم، باور حتمی بودن ظهور و انتظار راستین برای تحقق آن است، چراکه برای انسان های مؤمن، ظهور آن حضرت گشایش حقیقی است.

براساس آموزه های اسلام، مصداق منحصر منجی آخرالزمان را وجود مبارک مهدی (عج) می دانند انتظار پیروان اهل بیت عصمت و طهارت با انتظار دیگران تفاوتی عمیق دارد، چون فرقه ناجیه، در انتظار طلوع شمس موجود مستور است و دیگران منتظر ستاره معدوم. به اعتقاد راسخ ما، مهدی موعود، موجود است اما در پندار دیگران فقط موعود است نه موجود. تفاوت معنی انتظار در دو طیف مزبور، همان فاصله عریق میان موجود معدوم است که نمی توان مرز آن را تحدید کرد زیرا یکی دل به نقش ماه خوش داشته و دیگری به نظاره آن چشم از آسمان پر کرده است.(۲)

در تبیین معنی حقیقی انتظار، روایات متعددی هست، از آن جمله روایتی است که ابوبصیر از حضرت صادق (ع) چنین نقل می کند: لیُعدَنّ اَحَدُکم لخروج القائم و لوسهماً...(۳) . بر

۱- محمد رضایی، فصلنامه قبسات ،شماره ۳۳، ص ۱۱.

۲- عبداللهجوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۸۸،نشرء اسراء، ص ۱۶۵ .

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۲۰، بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۶۶ .

این اساس آن که بخواهد به واقع منتظر وجود مبارک آن حضرت باشد، لازم است خویشتن را مهیا سازد، اگر چه با آماده کردن یک تیر باشد.

نتیجه آنکه معنای انتظار امام زمان (عج) در نگاه شیعی، از سویی اقتدا به سنت امامان هدایت (علیهم السلام) و از سوی دیگر، مسلح بودن و یا مسلح شدن به سلاح علم و ایمان برای مجاهده در راه خداست.(۱)

۴-۲-۱. مهدویت

اعتقاد به مهدویت در زندگی و حیات انسان ها وجود داشته و انتظار آینده بهتر و ظهور دولت حق و عدل، در طول تاریخ، مترقی ترین آرمان اجتماعی بوده است فطرت کمال گرای آدمی با امید به آینده عجین شده است و لذا اعتقاد به مهدویت از اصیل ترین ابعاد روح انسانی سرچشمه می گیرد.(۲)

مهدویت به منزله محور تئوری سیاسی «حکومت جهانی اسلام» از اهمّ موضوعات زنده و پر جاذبه ای به شمار می آید که افکار عمومی جهان را به خود جلب نموده است.

نجات بخشی و منجی گرایی پیش از آن که یک مسئله ای تاریخی باشد، گرایشی فطری و غریزی است که از سرشت کمال طلب و حقیقت جوی انسان ناشی می شود. این گرایش که در میان پیروان ادیان توحیدی نمود پر رنگ تری دارد. به موازات حرکت و پیشرفت تاریخ در حال شکوفایی است و از انبیای الهی می توان به عنوان مبشران و منذران اصلی این ایده یاد نمود. نگاه ویژه اسلام به این امر فطری،موجب ساماندهی به تحقق آرمان های مورد انتظار بشر می شود.

قرآن کریم تنها سند معتبر وحیانی، نخستین بار نظریه حکومت عدل جهانی را فرا روی بشر نهاده و وعده تحقق این ایده را در آینده نزدیک بشارت داده است.

۱- جوادی آملی ، امام مهدی موجود موعود، ص ۱۶۷ .

۲- سید محمود طالقانی، مهدویت و آینده بشر، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۰، ص۹۵ .

بنابر این مهدویت عبارت است از یک طرح و بنیان فکری و ایدئولوژیک به منزله یک اصل راه بردی در اندیشه سیاسی – عقیدتی اسلام که حصارهای قومی منطقه ای و نژادی را در هم می شکند. از این منظر آموزه مهدویت در حقیقت طرح جامع، علمی و نظام مند اسلامی است که توسط شخص پیامبر خاتم(ص) در قالب دین برای بشر به ارمغان آمده است. و حضرت مهدی(عج) رسالت خطیر عملیاتی و اجرایی کردن این مهم را عهده دار می باشد.

آموزه مهدویت تئوری جامعی است که با تعریف صحیح از انسان و نیازها و جایگاه واقعی وی، چشم انداز آینده را به بهترین و زیبا ترین شکل به تصویر کشیده و مکانیسم و راه کارهای ایجاد چنین تحول عظیم در فردای تاریخ بشر را به خوبی پیش گویی نموده است از این رو مهدویت با این تعریف نه به عنوان نظریه ای رقیب در عرض تئوریهای دیگر بلکه به عنوان دکترینی بی رقیب برای سعادت و سلامت بشر به حساب می آید.

اندیشه مهدویت در تفکر شیعه، انتظاری برخواسته از خوش بینی های تاریخی و افسانه های خیالی نیست هم چنین یک فرضیه ذهنی و سابجکتیو (subjective) صرف و اعتقاد بریده از عمل به شمار نمی آید چنان که اهل سنت گرفتار آن هستند. بلکه آموزه مهدویت در تفکر شیعی کاملا کاربردی و پویا است که نه در حاشیه بلکه در متن زندگی جریان دارد.

سخن از آموزه مهدویت در نگاه شیعی، سخن از طرح و عمل، حرکت و اجرایی کردن برنامه های دین و راه کارهای عملی شدن کامل دین است. با این رویکرد، مهدویت از نگاه دینی، تنها با رویکرد شیعی قابل خوانش و تحلیل است. زیرا تفکر مهدویت شیعی گزاره های فلسفی – کلامی – سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و تاریخی را بسیار غنی تر و پخته تر در درون مبانی معرفتی خود پرورانده است شاید بخاطر همین غنای معرفتی است که امروزه مهدویت قبل از آن که یک اصل عمومی اسلامی تلقی گردد، بیشتر یک ویژگی تفکر شیعی در جهان شناخته می شود.

ص:۱۲

پس آموزه مهدویت از آن رو که در بطن خویش پویایی و امید به فردای روشن را به ارمغان دارد و با زنده ساختن بارقه امید در دل انسان، آینده تاریخ را منوّر می بیند، ماحصل و خروجی اندیشه شیعه محسوب می‌شود.

۵-۲-۱. انقلاب

انقلاب یکی از موضوعات کلاسیک اندیشه اجتماعی بشر است.انقلاب در کنار پدیده هایی چون اصلاحات و کودتاها، شورشهای محلی، اعتراضات جمعی، قیام های توده ای و... مجموعه دگرگونیها و جنبشهای اجتماعی را شکل می دهد که با دو معیار منشأتحول و شیوه تغییر و دگرگونی می توان عناصر این مجموعه را از یکدیگر متمایز کرد مفهوم انقلاب مانند ایدئولوژی تعاریف متعدد و متنوعی دارد.

واژه انقلاب معادل کلمه Revolution است این واژه ابتدا از اصطلاحات اختر شناسی بود که به تدریج در علوم طبیعی اهمیت یافته و سپس برای نخستین بار در سده هفدهم به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی بکار گرفته شد.(۱)

در فرهنگ فارسی عمید، انقلاب به معنای حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تحول وتقلب و تبدل، تغییر کامل و مشخصدر چیزی و یک چر خش دورانی است(۲).

استاد شهید مطهری در تعریف انقلاب می گوید: انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب. از این رو ایشان ریشه انقلاب را در دو چیز می داند ۱- نارضایتی و خشم از وضع موجود ۲- آرمان یک وضع مطلوب(۳).

۶-۲-۱. انقلاب اسلامی

ص:۱۳

۱- غلام رضا علی بابایی، غلام رضا، فرهنگ سیاسی، نشر آشیان، تهران، ۱۳۸۲، ص۱۱۲-۱۱۱ .

۲- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید،امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۶، جلد اول، ص۱۶۷ .

۳- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۲، ص ۳۰-۲۹ .

انقلاب اسـلامی از دو واژه «انقلاب» و «اسلام» ترکیب یافته است در اینجا انقلاب وسیله و اسلام هدف می باشد در واقع مردم و رهبری انقلاب به وسـیله انقلاب تلاش کردند که اسـلام را به عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی مجدداً احیا نمایند هدف اصلی انقلاب اسلامی، انسان سازی بود که این هدف را در دو بعد فردی و اجتماعی تعقیب می کند.

اساساً انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی افکار و رفتار فرد و جامعه در جهت نیل به کمال مطلوب که به صورت سریع و نوعاً توأم با خشونت و خونریزی انجام می شود.(۱)

انقلاب اسـلامی، انقلابی منحصر به فرد بود که در هیچ یک از مبادی، طرق، نتایجو آثارش هیچ گونه وجه اشتراکی با انقلابهای دیگر ندارد. از این رو تبیین آن نیز باید فارغ از همه دسته بندی ها و تئوری‌های موجود باشد. این مهم مستلزم تأسیس و استخدام الفاظ و ادبیاتی است که با ساختارهای منحصر به فرد این انقلاب تناسب داشته باشد.

انقلاب ایران، عرصه ای جدی برای آزمون، تایید، تعدیل و ابطال بسیاری از نظریات رایج و مرسوم در علوم اجتماعی محسوب می شد. این انقلاب بسیار گسترده تر از آن بود که در ابتدا به نظر می رسید چرا که تنها به دگرگونی ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک رژیم اکتفا نکرد بلکه در شالوده کاخ رفیع دانش اجتماعی نیز لرزه افکند.(۲)

انقلاب اسـلامی ایران، کنشی انسانی، برخاسته از یک نظام معنایی است که این نظام معنایی از یک نظام دانایی که برخاسته از یک جهان شناختی توحیدی است پدیدار شد. این نظام دانشی، معرفتی بود که ناشی از سوژه های برتر و ذهنیت های نخبگان بود که مبنای فلسفی خود را بر معنا گرایی وانهاده بود.

انقلاب اسلامی ایران بعد از چندین قرن حاکمیت رویکرد امانیستی و مادی بر حیات بشری، احیاگر دین، معنویت و خدا پرستی در ساحت اجتماعی حیات بود که با ظهور خود

۱- محمد باقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران،چاپ اول،مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه، ص۳۳ .

۲- ۲. سعیدحجاریان، تاثیر انقلاب اسلامی ایران به نظریات علوم اجتماعی، حضور، ش۱۸، ص۱۳۸ .

امید تازه ای در دل و ذهن بشر نسبت به بازگشت به فطرت الهی و حیات سعادت مندانه ایجاد نمود و ضربه سنگینی بر مارکسیسم و لیبرالیسم وارد ساخت و راه سومی در مقابل آینده جهان گشود انقلاب اسلامی در راستای اصلاح تاریخ و جامعه بشری و نیز جهانی سازی ایمان با جهان بینی الهی و الگویی دینی پا به عرصه حیات اجتماعی نهاد.(1)

این انقلاب که بر بنیاد سنت اسلامی بود و پیامی جهانی داشت، مدرنیسم تعیّن طلب و انحصارگرا را به چالش طلبید و ادبیات مدرنیستی حاکم بر جهان را به گفتمان آنتی مدرنیسم بدل کرد.

۷-۲-۱. باورها

باور عبارت است از یک سری مفاهیم که در درون اندیشه و اعتقاد یک فرد و جامعه به صورت یک اعتقاد راسخ درآمده است بطور مثال گزاره هایی همچون امامت، رجعت، مهدویت، باور به ظهور یا بازگشتمهدی(ع)، در اکثر فرق اسلامی به خصوص تشیع بصورت یک اصل مسلّم و باور قلبی وجود دارد و شیعه این باور را در درون خود همواره حفظ کرده است به عبارت موجزتر، باور دینی ارتباط بین شخص و گزاره های دینی را باور دینی می گویند.

۸-۲-۱. رفتارها

رفتار، عبارت است از تمامی فعالیتهای قابل مشاهده افراد. یعنی آنچه افراد انجام می دهند. در روانشناسی، رفتار را واکنش فرد(چه در زندگی عادی و چه در اوضاع خاص اجتماعی) تعریف می کنند لذا رفتارها عبارت است از واکنش های فردی و جمعی که انسان در روابط فردی و اجتماعی از خود بروز می دهد.

۹-۲-۱. نمادها

۱- مهدی مظفری، فرهنگ شناخت، ص ۸۱.

نماد نوعی علامت واجد هویت بصری است که به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط استفاده شده است در طول تاریخ، شخصیت ائمه شیعه علیهما السلام و رویدادهای زندگی آنها کانون توجه مراسمات مذهبی تشیع بوده است.

۱۰-۲-۱. تحوّل

تحول فرایندی است که با افزایش و بالاـ بردن ظرفیت ذهنی و توانمندیها و مهارتهای ادراکی، قابلیت تطابق و تغییر محیط سازمان را ایجاد می کند به گونه ای که علاوه بر تطبیق با شرایط دگرگون شونده محیط، سیستم به حدی از اعتلا دست یابد که بتواند بر محیط خود اثر بگذارد. بنابراین تحول به معنای تغییر و تبدیل چیزی به چیز دیگر است این واژه معمولاً به معنی تغییر در فرایندهای اجتماعی یا ساختار جامعه و گذار از جامعه موجود به جامعه مطلوب مطرح می شود.

۱۱-۲-۱. شیعه

شیعه در لغت بر دو معنا اطلاق می شود. یکی توافق و هماهنگی دو یا چند نفر بر مطلبی، و دیگری پیروی کردن فردی یا گروهی، از فرد یا گروه دیگر. در تاریخ اسلام لفظ شیعه، به معنای اصلی و لغویش برای پیروان افراد مختلفی بکار می رفت. به عنوان مثال، گاهی از شیعه علی بن ابیطالب (ع) و گاهی از شیعه معاویه بن سفیان نام برده شده است. اما این لفظ در طول تاریخ اسلام به تدریج معنای اصطلاحی پیدا کرد و تنها بر پیروان علی (ع) که به امامت او معتقدند اطلاق می شود.

شیعه در اصطلاح به آن عده از مسلمانان گفته میشود که به خلافت و امامت بلا فصل امام علی (ع) معتقدند و بر این عقیده اند که امام و جانشین پیامبر اسلام از طریق نص شرعی تعیین می شود، و امامت علی (ع) و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نص شرعی ثابت شده است. باورهای سازمان یافته و کلامی شیعه، امروز بر این است که تبیین و تفسیر امر دین پس از پیامبر و اداره امور مسلمانان بر عهده اشخاصی است که از سوی خدا معین شده و دارای ویژگی هایی

همچون عصمت و عدالت هستند، این افراد امام نامیده می شوند. نخستین امام شیعیان علی بن ابیطالب (ع) و آخرینشان امام زمان (عج) می باشد.

در یک تعریف کلی، می توان گفت: «شیعه» نام عمومی تمام فرقه هایی است که قائل به امامت و خلافت بلا فصل حضرت علی (ع) پس از پیامبر (ص) هستند و اعتقاد دارند: امامت از اولاد ایشان خارج نمی شود. تمام فرقه های شیعی معتقد به وجوب تعیین و تنصیص امام از جانب خدا و پیامبر (ص) بوده، انبیا و امامان معصوم(علیها السلام) را از گناه مبرّا و معصوم میدانند.

بنابراین شیعه، منشور مقدسی است که از عناصر و مفاهیم معرفتی همچون: اصل امامت، عدل، اعتقاد به غیبت امام دوازدهم و ظهور ایشان در موقع مقرر به اراده الهی (مهدویت) ، شهادت (عاشورا) و... سود می برد.

در واقع مذهب تشیع مفاهیم و نمادهایی دارد که آن را از سایر فرق اسلامی متمایز می کند. و اساساً این مفاهیم جزو کلید واژگان اصلی فرهنگی و اعتقادی شیعیان محسوب می شوند.

ص:۱۷

۳-۱- گفتار دوم: چارچوب نظری

اشاره

نظام معرفتی مهدویت، ماهیتی دینی- سیاسی دارد که موضوع کار آن انسان و چارچوب و معیارهای آن «دین» است به همین جهت انسان با گستره نیازهای او از یک سو و دین و بایسته ها و الزامات آن از سوی دیگر، دو زیر ساخت اصلی آموزه مهدویت محسوب می شوند هر مکتب اعتقادی، به انسان، جهان، جامعه و تاریخ به صورتی می نگرد. بدین معنی که به انسان، جامعه و تاریخ براساس جهان بینی و هستی شناسی خاص نگاه می کند. همه آموزه های اعتقادی، زیربنایی اساسی به نام جهان بینی دارند که پایه همه عقاید به شمار می آید. در واقع جهان بینی هر فرد، نوع تلقی او به هستی، مسیر حرکت و آینده آن است به طور کلی انسان معتقد به مکتب و هستی شناسی توحیدی، در تمام زندگی فردی و اجتماعی و مسائل اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی می اندیشد و درباره همه این مسائل، متناسب با جهان بینی توحیدی قضاوتی هم آهنگ دارد هستی شناسی توحیدی در آموزه و مکتب مهدویت معتقد است که جهان توسط معمار و طراحی دقیق و حساب شده ای طراحی گردیده است و یک اراده با شعوری بر اعمال و افعال عالم ناظر است هستی شناسی توحیدی مهدویت، به انسان مسئولیت می دهد که درگیری ها، دلبستگی ها، ایده آلها، نیازها و مبانی اعتقادی، ملاکهای خیر و شر، ماهیت انسانی و هویت اجتماعی خود را بشناسد.

براساس جهان بینی اسلامی، خدا عالی ترین و پایدارترین مفهوم و معنای هستی به شمار می آید. انسان برای خدایی شدن به دنیا می آید، زندگی می کند، می کوشد و تمام سختی ها را به جان می خرد. در نظام معرفت توحیدی، واژه خدا کاملترین غایت و معنای زندگی است پس هر آن چه رنگ خدایی دارد نیز می تواند به نوعی معنای حیات فردی و اجتماعی بشر باشد از این رو، می توان گفت که حیات اجتماعی شیعه به منزله جامعه ای مستقل و پویا در گرو اندیشه مهدویت و انتظار فرج است.

خداوند در نهاد انسان نیروی اراده و اختیار را قرار داد، تا با قوه عقل، تدبیر و میل فطری به نوآوری و خلاقیت و... خود تصمیم بگیرد و بیندیشد و سره را از ناسره تشخیص دهد. برای او راهنما و هادی فرستاد و همواره در مسیر زندگی او مبشرّین و منذرین قرار می دهد تا او را هدایت کنند. خداوند در سرشت و فطرت انسان دو مکانیزم اراده و اختیار را طراحی کرد.

انسانها در به کارگیری قوه اراده و اختیار به سه گروه تقسیم می شوند:

۱- انسانهایی که از اراده قوی برخوردارند و ساختارها را می سازند (نخبگان)

۲- انسانهایی که از اراده ضعیفی برخوردارند و در چارچوب ساختارهای رایج عمل می کنند.

۳- انسانهای شناور

گروه اول که عده قلیلی هستند و شامل نخبگان جامعه می شوند کسانی هستند که شرایط ذهنی برای آنها تعیین کننده است و کمتر تحت تأثیر شرایط عینی قرار می گیرند با اعتماد به نفس فقط آن هدفی را که دارند دنبال می کنند چه آن هدف مثبت باشد و چه منفی، بسان پیامبران، مخترعین، مدسازان و... اما گروه دوم، توده و عوام جامعه هستند کسانی که شدیداً تحت شرایط عینی خود هستند و قدرت فاصله گرفتن از محیط و جو حاکم را ندارند و نمی توانند برخلاف جریان آب حرکت کنند رودخانه سیّال زندگی آنها را به هر طرف که بخواهد می کشاند و آنها بر موج زندگی سوارند و اراده ای از خود، جهت تغییر این مسیر نشان نمی دهند و گروه سوم کسانی هستند که هیچ اراده و اختیاری از خود نشان نمی دهند و شناور در جامعه روزگار می گذرانند.

این پژوهش با استفاده از تئوری شهید محمد باقر صدر، اندیشمند و متفکر جهان اسلام به بررسی نقش آموزه مهدویت در تکوین هویت دینی انقلاب ایران می پردازد.

اندیشه ، مهمترین رکن دنیای درون و رفتار مهمترین شاخصه دنیای بیرون می باشد در واقع اندیشه و عمل هر فرد شخصیت او را تشکیل می دهند افکار حاکم بر جامعه معرّف هویت و شخصیت فرهنگی آن جامعه می باشد.

ص:۱۹

چارچوب نظری این پایان نامه نظریه محتوای درونی انسان است.

این نظریه منسوب به شهید بزرگوار آیت الله سید محمد باقر صدر می باشد. ایشان در کتاب سنت های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، منشأ و مدار حرکت تاریخی را محتوای درونی انسان می داند. این تئوری، محتوای باطنی آدمی را مرکب از دو گوهر اندیشه و اراده می داند که در ساخت اجتماع و حرکت تاریخ تأثیرگذار است به عبارت دیگر، زیربنا محتوای درونی آدمی و مجموعه پیوندهای اجتماعی و نظامات زندگانی و تشکیلات بشری روبناست.(۱)

تغییردر محتوای درونی انسانها (اندیشه و آرمان + اراده)= تحولات تاریخی.

این نظریه متخذ از وحی و این آیه شریفه است«إِنَّ اللهَ لاَ یغَیرُ مَا بِقَومٍ حَتَّی یغَیرُوا مَا بِأنفُسِهِم»(۲) همانا خداوند وضع جامعه ای را تغییر نمی دهد مگر آنکه محتوای باطنی و درون خود را تغییر دهند.

محتوای درونی و روانی و فکری انسان زیربنا را ، و وضع اجتماعی، روبنا را تشکیل می دهند و این روبنا جز به تبع تغییر در پایه و دگرگونی بنیادین و زیر بنایی، تغییر و دگرگونی نخواهد پذیرفت.(۳)

ارتباط و پیوندی که میان زیربنا(محتوای درونی انسان) و روبنا(وضع فعلی جامعه) وجود دارد نوعی رابطه علّی معلولی است آیه شریفه بیانگر همین رابطه سطوح رویینی و زیرینی اجتماع است.

ظواهر،شعائر و وضعیت یک ملت زمانی تغییر خواهد کرد که باطن آنها تغییر نماید. و تغییر درونی برخی از افراد یک اجتماع نمی تواند تغییر ساختاری را به دنبال داشته باشد بلکه

۱- مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریه انقلاب، نشر قومس، ص ۱۵۱.

۲- سوره رعد، آیه ۱۱ .

۳- ۳. سید محمد باقر صدر، سنتهای اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹، ص ۱۵۰ .

آنچه انقلاب زاست دگرگونی معرفتی غالب افراد یک جامعه می باشد که منجر به خلق انقلاب و تغییر در سرنوشت عمومی می شود.

نقش نخبگان فکری در فرآیند تأثیرگذاری فکر توده نقشی حساس و کلیدی است. اگر بخواهیم ملتی را که رخدادی را خلق کرده اند مطالعه کنیم باید محتوای باطنی و فکری آن ملت را مورد مطالعه قرار دهیم تا راز سر به مهر آن انقلاب فاش شود. از نظر دانشمندان علوم اجتماعی افرادیک جامعه به سه گروه نخبگان، افراد شناور و اکثریت مردم تقسیم می شوند. اکثریت افراد جامعه در زمره مقلدان تیپ نخبه به حساب می آینـد. گروه شناور نیز با کمی تفاوت، در سطحی بالاتر از توده اما با نوسان و افت معرفتی به اکثریت غالب می پیوندند و جمع کثیری از مقلدان را تشکیل می دهند اما نخبگان که گردانندگان اصلی تحولات اجتماعی محسوب می شوند به دو گروه ابزاری و فکری تقسیم می شوند:

الف) نخبگان ابزاری

نخبگان ابزاری طیف محدودی هستند که در حوزه غیر اندیشه ای، حرف اول را می زنند مثل یک تاجر صادر کننده کالا که در نوع خود یک نخبه اقتصادی است یا یک مقام عالی رتبه ارتش که از قدرت تاکتیکها و فنون نظامی در حد بالایی برخوردار است و صاحب نفوذ می باشد که اصطلاحاً به آن نخبه نظامی می گویند.نخبگان ابزاری نخبگانی هستند که در مناصب حکومتی قرار دارند مانند وزیران، نمایندگان مجلس و استانداران.(۱)

ب) نخبگان فکری

اشاره

به کسانی گفته می شود که در حوزه اندیشه و نظر، سرآمد آن اجتماع یا آن علم می باشند که این تیپ برخلاف نخبگان ابزاری که قدرت تأثیرگذاری در عالم اقتصاد و... را دارند قدرت اثرگذاری در لایه ذهنی اجتماع را دارند مثل امام خمینی(ره) که با خلق نظریه ولایت فقیه به تغییر در افکار و اندیشه و در نهایت رفتار توده انجامید و با تأثیر در لایه ذهنی اجتماع

۱- ۱. حسین شیخ زاده، نخبگان و توسعه ایران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۱۱ .

توانست علاوه برباطن مردم، ظاهر آنها را نیز با خود همراه کند. بنابراین نخبگان افرادی هستند که بواسطه تفاوتهای ذاتی یا اکتسابی، به نوعی با دیگران متفاوت و مافوق دیگران هستند و لذا در بعد فرهنگ سازی جامعه، گام اول باید توسط نخبگان فکری برداشته شود و نخبگان فکری می بایست محور توسعه فرهنگی قرار گیرند. نقش انکار ناپذیر رهبری در انقلاب اسلامی ایران نقشی بی بدیل و غیر قابل انکار بود اگر چه علمای شیعه در عصر غیبت نظراً به ولایت فقیه و بعضاً تشکیل حکومت اسلامی معتقد بودند ولی عملاً دیده نشد که کسی به صراحت و شجاعت امام خمینی(ره) آن را در حیطهٔ عمل تا این حد پیش ببرد. حلقه های درس ولایت فقیه امام در نجف پایه تئوریکی یک انقلاب تمام عیار فقهی- کلامی را فراهم کرد و تئوری ولایت فقیه علاوه بر پوشش نظری و ایدئولوژیک حکومت اسلامی بر عدم مشروعیت نظام شاهنشاهی نیز صحه گذاشت.

در هر اجتماعی نخبگان فکری، تولیدکننده نظریه و نقش آفرین اند و برای مطالعه هر مقطع خاص از تاریخ، بازخوانی افکار این تیپ فکری تعیین کننده آن مقطع می باشد.

آن چه که کانون سازندگی درونی انسان را تشکیل می دهد الگوی برتر و ایده آل می باشد. هر اندازه آرمان نخبگان و به تبع اندیشه اجتماعی متعالی تر باشد، غایت مقدس تر و مطلوب تر است و بالعکس هر قدر آرمان پست و کوچک باشد، غایت نیز ناچیزتر جلوه می نماید. با این پیش فرض آرمان، نقطه آغاز شکل بندی محتوای باطنی یا درونمایه هر جامعه انسانی است.

مهمترین انگیزه و علت برای ایجاد یک انقلاب، فکر و اراده انسان می باشد خداوند انسان را با اراده آزاد آفریده است در نهایت این انسان است که با اختیار خود نظام زندگیش را سامان می دهد. غالب تئوری ها و نظریات مختلف درباره انقلابها، نهایتاً بازتابی از اندیشه ها و نیازهای انسان است که عامل انقلابها و تحولات اجتماعی هستند و به سایر عوامل نقش فرعی و ثانوی می دهند البته ما به عنوان مسلمانان با توجه به اعتقادات و در چارچوب جهان بینی توحیدی و استدلالهای عقلی و تجربیات، در تحلیل نهایی به یک سری از علل و عوامل دیگر

نیز اعتقاد داریم و بر این باوریم که اراده تکوینی خداوند بر سراسر جهان هستی و از جمله بر تغییرات و تحولات اجتماعی حاکم است چنان که اراده تشریعی او نیز در چارچوب مکتب اسلام و نظام سیاسی آن از کانال اراده و اختیارات انسان در تحول ارزشهای منفی حاکم بر جامعه به ارزشهای مثبت و ایجاد انقلاب اسلامی تأثیر خود را می گذارد فرد با اراده اش منشأ تحول و دگرگونیهای اجتماعی می شود و تغییر تاریخ و جوامع بشری و محتوای آنها ناشی از تلاقی اراده افراد با جبرهای طبیعی و قوانین اجتماعی است.

از آنجا که شیعه معتقد است ایده آل ترین مدل حکومت بشری حکومت امام مهدی(عج) می باشد و اساساً انتظار این حکومت برترین اعمال است،« افضل اعمال امتی، انتظار الفرج من الله عزوجل »(۱)، تاریخ سیاسی ایران پابه عرصه ای جدید گذاشت.

امام خمینی(ره) با تبیین نظریه ولایت فقیه و با چشم داشت به زمینه سازی برای ظهور حکومت عدل جهانی، آتش انقلابی را مشتعل کرد که زبانه های آن کاخ هزار و یک شب پهلوی را به کام نیستی فرو برد.

امام خمینی(ره) با ترمیم و تقویت گفتمان ایجابی مهدویت در لایه ذهنی اجتماع و باطنی مردم تأثیر ژرفی در اراده آنها نهاد که انقلاب اسلامی ایران از یک منظر محصول خوانش صحیح آموزه مهدویت می باشد.

انقلاب آخر انقلابی است که عدالت، رفاه، امنیت، اقتصاد و... را در غایت مطلوب خواهد دید. لذا انقلاب اسلامی ایران نیز با چشمداشت به انقلاب مهدی(عج) و مدینه فاضله در صدد پیوستن به این مطلوب، فصلی نو در عرصه نظریات انقلاب بود.

نقش انسان در حرکت تاریخ در اندیشه شهید صدر

از نظر شهید صدر، کشف ابعاد حقیقی دین در حرکت تاریخ و مسیر اجتماعی انسان، موقوف به تحقیق و ارزیابی دو عنصر یا دو رکن ثابت این پیوند اجتماعی یعنی انسان و طبیعت

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۳۵۷.

است ایشان معتقدهستند انسان یا محتوای درونی انسان، بنیاد وجوهر حرکت تاریخ را می سازد و حرکت تاریخ از دیگر حرکات، استیلائش به داشتن هدف است، یعنی حرکت تاریخ یک حرکت هدفدار است. تنها تحت تأثیر قانون علیت و فرمولهای مکانیکی عالم نیست که وابسته به علتش و به گذشته اش باشد بلکه به هدفش نیز مرتبط است.

بنابراین وجود ذهنی از یک سو نشان دهنده جنبه فکری است یعنی ناحیه ای که تصور هدف را در بردارد، و نیز از سوی دیگر نشان دهنده نیرو و اراده ای است که انسان را به سوی هدف بر می انگیزد، بنابراین، وجود ذهنی که تجسم آینده و محرک تاریخ است از یک سو نشان دهنده اندیشه و از سوی دیگر نشان دهنده اراده است و با به هم پیوستن فکر و اراده، قدرت سازندگی آینده و نیروی حرکت آفرینی فعالیت تاریخی بر صحنه اجتماعی تحقق می یابد. این دو عنصرفکر و اراده در حقیقت تشکیل دهنده ضمیر و جوهر انسان هستند محتوای درونی انسان در این دو رکن اساسی «فکر و اراده» دیده می شود.

بنابراین محتوای باطنی انسان موتور محّرک تاریخ است با آمیختن فکر و اراده می توان هدف های انسان را تحقق بخشند، با این توصیف می توان گفت سازنده حرکت تاریخ، محتوای باطنی انسان یعنی اندیشه و اراده اوست و ساختمان جامعه در سطح رو بنا با همه پیوندها، سازمان ها، اندیشه ها و خصوصیاتش روی زیربنای محتوای باطنی انسان قرار دارد و هرگونه تغییر و تکاملی نسبت به رو بنای آن تابع تغییر و تکامل این زیر بنا است و با تغییر آن، فرم جامعه نیز متغیر می شود بر اساس آنچه که یاد شد، رابطه بین محتوای باطنی انسان و رو بنای اجتماعی و تاریخی جامعه، یک رابطه تابع و متبوع یا علت و معلول است آیه شریفه(1)(ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما با انفسهم) می گوید تغییر اوضاع و شوؤن اجتماعی هر قوم، رو بنا و ظاهر آن قوم است تغییر بنیادی تغییری است که در خود قوم پدید آمده باشد و هر تغییر دیگر از این تغییر بنیادی سرچشمه گرفته است. مانند تغییر حالت نوعی یا تغییر حالت تاریخی، و یا تغییر حالت اجتماعی قوم، بدیهی است مقصود از تغییر در (مابأنفسهم) تغییر در درون توده

ص:۲۴

۱- قرآن مجید، سوره رعد، آیه ۱۱

هـای ملت است، به طوری که محتوای بـاطنی جـامعه به عنوان یک ملت و یک قوم عوض شود وگرنه تغییر یک فرد، یا دوفرد یـا سه فرد از افراد جامعه و ملت، نمی توانـد بنیاد تغییر یک جامعه و قومی را تشـکیل دهـد. این تنها تغییر اوضاع و احوال یک قـوم و ملت است که از ریشه درونی خود آن قوم و ملت تغـذیه می کنـد قرآن معتقـد است عمـل تغییر در ظـاهر و بـاطن بـاید دوش به دوش هم پیش رود. از این رو اسلام، کار درون سازی و تغییر در محتوای روحی و فکری را اگر در راستای صحیح و شایسته ای باشد «جهاد اکبر» و کار

برون‌سازی و تغییر رو بنایی را باز هم اگر در جهت درست و شایسـته ای عملی شود «جهاد اصغر» می نامد و این دو جهاد را به یکـدیگر گره می زنـد و چنین عنوان می کند که اگر جهاد اصـغر از جهاد اکبر جدا شود معنی و محتوای خود را از دست می دهـد و از عهـده هیـچ دگرگونی حقیقی در صـحنه تاریخ و اجتماع نمی‌تواند برآید. دانشـمندان و اندیشـمندان، عوامل اصـلی تحولات و دگرگونیهای اجتماعی را عوامل متعـددی ذکر کرده انـد و هر یک عاملی را علت موجده می دانند. گروهی عوامل مـادی را منشأ پیـدایش انقلابـات و تحولاـت دانسـته، برخی نیز فرهنـگ و ایـدئولوژی و به طور کلی محتوای بـاطنی انسـان را اثرگزارترین عامل دگرگونیها می دانند.

شـهید صـدر منشأ مشارکت سیاسـی و اجتماعی را محتوای درونی انسانها می داند، محتوای درونی انسانها اندیشه و اراده او را تشـکیل می دهـد و اساس جنبش ها را پدیـد می آورد به عبارت دیگر محتوای درونی انسانها، زیر بنا و مجموعه ی پیونـدهای اجتمـاعی و ساختـار زنـدگی شـهر، رو بنـای زنـدگی اجتمـاعی محسوب می شود پیونـد محتوای درونی انسـان هـا با وضـعیت اجتمـاعی، بیـانگر نوعی رابطه علّی معلولی است که آیه « ان الله لاـ یغیر بقوم...» برآن دلالت دارد که تغییر سـرنوشت اجتماعی انسانهـا به تغییر اراده فردی آنهـا بسـتگی دارد و نقش آگـاهی های عمومی را در گسترش مشارکت سیاسـی نمی توان نادیـده گرفت.

ص:۲۵

۱-۳-۱. مدل مطلوب در حیات انسان

آیت الله صـدر معتقـد هسـتند ایـده آل بزرگ و مـدل مطلوب و آرمانی انسان، منشأ تحولات باطنی است آن ایده آل است که محتوا و مضـمون باطنی انسان را تشـکیل می دهـد و حرکت آفرین چرخ های تاریخ است اعتقاد به وضـعیتی مطلوب و دلپذیر است که ارابه حرکت تاریـخ را از خلال وجود ذهنی انسان، آمیخته با اراده و انـدیشه اش هـدایت می کند و این اهدافی که به پویایی چرخهای تاریخ می انجامد به وسیله نقطه مطلوب و حیات طیبه تنظیم می گردد.

محتوای باطنی انسان (انـدیشه + عقیـده و ایدئولوژی) بویژه فطرت کمال جویی و تجدد خواهی انسان علت اکثر دگرگونیهای اجتماعی است این فرضیه با توجه به این اصل بررسی می شود که فرد و جامعه هر دو اصیل‌اند و انسان است که اصالت دارد و انسان در این نظریه، یک موجود با شعور، آگاه، دین خواه و عقل گرا با فطرتی که طالب تعالی و کمال است.

بر اساس نظریه شهید صدر محتوای باطنی انسان را فکر و اندیشه از یک طرف و اراده و اختیار از طرف دیگر تشکیل می دهد. با تغییر فکر و انـدیشه و باور انسان، رفتار و کردار او نیز تغییر خواهـد کرد. لذا تغییر در محتوای باطنی انسانها عاملی سرنوشـت ساز به شمار می آِید انسان در فکر و اندیشه خود مدل مطلوب و بهتر را طراحی می کند و به وسیله آن مدل مطلوب، وضعیت موجود را تحلیل و آسـیب شناسـی می کند لذا آن ایده آلی که در ذهن و اندیشه انسان شکل می گیرد انگیزه و رفتار او را نیز شکل وجهت می‌بخشـد این اهـداف، انگیزه همه فعالیتهای او در صـحنه اجتماع می شود و با تغییر فکر و انـدیشه و ایده آل به تبع او، اعمال و رفتار او نیز تغییر خواهد کرد و در عرصه اجتماع و تحول انقلابی اگر مردم به نتیجه برسـند که وضعیت موجود وضـعیتی مطلوب نیست و می تواند بهتر از این باشد و اراده و تصـمیم بر تغییر وضع موجود داشته باشند، انقلابی عظیم صورت خواهد گرفت ولی اگر هر یک از این دو عامل یعنی تغییر در فکر و اندیشه و اراده بر تغییر وضع موجود در جامعه ای به وجود نیاید، انقلاب و تحول اساسی صورت نخواهد گرفت.

ص:۲۶

۴-۱- جمع بندی

در این فصل ابتدا به تعاریف مفاهیم و واژگان کلیدی این بحث پراداخته ایم و در ادامه چارچوب نظری کار ارائه شده است این چارچوب بر اساس نظریه اندیشمند و متفکر جهان اسلام ، شهید آیت الله سید محمد باقر صدر ارائه و طراحی شده است.

شهید صدر با استناد به آیه شریفه « ان الله لا یغیّر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» معتقد است تغییر در محتوای باطنی انسان موجب تغییر و تحول در رفتار بیرونی او می شود.

محتوای باطنی انسان شامل فکر و اندیشه از یک طرف و اراده و اختیار از طرف دیگر است محتوای درونی و فکری انسان زیر بنا و وضع اجتماعی رو بنا است هر گاه دگرگونی در روحیات، ارزشهای معنوی و درونی جامعه پدید آید در ساختار و طبیعت آن جامعه نیز این تغییر و دگرگونی حاصل خواهد شد. محتوای باطنی و به عبارتی فطرت پاك و بی آلایش و نوگرای آدمی است که سهم مهمی در دگرگونیهای اجتماعی داشته و معلول اکثر تحولات اجتماعی و تاریخی است البته عوامل دیگر نیز در این دگرگونیها دخیل هستند، اما اندیشه و اراده انسان نقش عمده ای ایفا می کنند.

ایشان معتقد است، انسان یا محتوای اندیشگی انسان، بنیاد حرکت تاریخ را می سازد، حرکت تاریخ یک حرکت هدفدار است از این رو این حرکت علت غایی دارد و آینده نگر است فکر و اراده انسان، تشکیل دهنده ضمیر انسان اند، این دو که محتوای باطنی انسان را تشکیل می دهند، مکانیزم حرکت تاریخ هستند.در این پژوهش قصد داریم با استفاده از این چارچوب ذهنی، نقش انتظار، ظهور منجی و آموزه مهدویت را که از علل مهمه تحولات اجتماعی و تاریخی در ایران معاصر بوده است را در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی بررسی کنیم.

فصل دوم: مؤلفه ها، شاخص ها و ابعاد آموزه مهدویت و ویژگیهای گفتمان سلبی و ایجابی انتظار فرج

اشاره

ص:۲۸

۱-۲- مقدمه

اعتقاد به مهدویت، از ضروری ترین اعتقادات اسلامی به ویژه شیعی به شمار می رودو خاتمیت و تکامل نهایی رسالت اسلام، منوط به ظهور مهدی موعود است. منحصر کردن نهضت مهدویت به یک تئوری و فلسفه تاریخ یا فلسفه سیاسی، چیزی جز کوچک نمایی و تقلیل دادن این نهضت جهان شمول جامعه بشری نیست.

مهدویت چه در حیطه نظری و چه در عرصه عملی، چیزی بسیار فراتر از یک یا چند نظریه تعمیم نیافته محدودنگر و حتی فراتر از یک قانون علمی است و هم چنین بسیاری از حقایق، واقعیت ها و کشف بسیاری از مجهولات عالم بشری و سپهر آفرینش را در بردارد(۱) .

البته با اذعان به این نکته که مباحث امامت در عرصه علم کلام مطرح می شوند اندیشه مهدویت را نه از باب حصر، می توان در زمره اعتقادات کلامی بر شمرد اما ظرفیت های بحث مهدویت به مراتب فراتر از علم کلام است لذا طرح اندیشه مهدویت در فضای کنونی نه تنها امتناعی ندارد بلکه مخاطبان کثیری در سراسر عالم در انتظار صیرورت چنین ایده و آرمانی هستند و این اقبال عمومی وظیفه مارا در بازشناسی زوایای مختلف این اندیشه دو چندان می کند. در این فصل بر آنیم تا در گفتار اول ابعاد متفاوت آموزه مهدویت را تشریح کنیم. در گفتار دوم به تعریف انتظار سلبی و ویژگیها و مؤلفه های آن پرداخته و در گفتار سوم نیز بعد از تعریف گفتمان انتظار ایجابی به ابعاد، شاخصه ها و مؤلفه های آن خواهیم پرداخت و درآخر نیز جمع بندی خواهیم نمود.

۱- بهرام اخوان کاظمی، نگرشی هایی نو به آموز مهدویت، انتشار آینه روشن، ص۱۷ و ۱۶.

۲-۲- گفتار اول

۱-۲-۲. ابعاد آموزه مهدویت

اگر آموزه مهـدویت را یک پازل چنـد ضـلعی در نظر بگیریـد که از اجزاء و عناصـری تشـکیل شده است طبیعتاً هر ضـلع آن، تعریف و کارکرد ویژه ای خواهـد داشت که می بایست جـداگانه مورد بحث قرار گیرنـد از آنجا که مهـدویت نه یک تئوری بلکه یک فرا تئوری است که توان سامانـدهی به حوزه های مختلفی را دارد از ابعاد و شاخصه های مختلفی تشـکیل شده و در طول تاریخ تشـیع نیز با توجه به تفاسیر عصری که از این آموزه می شده، دستخوش تغییر و تحولات جدی بوده است. در اینجا به چند بعد از ابعاد آموزه مهدویت پرداخته، و نگرش سلبی و ایجابی آن را بررسی خواهیم نمود.

۲-۲-۲. بعد اعتقادی کلامی مهدویت

بحث امـامت و مهـدویت یکی از ناب ترین و مترقی ترین نظریات سیاسـی- دینی است و ریشه ای عمیق در باورها و اعتقادات شیعیـان دارد. یکی از مفـاهیم و عناصـر پر ارج در بحث امامت، اعتقاد به مهـدویت و ظهور منجی آسـمانی است از آن جا که امامت در نزد شیعه، امری ضروری، مدوام و جزء لاینفک زندگی بشری است، لذا نمی توان محدودیت و پایانی برای آن قائل شد. از این روامتداد امامت، در مهدویت و غیبت امام دوازدهم تجلّی یافته است (۱).

مهدویت جایگاهی بس رفیع در اعتقاد و فرهنگ تشـیع دارد، شیعه، حیات و بالندگی خود را مدیون آن است. با آن زندگی و رشـد می کند، نفس می کشد، امید و آرزو و رسـتگاری دارد، هدایت و راهنمایی می شود. مهدویت نقطه اتکاء و مرکز الهام بخش و احیا کننده اسلام بوده است. به نظر هانری کربن: سرزمین ایران از دید اخروی، سرزمین انتظار

۱- رحیم کارگر، جستار های در مهدویت، چاپ اول ، انتشارات معراج ، تابستان ۱۳۸۶.

است، قلمروی که در آن امام غایب، دست اندرکار فرارساندن ساعت موعود در زمان غیبت است(۱) .

امامت محوری ترین مفهوم فرهنگ تشیع است. که شیعه را از دیگر فرق اسلامی و ادیان جدا کرده و ویژگی خاصی بدان بخشیده است. با وجود عنصر امامت به عنوان بنیادی ترین عنصر معرفتی در مذهب تشیع، منظومه ای از مفاهیم مکمل در ساخت نظری و عملی شکل می گیرد و فرهنگ شیعه تکون می یابد. و به تبع آن علوم اسلامی شکل می گیرد. در واقع با مفاهیم کلیدی همچون انتظار، مهدویت، تشکیل حکومت جهانی، عدالت امر به معروف و نهی از منکرو... حلقهمفهومی و معرفتی اندیشه اجتماعی و سیاسی شیعه شکل می گیرد و این مفاهیم اساسی که جز و کلید واژگان اعتقادی شیعه هستند در برون داد معرفتی خود به تأسیس و ایجاد نهادهای سیاسی و اجتماعی در راستای مفهوم امامت و حرکت دین می انجامد.

لذاست که آموزه مهدویت یکی از عناصر اصلی و مهم در هرم معرفتی تشیع چه در ساحت نظر و چه در حیطه عمل بوده و هست و اساساً تشیع با قبول انتظارمهدی(عج) در دوران غیبت به اندیشه نظری و عملی خود در معرفت شناسی دینی می رسد.

همواره شیعه موضوع مهدویت را با هویت دینی – مذهبی خود یکی می داند و به این مسأله نگاه عقیدتی- کلامی دارد. چون اندیشه مهدویت تکیه گاه و زیر بنای تفکر شیعه به شمار می آید. نظام‌نامه تئوریک شیعه براساس آموزه مهدویت، تدوین و تنظیم گردیده است این همان تفاوت اساسی و جوهری است که میان دیدگاه شیعه و اهل سنت در مورد شرایط، شیوه و شئون رهبری دینی بعد از پیامبر اکرم(ص) دیده می شود.

اصالت مبانی فکری و نگرش کلامی شیعی به مقوله " امام شناسی و مسئله خلافت" عامل اصلی اتکای شیعه به مسئله مهدویت است از این جهت آموزه مهدویت به کیان شیعه گره خورده است هیچ فرقه‌ای در حوزه داخلی اسلام به اندازه تشیع، در حیات سیاسی – اجتماعی فرهنگی خود متأثر از اندیشه مهدویت نبوده است.

۱- هانری کربن، آفاق تفکر معنوی در اسلام ، ص ۲۱.

۳-۲-۲. بعد اجتماعی مهدویت

از آنجا که اعتقاد ما بر این است که دین اسلام از جامعیتی برخوردار است که سایر ادیان از آن جامعیت برخوردار نیستند، اسلام به همه ابعاد و زوایای زندگی انسان از زوایای فردی- عبادی تا زوایای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توجه دارد به عبارت دیگر فرامین دین اسلام، احکام اسلام، تکالیف اسلام و حقوق اسلامی از احکام فردی جزیی و عبادی گرفته تا احکام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرد فلذا آموزه مهدویت که یکی از اصلی ترین عناصر دینی است و اساساً مکمل و متمّم شریعت اسلامی است دارای گزاره هایی است که زندگی اجتماعی شیعه را پوشش می دهد.

بعد اجتماعی مهدویت حوزه ای است که در آن، آموزه مهدویت توسط عناصر خویش بر جامعه و رفتار اجتماعی انسان تأثیر می گذارد.

در واقع حوزه مطالعات اجتماعی مهدویت متکفّل تبیین کیفیت اثرگذاری و کارکرد این آموزه، بر زندگی اجتماعی شیعه، آثار و پیامدهای اجتماعی آن است.

۴-۲-۲. بعد سیاسی مهدویت

یکی از ابعاد مهم مهدویت که در طول تاریخ تشیع بلکه تاریخ اسلام آبستن حوادث متعددی بوده است بعد سیاسی این آموزه است. از آنجا که مهدویت با سیاسی ترین مباحث استراتژیک و استراتژیک‌ترین مباحث سیاسی پیوند خورده است یعنی مفاهیمی چون عدالت، ظلم ستیزی، بی طبقه شدن جامعه و... که مفاهیمی به جدّ سیاسی هستندبا آموزه مهدویت گره خورده اند از اینرو ما مهدویت را یک بحث سیاسی می‌دانیم و لذا به تأثیر و کارکردهای این آموزه در حوزه سیاست می‌پردازیم.

کاوش در بعد سیاسی آموزه مهدویت در واقع تلفیقی از اندیشه سیاسی اسلام و سایر حوزه‌های معارف اسلامی است.

ص:۳۲

در یک بازخوانی تاریخی در باب آموزه مهدویت این بحث عمدتاً از زاویه کلامی یا تاریخی بررسی شده است اما از آنجا که مهدویت منشوری است با ابعاد مختلف و وجوه متعدد، با توجه به محوریت عنصر امامت در اندیشه سیاسی شیعه، بعد سیاسی مهدویت اهمیتی دو چندان پیدا می کند از این جهت آموزه مهدویت اسلامی، بعد سیاسی مهمی در حوزه معارف اسلامی دارد.

بر این باوریم که آموزه مهدویت در گذرگاه تاریخی حیات سیاسی شیعه، تأثیراتی را برحوزه زندگی سیاسی شیعیان داشته است که این تأثیر پذیری سیاسی ناشی از عمق مفهوم آموزه مهدویت در اعتقاد و باور شیعیان به این مسأله است. حضرت مهدی (عج) یکی از دوازده جانشین منصوص پیامبر گرامی اسلام(ص) است و مصداق تام امامت در عصر حاضر به شمار می رود. آموزه امامت از همان ابتدا، بعد سیاسی مهمی در جامعه اسلامی داشته است(۱) و به تعبیر شهرستانی در ملل و نحل هیچ موضوعی به اندازه امامت و جانشینی پیامبر(ص) شمشیرها را برهنه نکرده و خون ها را نریخته است(۲).

شیعه با الهام و الگوپذیری از آموزه مهدویت، حرکت های اصلاحی و افتخارات بزرگی را در کارنامه وزین سیاسی خودخلق نموده است که در این میان پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی با تفکر شیعی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) و هدایت روحانیت شیعه را می توان به عنوان نقطه عطف مبارزات سیاسی شیعه، یاد نمود که به جامعه شیعی رویش مضاعف و به جهان اسلام حیاتی دوباره بخشید نقش باور داشت مهدویت در حیات سیاسی شیعه، یک نقش کلیدی و تعیین کننده است زیرا نشاط و سرزندگی، پویایی و بالندگی فرهنگ شیعی به خاطر برخورداری از چنین منبع انرژی است که در کانون تفکر شیعی قرار دارد.

۱- ۱ .غلام رضا بهروز لک، سیاست و مهدویت ،انتشارات آینده روشن ، ص ۲۴.

۲- ۲ . ملل و نحل، ج۱، ص ۲۴.

۳-۲- گفتاردوم

۱-۳-۲. گفتمان سلبی انتظار و تعطیل حکومت مشروع

با شکل گیری دوران غیبت امام زمان (عج) حالت انتظار، بصورت محسوس در میان شیعیان تشدید شد و بدین سان فراروی شیعه گفتمانی شکل می گیرد که در آن همواره منتظر ظهور امام (ع) هستند به طوری که بی توجهی و عدم معرفت امام عصر(ع) مرز بین اسلام و جاهلیت معرفی شده است(۱) .

باور به ظهور منجی و نجات بخش آسمانی با ویژگی های روشن و از پیش تعیین شده و انتظار ظهور او، از اعتقادات و باورهای ریشه دار و اساسی شیعیان است. استادبزرگوار شهید مطهری به طور کلی مفهوم انتظار را به دو قسم منفی و مثبت طبقه بندی می کند. ۱- انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تعهد آور است، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه ای است که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود.۲- و انتظاری که گناه است، ویرانگر است، اسارت بخش است، فلج کننده است و نوعی " اباحیگری" باید محسوب گردد(۲).

همواره برداشتهای متفاوتی از انتظار فرج شده است که قدر جامع آنها به دو برداشت عمده بر می‌گردد که این دو قرائت، مهندسی تکوین جامعه اسلامی را در طول تاریخ اسلام، بالاخص تاریخ عصر غیبت ترسیم کرده است. یا موضع انفعالی از خود نشان داده و در مقابل حرکت های مزّورانه و استکباری مهر سکوت به دهان می زد و راه انزوا و عزلت نشینی را پیشه کرده است به امید روزی که امام غائب ظهور کند و ریشه مظالم را از بین ببرد یا واکنش فعال و سازنده از خود نشان داده و در مقابل سیاستهای باطل مقاومت نموده و به زمینه سازی ظهور پرداخته اند به عبارت دیگر، پیش شرط ظهور در برداشت اول شیوع ظلم و فساد در جامعه می

۱- علی آقا بخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار،تهران، ۱۳۸۳.

۲- مرتضی مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی(ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، ص ۱۵.

باشد و در قرائت دوم، گسترش عدالت خواهی و آمادگی اجتماعی برای ظهور حضرت می باشد این دو برداشت از انتظار فرج در همه حوزه ها ی اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سرنوشت جامعه اسلامی تأثیر گذار بوده است.

۲-۳-۲. انتظار سلبی

انتظار، یکی از عناصر اصلی و مهم منظومه معرفتی تشیع چه در حیطه نظر و چه در ساحت عمل بوده و هست و اصولاً تشیع با قبول انتظار در عصر غیبت به اندیشه نظری و عملی خود در معرفت شناسی دینی می رسد. اما این واژه، در دالان پرپیچ و خم تاریخ تشیع، رنگ و لعاب های مختلفی به خود گرفته است. قرائتی که سالها حاکم بر ادبیات سیاسی و رفتار اجتماعی شیعیان بود یک نگاه منفعل و واپس گرایانه بوده است. انتظار سلبی، به دیدگاه کسانی اطلاق می شود که پدیده ظهور حضرت حجت را تنها معلول اراده و مشیّت الهی می دانند و برای عوامل انسانی و طبیعی، نقش چندانی قائل نیستند فلذا هیچ گونه مسئولیت و تکلیف اجتماعی را در عصر غیبت برای مکلّف بر نمی تابند. سرچشمه این تلقی منفی و منفعلانه به موضوع انتظار، از نگاه سطحی و برداشت عقیم نسبت به مفاد برخی روایاتی ناشی می شود که در مورد نفی هر گونه قیام و حرکتی در عصر انتظار و بطلان و یا نافرجام بودن آن نقل شده است. در روایتی آمده است که امام صادق (ع) به ابو بصیر فرمود: هر پرچمی قبل از قیام حضرت قائم (عج) برافراشته شود، صاحب آن طاغوت بوده، اطاعت او خروج از اطاعت خدا است(۱) .

این نوع خوانش سلبی از ظاهر این روایت که منشعب از فرهنگ اخباریگری است هر نوع اقدامی در جهت اصلاح اجتماعی و سیاسی را باطل قلمداد می نمود. و چله نشینی و سکوت را یگانه رسالت منتظران تعریف می کرد. غافل از اینکه این قبیل روایات به قیام هایی ناظر است که به نام مهدی موعود(عج) صورت گیرد نه هر نوع قیام و حرکت اصلاح گرایانه

۱- کل رایهٔ ترفع قبل قیام القائم (عج)، فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عزّو جلّ؛ علی کورانی عاملی، معجم الاحادیث الامام المهدی (عج)، ج ۳، ص ۴۳۱.

که در جهت احیای دین و اقامه توحید در سطح عام باشد. بر اساس این برداشت، نه تنها هر گونه تلاش در عصر غیبت برای بر پایی حکومت اسلامی، باطل و بی نتیجه است بلکه نتیجه معکوس داشت و منجر به تأخیر قیام حضرت می گشت. لذا استاد بزرگوار مرحوم شهید مطهری از این انتظار، تعبیر به انتظار ویران گر نموده و چنین بیان می کنند: برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد و فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم ها و اختناق ها، حق کشی ها و تباهی ها ناشی می شود(۱).

در این نگرش، هر اصلاحی محکوم است زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن به حساب می آید. و هر گاه عمل مثبت و اصلاح اجتماعی در جامعه صورت پذیرد ظهور بعید الوقوع و غیر ممکن می گردد، پس ترویج فساد و فرهنگ اباحیگری، بهترین خدمت در جهت تسریع فرج و انتظار است. در بین طرفداران تفریطی انتظار نیز شدت و ضعف و نوسان وجود داشت اما، سرگشتی، بلاتکلیفی و عدم اصلاح امور جزو اصول مشترک این جریانات بود که در آن اتفاق نظر داشتند.

در بیانات و اظهارات معمار کبیر انقلاب امام روح الله نیز این تنوع قرائات مورد دقت و گوشزد قرار گرفته است امام، با انتقاد از صاحبان این فکر، زاویه انحراف آنها را در بیانات خویش مکرّر گوشزد فرمودند.

بعضی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان(عج) را از خدا بخواهند...

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، بر ملتها چه می گذرد، بر ملّت ما چه می گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف های خودمان را عمل می کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می کنند...

۱- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۴۸.

یک دسته ای می گفتند که خوب ! باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک شود...

یک دسته ای از این هم بالاتر بودند و می گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت(عج) تشریف بیاورند...

یک دسته دیگر بودند که می گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است(۱).

دسته دیگری بودند که می گفتند: هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق شود این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر عَلَمی بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن عَلَم، علم باطل است آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد در صورتی که آن روایات، که هر کس عَلَم بلند کند، عَلَم مهدی بعنوان مهدویت بلند کند حالا ما فرض می کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این است که تکلیفمان دیگر ساقط است(۲) ؟

اینهایی که می گویند که هر عَلَمی بلند بشود... خیال کردند که هر حکومتی باشد، این بر خلاف انتظار فرج است.

ایشان با نکوهش کسانی که در زمان غیبت، تشکیل حکومت را جایز نمی دانند و هر گونه فعل و تلاش اصلاحی برای رفع ظلم و فساد و تبعیض را حرام می شمارند، خطاب به آنان می فرماید: ای بی خردان ! اسلامی که می گوید : وَ قاتِلو المشرِکینَ کافّةً کَما یُقاتِلونَکُم کافه(۳)، آیا می گوید بنشینید تا طعمه دیگران شوید؟ اسلامی که می گوید: وَاقتُلُوهُم حَیثُ ثِقِفتُمُوهُم و أَخرِجُوهُم مِن حَیثُ أَخرَجوکُم(۴) ، آیا می گوید دست روی دست بگذارید تا دیگران بر شما

ص:۳۷

۱- مجموعه رهنمودهای امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۹- ۲۰۸.

۲- همان، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

۳- سوره بقره ، آیه ۳۶.

۴- سوره بقره، ۱۹۱.

چیره شوند؟ اسلامی که می گوید: وَ قاتِلوُا فی سَبیلِ اللهِ الّذینَ یُقاتِلوُنَکَم(۱) ، می گوید خود راتسلیم دیگران کنید؟ اسلامی که می گوید: "الخیر کلّه فی السیف و تحت ضلّ السیف ولا یقیم الناس الّا السّیف و السّیوف مقالید الجّنهٔ و النّار"(۲) و " للجنّه باب یقال له باب المجاهدین

"(۳)و صد ها آیات و احادیث دیگر برای جنگ با اجانب و برای استقلال کشور آیا مردم را از کوشش و جنگ باز می دارد؟(۴)

بنابراین، دیدگاه تفریطی و واگرایانه به انتظار فرج به این معنا است که جامعه بایستی به حال خود رها شود و نباید به فساد آن توجهی نشان داد تا زمینه ظهور فراهم آید، عده ای نیز فراتر از این عقیده معتقدند نه تنها نباید جلوی فساد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آنها دامن زد تا هر چه بیشتر زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم آید(۵).

در این راستا اینان هر حرکت اصلاح طلبانه ای را محکوم به شکست دانسته و به هیچ تحول و حرکتی کمک نمی کنند و با همه حرکت ها با بدبینی می نگرند " این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی(عج) می شمارند. برعکس اگر خود اهل گناه هم نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند.

طبیعتاً این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی(عج) و این نوع انتظار فرج، که منجر به نوعی تعطیلی در حدود و مقررات اسلامی و گسترش فساد به وسیله مستکبران می شود نوعی اباحی گری باید شمرده شده و به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی مطابقت ندارد.

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۰.

۲- کافی ، ج ۵، ص ۲.

۳- همان.

۴- روح الله خمینی، کشف اسرار، ص ۲۸۹.

۵- رحیم کارگر، انتظار و انقلاب، فصلنامه علمی تخصصی انتظار، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۳۲.

این نگرش قشری و سطحی از انتظار، تأثیرات خود را بر دیگر زوایای زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... در جامعه ی شیعی گذاشت و این حوزه ها را متأثر از خود نمود در این بخش به کیفیت تأثیرگذاری انتظار سلبی در ابعاد اعتقادی، اجتماعی، و سیاسی در جامعه ی شیعه می پردازیم و مؤلفه های هریک را در بعد سلبی بررسی می کنیم.

۳-۳-۲. ویژگیهای اعتقادی- کلامی گفتمان سلبی انتظار

سوء فهم از دین، اساس انحرافات دینی در نظر و عمل است و انسان دیندار براساس معرفت شناسی و فهمی که از دین پیدا می کند به ساماندهی زندگی اجتماعی خویش می پردازد یکی از گزاره های دینی که به شدت در حوزه اعتقادات ولایه ی ذهنی اجتماع منشأ سوء فهم و کج فهمی قرارگرفت، انتظار فرج است. اخباریون، عقل انسانی را در رسیدن به معرفت عینی ناتوان می دانند و حجیت ظواهر و دلالت عرفی زبان و قرآن را حجت نمی دانند و معرفت و علم خود را مبتنی و مستند می دانند بر سلسله مفاهیمی در سنت دینی مثل تقیه، صبر وروایاتی که دلالت دارد بر عدم حجیت خروج بر سلطان در عصر غیبت، ترک جهاد و عزلت نشینی و برخی از رفتارهای ائمه، مثل امام علی(ع) با ابوبکر و عدم اعتراض امام بر تبعید اباذر به ربذه، صلح امام حسن(ع) و امثال ذلك. این موارد، اساس و مبانی انتظار منفی در حوزه اعتقاد و ذهن در جامعه اسلامی شد.

۴-۳-۲. تشدید رویکرد نقل گرایی

رفته رفته دو گروه متمایز در عالمان شیعی شکل گرفتند گروهی که با تکیه بر احادیث و روایات (منقولات) می کوشیدند تا به کمترین تخطی از نص، تن دهند و گروه دیگر با توجه به مسائل مستحدثه و شرایط اجتماعی در پی پاسخ گویی به آنان برآمدند و جوابیه های نو ارائه کردند از این دو رویکرد به نقل گرا و عقل گرا، یاد می شود. گروه نقل گرا در سایه کج فهمی آموزه انتظار، بر پایه احادیث موجود، تنها وظیفه مهم عالمان دینی را در نقل روایت های معصومان و عمل به اقتضای آنان و ابلاغشان به شیعیان ارزیابی می کردند و از آنجا که هم

سیره ی غالب امامان شیعه، دور بودن از حکومت را نشان می داد و هم روایات قابل توجهی، همه حکومت های پیش از ظهور (عصر انتظار) را نامشروع تلقی می کرد(1). در ذهن و اعتقاد توده، کژتابی از این آموزه شکل گرفت که فرهنگ انتظار سلبی را در روح و روان آحاد جامعه اسلامی تثبیت نمود.

۵-۳-۲. توسعه نگرش جبرگرایی (تقدیرگرایی)

در نگره نقل گرایان از آنجا که، نه وقت ظهور موعود روشن بود و نه عوامل و نشانه های نهایی و قطعی آن و نیز همه اقدامات کلان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بر عهده ی امام غائب بود و جزئیات جریان های پس از ظهور نیز در پاره ای از روایت ها ذکر شده بود. آرام آرام میلی به جبر اجتماعی در قالب فرهنگ انتظار منفی پدید آمد و از پس آنکه این تفکر با تلقی خاص خود موجب می شد تا عرصه های بزرگ سیاسی- اجتماعی جامعه از کوششها و تکاپو های شیعیان خالی بماند پذیرش وضع موجود و تقدیر الهی قطعی دانستن آن، در نزد ایشان تأثیر خود را بر جای گذاشت و هواداران این دیدگاه به کوششهای جزیی و خرد در عرصه اجتماعی بسنده کردند و در برابر حوادث سیاسی که از آنها به فتنه یاد می شد، انزوا پیشه کردند و ساحت مسئولیت خود را کنار کشیدند و در حیطه عمل کوشیدند تا جز سکوت، راهی را پیشه نکنند و هرگونه تعامل با نظام حاکم، چه در قالب جنبش های ضد ظلم و چه در قالب تعامل های دو سویه را باطل و حرام اعلام کنند(2).

۶-۳-۲. ترویج فرهنگ اباحی گری

زاویه نگرش در انحراف منفی بنیانه از انتظار به حدی رسید که با بدفهمی از بعضی از روایات، ترویج فساد و ستم، مقدمه ظهور پنداشته شد.

۱- ابن طاووس علی بن موسی جعفر، کشف المحجه لثمره المهجه، ، چاپ اولدارالمرتضی، بیروت، ۱۹۹۱،ص۱۳۶

۲- محمدباغستانی، مقاله تأثیر انتظار بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات گفتمان مهدویت، گفتمان هشتم، جلد۲،ص۱۱۶.

طرفداران این دیدگاه برای انتظار، ماهیت انفجاری قائل بودند و بر این باور که برای اصلاح جهان باید اوضاع چنان ملتهب و مخدوش گردد که به مرحله انفجار برسد اصرار می ورزیدند. این دیدگاه ترویج نوعی اباحی گری بود که به توجیه حقایق موجود و تسلیم شدن در برابر مستکبران و ظالمان می پرداخت این تیپ فکری، مصلحان، مجاهدان، و آمران به معروف و ناهیان از منکر را تأخیر اندازان در امر ظهورمی شمارند و اگر در حریم شخصی و فردی خود اهل گناه و نسیان نباشند از اعماق اندیشه و باطنشان نوعی همدلی و رضایت از معاصی و مفاسد اجتماعی دارند و عملاً مسیر جامعه را یک سیر قهقرایی می دانستند.

۷-۳-۲. ویژگی های اجتماعی گفتمان سلبی انتظار

۱-۷-۳-۲. اختیار حداقلی انسان:

غلبه نگرش نقل گرایی بر فرهنگ مهدویت از جمله انتظار، پیدا و پنهان به جبرگرایی دامن می زد و بی توجهی منتظران به مسئولیت های خویش را با اعتماد به تقدیرگرایی افراطی موجب می شد، در حالی که در رویکرد عقل گرا با توجه به فراهم آمدن عرصه فعالیتهای عقل انسانی در مقدس ترین متون دینی، نمایش روشنی از اعتماد به اختیار انسانی پیدا می شود. قلمرو فعالیتهای اجتماعی و سیاسی انسان در این نگاه بسیار محدود می شود و با ضیق شدن دایره ارتباط بین فرد منتظر و مفاهیم اجتماعی ناخودآگاه قلمرو اختیارات انسان محدودتر می شود.

۲-۷-۳-۲. تعطیل شدن حدود و مقررات دینی:

یکی از برون دادهای انتظار منفی در حیات اجتماعی مسلمین، نفی دستورات و تعالیم اسلام، بالأخص تعطیلی امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر از عناصر اساسی فرهنگ شیعه به شمار می آیند که با رعایت اصول و مبانی آن سلامت جامعه در ابعاد گوناگون تضمین می شود و باعدم رعایت حدود و حریم آن جامعه به ایستایی و سکون

می رسـد شـهید مطهری این نـوع برداشت را نـوعی ابـاحی گری می‌دانـد و لازمه ی این نوع تفکر این است که به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نگاه عدالت گونه نگریسته شود(۱).

۳-۷-۳-۲. انزواطلبی و از هم گسیختگی اجتماعی

عافیت طلبی و منفعت جویی شخصـی که ریشه در رذایل اخلاقی، خودخواهی، عجب و دنیادوستی دارد یکی از اضـلاع اصلی نگاه واپس گرایانه دینی را شـکل می دهد. کج فهمی و کج اندیشـی، عافیت طلبی و منفعت جویی شخصی، ائتلاف واتحادی را به وجود می آورنـد و گفتمـان جدیـد و رویه ی نوینی را در ساحت دینـداری بوجود می آورنـد و در این صورت است که جامعه دینی از یک جنب و جوش فعّالانه به یک شـکل ایسـتاو منفعل مبـدل می شود دینـداری آغشـته به ریا در جامعه نهادینه می شود این نگرش انسان منتظر را به دور از اهل باطل به انزوا می کشاند تا صاحب الامر بیایند و امور را اصـلاح نمایند و تنها وظیفه فرد، حفظ خویش از معاصـی و محارم است که بی مسئولیتی، ازهم گسیختگی اجتماعی و انزوا طلبی را برای انسان رقم می زند.

۸-۳-۲. ویژگیهای سیاسی گفتمان سلبی انتظار

۱-۸-۳-۲. غلبه گفتمان تقیه محور بر ادبیات انقلابی

تقیه به عنوان استراتژی و یک تمهید سیاسـی- تشـکیلاتی از سوی امامان معصوم (علیهما السلام) و سایر رهبران و علمای شیعه تجویز شـده وهـدف آن، حفظ و نگه داری نیروها و امکانات شـیعیان در راه تقویت مبانی دین و مبارزه با دشـمنان بوده است. بنابراین، حدّ و مرز تقیه

۱- مرتضی مطهری، قیام وانقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ،چاپ سیزدهم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳، ص۶۳-۶۴.

را شـرایط و موقعیت زمان مشـخص می‌نموده است[(۱)]. لـذا به مـدد استراتژی تقیه می توان با پنهان داشـتن اعتقاد وایـدئولوژی خویش، در انجـام فعالیتهای زیرزمینی و مخفیانه هم نیروی انسانی شـیعه و هم ایـدئولوژی و تفکر تشـیع را از مراحل و موقعیت های سخت عبور داد.

با آغاز دوران غیبت کبری، زندگی عمومی و سیاسـی شـیعیان، با مشکل مواجه شد عدم حضور فیزیکی امام (ع) در جامعه دو دیـدگاه غـالب در بین شـیعیان را رقم زد. برخی معتقـد بودنـد که در دوران غیبت به دلیـل عـدم حضور امـام معصوم، بایـد به زندگی تقیه آمیز در سایه حکومت های نامشـروع اکتفا کرد و هیچ گونه مجاهدت و تلاشـی در جهت اصـلاح وضع حاضـر و تشـکیل حکومت نباید انجام داد زیرا منصب حکومت، منصب ائمه است و ولایت از آن امام معصوم است و احدی چنین حقی را برای تشکیل حکونت ندارد[(۲)]. برخی از فقها هم نظیر امام خمینی (ره) در عصـر غیبت قائل به نیابت حـداکثری فقیه از امام معصوم بودنـد فلـذا تشـکیل حکومت را واجب می دانسـتند. وقتی ادبیات سـلبی انتظار به گفتمان رایج تبدیل شد تقیه بیشترین حجم از رفتار سیاسـی مسلمانان را به خود اختصاص داد و انتظار فرج در جامه تقیه، گفتمان تقدیرگرایی را رقم زد که رخوت و سـکون و سـستی در جامعه معلول نگاه افراطی به تقیه است. در این نگاه منتظر بی هیچ گونه تلاشی و صرفاً به امید آینده ای بهتر، در انتظاری فرسایشی و رو به زوال به سر می برد.

۲-۸-۳-۲. تقویت تفکر حجتیه ایسم و رشد فساد در جامعه

نگاه بدبینانه به آموزه انتظار فرج و خوانش سـلبی ازمهدویت در شـکل سیاسـی خود در غالب انجمن‌ها و نهادهای فرهنگی نیز بروز نمود انجمن حجتیه که توسط شـیخ محمود ذاکرزاده تولایی، معروف به شـیخ محمود حلبی تأسـیس شـد هیـچ اندیشه ای برای حکومت در دوران غیبت نداشته و در راستای دفاع از مهدویت، تنها به مبارزه با بهائیت محدود شد و برای

ص:۴۳

۱- نفیسه فاضلی نیا، ژئوپلوتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی،چاپ اول، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۶، ص۶۹.
۲- یحیی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، دفتر نشر معارف اسلامی، ص۱۰۲-۱۰۳.

دستیابی به این هدف، همواره با حکومت پهلوی در تعامل و سازش بوده و ظلم رژیم به مردم ایران را نادیده می انگاشتند. بعد از انقلاب اسلامی نیز به دلیل تضاد افکار آنان با انقلاب اسلامی، نه تنها با آن همکاری نکردند بلکه در مواردی با آن مقابله نیز می کردند این گروه که به انجمن حجتیه معروف اند «در ظاهر با فساد مخالف اند ولی در عمق ضمیرشان به اشاعه ظلم و فساد برای تسریع ظهور مهدی به عنوان تقویت زمینه های منفی که لازمه قیام حضرت است رضایت می دهند(۱).

این گروه قائلند برای تحقق انقلاب مهدی(عج) باید بسترها و زیرساختهای منفی در جامعه مثل تبهکاری و ستمگری ها شیوع پیدا کند.(۲)

بعد از آغاز قیام امام خمینی (ره) که به رویداد ۱۵ خرداد ۴۲ منجر شد در سال های بعد جریان متأثر از تفکر اخباری گری(موسوم به انجمن حجتیه) بیشتر مبارزه خود را متوجه تفکر امام خمینی(ره) نمود(۳). و می کوشید تا با تکیه بر روایاتی که هر گونه قیام قبل از ظهور موعود را نفی می کنند و نا مشروع می دانند، جبهه مقابل رااین گونه بنمایانند.

امام نیز بیشترین کوشش های فکری خود را برای نشان دادن مشروعیت جنبش و قیام در عصر انتظار به کار برد و با بیان آرای خود در باب ولایت فقیه و ارتباط گسترده با مردم و دعوت همه آنان از زن و مرد در عرصه مسئولیتهای اجتماعی، مفهوم تازه انتظار را رقم زد.

سر انجام انجمن حجتیه در پی سخنرانی حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر مذمت کسانی که معتقد به تشدید فساد برای ظهور امام زمان(عج) بودند، منحل شد بدان خاطر که امام خمینی این فکر را یک اندیشه وارداتی و دارای ریشه استعماری می دانست که استعمارگران، تفکر

ص:۴۴

۱- عمادالدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، نشر دانش اسلامی، ص۱۳۹.

۲- سید ضیاء الدین علیا سنب و سلیمانعلوی نیک ، جریان شیاطین انجمن حتّی انتشار زلال کوثر چاپ اول ۱۳۸۵، ص ۵۵.

۳- سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، چاپ مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ج۳، ضمیمه اسناد مربوط به انجمن حجتیه.

جبر و انفعال را از این طریق در میان دینداران ترویج می دهند تا به راحتی بتوانند سلطه خود را ادامه دهند.

۳-۸-۳-۲. پذیرش حکومت جور و سکوت در مقابل طاغوت

نگرش سلبی انتظار در برون داد سیاسی خود پذیرش و قیمومیت هرگونه سلطه طاغوت بر مقدرات مسلمین را برمی تافت، تا جایی که گروهی پنداشتند ازدیاد ظلم و ستم و ترویج طاغوت در تعجیل ظهور مؤثر است و رابطه ظلم و ظهور را ترابط علّی و معلولی قلمداد می کردند و تا جامعه از ظلم و تباهی آکنده نشود امر ظهور محقق نمی گردد قرآن شریف این منطق غلط و برداشت منفی از انتظار فرج را نفی می کند «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا» کسانی که ایمان آورده اند، در راه خدا کارزار می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند پس با یاران شیطان نجنگید که نیرنگ شیطان در نهایت ضعیف است. (۱)این دسته که قرآن به صراحت به سرزنش آنها پرداخته، به پذیرش ولایت هر حکومت جوری در طول تاریخ غیبت تن در دادند و مرام و مسلک قاعدین را پیشه کردند.

۴-۸-۳-۲. عدم تشکیل حکومت مشروع

علمای اسلامی بعد از غیبت به دو دسته تقسیم می شدند:

الف) علمای اخباری ب) علمای اصولی. علمای اخباری، سلفی گرا بودند و به شدت عقل، تفسیر و اجتهاد را رد می کردند و شعارشان صرفاً بازگشت به اسلام اصیل و تکیه صرف بر قرآن، سنت پیامبر و ائمه بود و نه چیزی بیشتر از آن و به تشکیل حکومت در زمان غیبت امام زمان(عج) توسط علمای دینی، به واقع اعتقادی نداشتند اینان دارای نظریات سلبی حکومت بودند۲

---

۱ - ۱ . نساء،۷۶ . ۲.غلام رضا بصیرنیا،تئوری های انقلاب و انقلاب اسلامی ایران، دفتر نشر معارف، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱،ص ۹۰.

نظریه های سلبی حکومت شیعه معتقد بود که رهبری سیاسی از آن معصوم است و قابل واگذاری به غیر نیست و شیعیان در دوران غیبت نمی تواننـد نظام سیاسی تشکیل دهند و دوران غیبت دوران انتظار است. و معتقد به عدم همکاری با حکام جائر بودنـد و همچنین بر این عقیـده بودنـد که باید از حکومتها فاصله گرفت و هر گونه همکاری با دولت حرام است. این اندیشه، دوران غیبت را دوران، تقیه زمانیه می دانـد یعنی اینکه چون زمان غیبت زمان تقیه است اگر انسان امکان تشکیل دولت را هم داشت، نبایـد تشکیل دولت بدهـد. بر اساس این نظریه شیعیان نبایـد علیه دولت قیام کننـد و همینطور هرگز نباید با دولت نیز همکاری داشته باشند و نیروی بی طرفی در جامعه تلقی شوند. که این نظریه در طول تاریخ یک انحطاط و عقب گرد سیاسی را برای مسلمانان رقم زد. و در پرتو تفکر اخباری گری،فقهاء هیچگاه در رأس هرم حاکمیت سیاسی قرار نداشتند. بلکه از دور نظاره گر جور حکام بودند و دل به ظهور ناگهانی حضرت(عج) داشتند.

۴-۲- گفتار سوم

۱-۴-۲. گفتمان ایجابی انتظار و تشکیل حکومت مشروع

بـدون شک ادبیات سیاسی و انقلابی شیعه در دوران غیبت، از فرهنگ انتظار غیر قابل تفکیک است در این گـذار تاریخی، شیعه منتظر، با خود آگاهی و اتکاء به نظام دانایی تشیع، در نظر و عمل به ابطال واقعیات باطل معترض است و به نفی طاغوت ها به فراخور موقعیت ها گاه به سلاح مبارزه و گاهی با استراتژی تقیّه و بعضاً به ضـرب و زور تعامل و مصلحت، بستر لازم را برای ظهور مهدی موعود فراهم می کند. بنابراین ادبیات انتظار منجی، حلقه وصل سه دوره نبوت، امامت و غیبت است و انسان منتظر به گسست تاریخی این سه دوره پایان می دهد(۱).

ص:۴۶

۱- محسن مهاجرنیا، مقاله فرهنگ انتظار و آثار آن در حیات سیاسی شیعه ، همایش بین المللی دکترین مهدویت، ص۴.

۲-۴-۲. انتظار ایجابی

انتظار مهدی (عج) گزاره ایست که همزاد تشیع و هم آغوش شیعه است و حذف امید به آینده روشن از مکتب تشیع، سکون، رکود و انفعال را برای جوامع شیعی به ارمغان می آورد. انتظار شعله ای افروخته در شمعدان وجود شیعیان است که هر چه آتش افروزی این مشعل فروزان تر باشد پویایی سیاسی و اجتماعی فرد منتظر را بیشتر می کند و سردی شعله انتظار، انفعال و واگرایی شیعه را در پی دارد.

در فرهنگ انتظار ایجابی، دوره طولانی غیبت فیزیکی امام معصوم، بحران ها، آشفتگی ها و نابسامانی های اجتماعی سیاسی جای خود را به اجتهاد و نوآوری، زایش توان عقلی و معرفتی و رشد و توسعه حیات سیاسی اجتماعی می دهد که با هدایت معنوی امام منتظر از ورای پرده غیب صورت می گیرد.

فرهنگ انتظار صحیح بر اساس تعالیم معصومان از سه مؤلفه اساسی تشکیل می شود:

الف) نارضایتی از وضع موجود که همواره تحت سلطه حاکمان ستم پیشه بوده است.

ب) امید و باور به آینده ای مطلوب و دنیایی پر از عدل و داد.

ج) تلاش و مجاهدت در جهت تحقق آینده مطلوب(۱).

فرهنگ انتظار باتحقق این سه مؤلفه به فعلیت می رسد، کسی که هیچ احساس ناخوشایندی از وضعیتی که در آن به سر می برد، ندارد یا آینده روشنی پیش روی خود نمی بیند و به امکان تغییر وضعیت موجود اعتقاد ندارد یا در راه تحقق آینده ای که آن را مطلوب می داند ورسیدن به هدفی که چشم انتظار رسیدن آن است، هیچ تلاشی نمی کند، هرگز نمی تواند در زمره منتظران راستین فرهنگ انتظار باشد.

با توجه به این ارکان ثلاثه، انتظار پویا را در ابعاد مختلف اعتقادی، اجتماعی سیاسی تحلیل کرده و ابعاد و زوایای آن را مورد بحث قرار می دهیم. بر اساس نظریه محتوای باطنی انسان، در این گفتار به مصادیق تحول و تبدیل ادبیات سلبی انتظار به ادبیات ایجابی آن خواهیم

۱- محسن مهاجرنیا، پیشین ص۴.

پرداخت و نقش محوری امام خمینی(ره) را به عنوان نخبه فکری در تحول این واژه و عینیت بخشیدن آن در حوزه های کلامی ، سیاسی و اجتماعی را بررسی می کنیم.

۳-۴-۲. ویژگیهای اعتقادی – کلامی گفتمان ایجابی انتظار

۱-۳-۴-۲. رشد عقل گرایی

گروه عقل گرایان، که هم به احادیث اهل بیت توجه داشتند و هم به واقعیت های زمانه علاوه بر نقل و فهم احادیث کوشیدند به گونه ای انتظار را در شرایط تازه اجتماعی سیاسی تطبیق دهند تا هم سیطره و حاکمیت آنان حفظ شود و هم واقعیت های اجتماعی زمانه نادیده گرفته نشود. و از آنجا که یکی از دو عنصر محتوای درونی انسان عقلانیت است ایشان معیار موجود و ممکن خود برای این هدف را عقل یافتند و کوشیدند تا به کمک آن به نقل و نقد احادیث بپردازند و مفاهیم آنها را دریابند و زمینه تطبیق آنها را فراهم آورند. از این رو تعریف آنان از وظایف عالمان دینی در عصر غیبت دگرگون شد و این وظایف را تنها به ثبت احادیث و نقل آنها به دیگران منحصر ندیدند و از این رو، رتبه عالم دینی در نظر آنان از راوی صرف احادیث به فقیهی ارتقاء یافت که با ابزار عقل به استنباط در کتاب و سنت می پردازد و اجتهاد

می کند.

با آغاز تحول در مسئولیت عالمان دینی در عصر غیبت کبرا از ناقل حدیث به فقیه و مجتهد، مفهوم انتظار نیز دگرگون شد و تفاوتی جدی با تلقی نقل گرایان پیدا کرد. واژه انتظار در نگره نقل گرایان بسیار سریع شکل گرفت و قلمرو آن مشخص گردید. در حالی که این مفهوم نزد عقل گرایان در مراحل گوناگون زمانی، مفهومی تازه یافت. گروه نقل گرا نمی خواستند تا در متن واقعیت های اجتماعی به حفظ نص بپردازند بلکه آن متون را فارغ از زمان و مکان و شرایط گوناگون می یافتند از همین رو هیچگونه تحولی را نیز، در معنای نصوص برنمی تافتند به همین علت مفهوم انتظار نیز به سرعت، حداکثر معنای خود را در نگره آنان یافت و مرزهایش مشخص گردید. اما مفهوم انتظار به تبع دیگر مفاهیم مرتبط با آن در نگره

عقل گرایان از تحول، برخوردار گردید، چندان که امروز می توان از تاریخ شیعه بر پایه اندیشه اجتهادی و عقلانی، مفاهیم گوناگون از انتظار را به تناسب شرایط هر دوره دریافت کرد.

۲-۳-۴-۲. تبدیل راوی حدیث به فقیه مجتهد:

با افزایش فاصله زمانی عالمان شیعه با دوران حضور امام و احساس مسئولیتهای جدید در شرایط تازه اجتماعی، راوی احادیث امامان به رتبه فقیه ارتقاء یافت و واجد یکی از مسئولیت های مهم امام معصوم(ع) یعنی بیان حکم الهی بود، با این تفاوت که امام معصوم شیعه به علم الهی، احکام را بیان می کرد و فقیه شیعه با رأی اجتهادی خویش که احتمال خطا در آن وجود داشت.

با اعتبار یافتن حکم فقیه در استنباط احکام شرعی، دایره مسئولیتهای منتظران در عصر انتظار امام معصوم(ع) گسترده تر شد چه آنکه در قالب مکانیسم اجتهاد می توانستند به استنباط احکام تازه دست زنند و کشف هر حکم تازه، مسئولیتهای تازه ای را فرا روی ایشان می نهاد که تفاوتی هم با زمان حضور امام نمی کرد. پس از تحولات سیاسی بزرگی که حمله مغول در جهان اسلام به وجود آورد و خلافت عباسی را برانداخت، شرایط برای گسترش تشیع از طریق همکاری نزدیک با حاکمان مغول(ایلخانان) فراهم آمد. علامه حلی سرآمد فقیهان این عصر، توانست با اجتهاد تازه خود مسئولیت جدیدی را به مسئولیت های فقیه در عصر غیبت(دوره انتظار) بیفزاید و او را به رتبه مشاور متنفذ حکومت تبدیل کند این مسأله گام بلندی بود در راه ورود دومین عرصه وظایف امام معصوم(ع) که اداره نظام سیاسی جامعه بود علامه حلی در رتبه مشاور عالی نظام ایلخانی توانست آن را به پذیرش مذهب تشیع متقاعد سازد و از این طریق راه را برای گسترش تشیع در ایران فراهم آورد(۱).

۱- یوسف حلی، نهج الحق وکشف الصدق، به تعلیق حسینی ارموی، مؤسسه دارالهجره، چاپ نمونه، ایران ۱۴۱۴، ص ۳۸ به بعد.

بسـیار طبیعی بود که با این اجتهاد، عصـر منتظران دوره علامه حلی هم دچار تحول شـد و آنان هماننـد خود او باید در عرصـه های تازه ای از مسایل اجتماعی سیاسی حضور یابند که از وظایف اختصاصی امام تلقی می شد.

با ظهور صـفویان در عرصه تاریخ سیاسـی اجتماعی ایران، این سرزمین دچار تحول فوق العاده ای شد و آنان عرصه تازه ای را برای مسـئولیت هـای فقیه، فراهم ساختنـد، و از وی به عنوان نایب امام زمان(عـج) خواسـتند در عرصه های تصـمیم گیری مهم حکومت مانند مشاوره، قضا و سـیاست گذاری حاضر باشند علاوه براین ده ها منصب مهم را برای روحانیون آماده کردند(۱). محقق کرکی در دسـتگاه صـفویان منصب«شـیخ الاسـلام اول» را داشت در این مقطع ورود بیشتر فقیهـان اصولی(عقل گرا) باز هم منجر به افزایش مسئولیت‌های بیشتر اجتماعی آنان شد و منتظران موعود در این دوره را با عرصه های تازه ای از مسئولیت.. هـای اجتمـاعی درگیر کرد این همکاری و پـذیرش مسـئولیت موجب شـد تا پاره ای از مسـئولیت ها چون قضا، جبایت خراج، فرماندهی جنگ ها و برپایی نماز جمعه را عهده دار شوند. با سـقوط صفویان و آمدن افشاریان و کاهش نفوذ فقیهان اصولی، بـار دیگر موضوع اختیـارات فقیه، محل نزاع دو تیپ اخباری و اصولی شـد. اصولیها بار دیگر با ظهور بهبهانی و کاشف الغطاء توانستند ابتکار عمل را بدست بگیرند و به ساماندهی نظام مرجعیت پرداختند. مراجع شیعه در تاریخ ایران قاجار در ماجراهایی چون جنبش مشـروطه و نهضت تنبـاکو تـأثیر گـذار بودنـد و بالتبع، انتظار منتظران در این دوره نیز با دوره های پیشـین متفاوت شـد. احسـاس مسـئولیت عمومی مردم در این دوره کاملاًـ بـا دوران گذشـته تفاوت کرد فقیهان اصولی این دوره در بزرگترین حـادثه فکری یعنی نوشـتن قـانون اساسـی اول برای ایران، نقش آفرینی کردنـد و کسـانی چون نایینی برای نخستین بار از منظر اجتهادی و فقهی به تئوریزه کردن نظام سیاسی مشـروطه پرداختنـد به طور کلی ورود به عرصه سیاسـی و اجتماعی معطوف به انتظـار فرج در این مقطع تـاریخی عمق بیشتری گرفت و بـا تولـد سیاسـی امام خمینی(ره) و خلق انقلاب اسـلامی به اوج غلیان رسید.

۱- علی الوردی، لمحات الاجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، چاپ دوم، کونان،،لندن، ۱۹۹۱،ص ۶۰ به بعد.

۳-۳-۴-۲. استقلال فکری شیعه و نفی گفتمان تقدیرگرایی:

انتظار فعال که واجد بن مایه های عقیدتی و معرفتی هدف دار و رو به جلو بود به استقلال فکری شیعه در برابر نظام حاکم کمک کرد شیعیان همان گونه که درعرصه اندیشه، مطالب خود را از روایات امام معصوم(ع) نقل و متدهای ویژه استنباط خود را بازسازی می کردند از نظر سیاسی نیز از فلسفه و نظام سیاسی خاص خود طرفداری و فاصله فکری خود را با نظام حاکم حفظ می کردند چه آنکه بر پایه اصل انتظار موعود، هر نظام سیاسی غیر از معصوم، نامشروع تلقی می شد و شیعیان باید به انتظار نظام سیاسی مشروع خود می بودند.

۴-۴-۲. ویژگیهای اجتماعی گفتمان ایجابی انتظار

۱-۴-۴-۲. تقویت روحیه امیدواری:

در جامعه انتظار یک نگرش مثبت به آینده جهان است که منتظر را علیرغم همه شدائد و مصائب، امیدوار نگه می دارد، فرهنگ انتظار، روح امید را در ذهن و عین انسان منتظر می پروراند یعنی مجموعه تفکرات، انگیزه ها، عادات، رفتارها، روابط که شخص به نحو مثبت و فعال سامان می یابد. انتظار از نظر دین و مذهب به معنای امیدواری است امید به آینده ای نویدبخش و سعادت آفرین، امید به آینده ای که در آن بشر راه خیر و صلاح را در پیش گیرد و دنیا در پرتو تحقق عدل الهی، مدینه ای فاضله گردد(۱).

آیین مبین اسلام از همان بدو تولد و نخستین سالهای ظهور پیامبر گرامی(ص) پیوسته مسلمانان را به آینده ای درخشان امیدوار ساخته است و از آن به انتظار فرج تعبیر کرده است. می توان گفت اصل انتظار فرج از یک اصل کلی قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل«حرمت یأس از روح الله» است. «ولاتیأسوا من روح الله انه لا ییئس من روح الله الا القوم

۱- سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، انتشارات جمکران ۱۳۸۰، ج اول، ص ۱۹۲-۱۸۰.

الکافرون(۱)» در این آیه شریفه قرآن کریم ناامیدی از رحمت خدا را از ویژگیهای کافران برشمرده است(۲).

مسلمانان بر اساس وعده های قرآن کریم، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، حکومت جهان به دست صالحان و حق پرستان خواهد افتاد و عدالت و امنیت در سراسر جهان برقرار خواهد گردید.

۲-۴-۴-۲. اصلاح ناهنجاریها و همبستگی اجتماعی

یکی از مهم ترین کارکردهای اجتماعی انتظار بهبود وضع ناهنجاریها و همبستگی وتمرکز اجتماعی است انسان در حال انتظار می بایست محاسن اخلاقی را در خود نهادینه کند و ارزشها و هنجارهای اخلاقی را معیار زندگی خود قرار دهد. در این صورت استکه انتظار، مانع وقوع ناهنجاریهای اجتماعی می شود و فرد رادربرابر انواع کجروی های اجتماعی مصون نگه می دارد منتظر به هنجارهای جامعه نظر می اندازد، هنجارهای مثبت ومتعالی و مناسب با ارزشهای جامعه موعود را در خود درونی می کند، شخصیت خود را توسعه می بخشد و آرمان هایی همچون عدالت خواهی و ظلم ستیزی را معیار رفتار اجتماعی خود قرار می دهد انتظار مثبت، در عصر غیبت می تواند هدفی واحد ومتمرکز را برای تفکر شیعی ترسیم کند و با تمرکز بخشیدن به استعدادهای شیعه، آنان را از ورود به عرصه های متشتّت سیاسی – اجتماعی باز می دارد بنابراین اصلاح ناهنجاری های جامعه معطوف به آموزه انتظار، عامل اصلی تمرکز و همبستگی اجتماعی خواهد شد.

۳-۴-۴-۲. پویایی اجتماعی

یکی از کارکردهای انتظار ایجابی در عرصه اجتماع، تحرک بخشی و پویایی اجتماعی در جهت صلاح جامعه می باشد انتظاری که بدون تحرک، بهسازی و پویایی باشد انتظاری

ص:۵۲

۱- سوره یوسف/ ۸۷

۲- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا، ج ۱۷، ۱۳۷۶، ص ۱۳.

ویرانگر و افیون توده‌ها است. تحرک و پویایی اجتماعی موجب می شود که هرگز منتظر واقعی در برابر رهبران فاسد و استعمارگر نه تنها خضوع نمی کند بلکه دائم در حال مبارزه با فساد و حاکمان فاسد به سر می برد و در انتظار آینده ای روشن و نوید بخش به سر می برد. انتظار مهدی (ع) با توان بخشی و تزریق انرژی مثبت و دمیدن روح امید و سازندگی به فرد و جامعه، عاملی در جهت پویایی و تحرک اجتماعی است.

۴-۴-۴-۲. احیای امر به معروف و نهی ازمنکر

از آنجا که دین صرفاً به تهذیب فردی اهمیت نمی دهد و اساساً ارسال رسل به این دلیل نبود که فرد را منزوی و سپس مهذّب کنند بلکه دین علاوه بر پالایش معنوی فرد، به تهذیب روابط اجتماعی او نظر دارد. و وظیفه یک شیعه منتظر نیز در خودسازی خلاصه نمی شود. انسان منتظر می بایست بعد از تهذیب وتزکیه نفس، در پی تطهیر جامعه باشد.

مسأله امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به نیکی ها و منع از بدی ها است. از نظر قرآن، امر به معروف ونهی از منکر از وظایف مهم اجتماعی است. «کنتم خیر امه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»: و بهترین مردم کسانی هستند که برای امر به معروف ونهی از منکر قیام می کنند(۱).

انسان منتظر می کوشد تا خود و محیط اجتماعی خود را برای حضور حضرت ولی عصر مهیا کند یکی دیگر از واژه هایی که در ادبیات سیاسی اجتماعی امام خمینی دچار تحول جدی شد همین امر به معروف و نهی از منکر بود. امام خمینی در یکی از سخنرانی هایشان در این باب فرمودند: اگر هر روایتی بیاید که نهی ازمنکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد، این گونه روایت قابل عمل نیست(۲). بزرگ‌ترین امر کننده به معروف، در روزگار ظهور، خود مهدی (ع) است پس چگونه ممکن است که جامعه منتظر، خشنودی مهدی را نخواهد، و در

۱- آل عمران، ۱۱۰.

۲- روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، جلد ۲، ص۱۹۸.

این بعد، به مهدی اقتدا نکند و به او تشبّه نجوید(۱). فلذا امر به معروف و نهی از منکر یکی از سازوکار های مهم در عصر انتظار، در جهت کاهش ناهنجاری های اجتماعی است انجام این فریضه باعث استحکام و تعادل نظام اجتماعی می گردد وتعطیل آن، به انحراف و

ناهنجاری‌های اجتماعی دامن می زند و موجب اضمحلال و نابودی جوامع مسلمین می گردد.

۵-۴-۲. ویژگیهای سیاسی گفتمان ایجابی انتظار

۱-۵-۴-۲. تحول مفهوم تقیه

دوران تقیه وسکوت مصلحت گرایانه کم و بیش در جوامع اسلامی ادامه داشت و تقیه همچنان در مفهوم سنتی اش به ابزاری برای توجیه پذیرش موجودیت حکومت های وقت، تمکین و همکاری با آنان تبدیل گردید. تا آن که در قرن چهاردهم که می رفت تقیه، آلوده به عافیت طلبی شود و نیز دین و ارکان آن در معرض نابودی قرار گرفته بود و در شرایطی که شعائر دینی در حال محو شدن از عرصه عینیّات جامعه بود امام خمینی (ره) با موضع ایجابی خود نسبت به کلید واژگان معرفتی تشیع، به بازخوانی از واژه تقیه پرداخت و گفتمان تقیه را برای همیشه برای اجتماع شیعیان حرام نمود در سال ۱۳۴۱ در پی حمله دولت به مدرسه فیضیه قم و شهادت و ضرب و جرح تعدادی از طلاب، امام خمینی (ره) اعلامیه ای با نام «شاه دوستی یعنی غارتگری» منتشر کرد و در آن بر تحریم تقیه فتوا داد. امام خمینی می فرمایند: گاهی وقت ها تقیه حرام است آن وقتی که انسان دید که دین خدا در خطر است نمی تواند تقیه کند آن وقت هرچه پیش آید، باید برود، تقیه در فروع است نه در اصول، چون تقیه برای حفظ دین است جایی که دین در خطر است، جای تقیه نیست، جای سکوت نیست(۲). لذا ایشان با طرح نظریه ولایت مطلقه فقیه، راه گذار فقه امامی را از فقه مقاومت به فقه اقتدار تسهیل نمود.

۱- محمدرضاحکیمی، خورشید مغرب، چاپ هشتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۷۳، ص ۲۷۲.

۲- امام خمینی، صحیفه نور، مجموعه آثار حضرت امام، ج ۸،مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سال ۱۳۷۰، ص ۱۱ و ج ۲۰، ص ۳۳۸.

او وظیفه مؤمنـان را، دست یـابی به حکومت اسـلامی که بتوانـد زمینه قیام قائم را به بهترین صورت فراهم آورد اعلام نمود در نـتیجه این دگرگـونی مفهـومی، تقیه از بـار منفی خـود تهی شـد و به منزله یـک ابزار مبـارزاتی و مبـارزه‌ی پنهـانی علیه ظلم و استبداد نمود پیـدا کرد و بـا تأسیس حکومت اسـلامی، تقیه در سـاحت حکومت رنـگ بـاخت امـا استراتژی تقیه تعطیل نمی گردد.

۶-۴-۲. طاغوت ستیزی

شایـد بـارزترین شـاخص انسـان منتظر، تولی و تبری عملی است طبق روایات معاویه بن وهب از امام صادق (ع) و آن بزرگوار نیز از رسول گرامی اسـلام (ص) این حـدیث را نقل فرمودنـد که پیغمبر فرمود: «طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتـد به قبل قیامه یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الأئمه الهادیه من قبله اولئک رفقائی و ذو ودی و مودتی و اکرم امتی علی» خوشا بـه حـال کسـی کـه قـائم اهـل بیتـم را درک می کنـد در حـالی که پیش از ظهـورش پیرو او بـوده، ودوسـتانش را دوست و از دشـمنانش بیداری می جسـته و امامان پیش از او را سرپرسـتان خود می شـناخته است، آنان رفقاء، دوسـتداران و بزرگوارترین امتم برای من است(۱).

در گفتار نورانی از وجود مقـدس حضـرت ولی عصـر (عـج) که فرمودند: «لا بیعه لاحد من الطواغیت فی عنقی» که بیعت هیچ طاغوتی بر گردن من (امام زمان) نیسـت(۲). منتظران ظهور حضـرت هم با تأسـی به امام خود، باید تسلیم هیچ ظلم و طاغوتی نشونـد و همیشه در مبارزه مسـتمر تاریخی علیه ظلم و سـتم و بی‌عـدالتی‌ها به سر می برنـد پس اعتقاد و انتظار به معنی توسـعه عدالت ، این تأثیر را در جامعه دارد که روحیه ظلم ستیزی را در افراد تقویت می کند.

۷-۴-۲. نظریه ولایت حداکثری فقیه

بر مبنای نظریه ولایت که قائل است، همان طور که در زمان رسول اکرم (ص) هر دو اقتدار سیاسـی و دینی در وجود حضـرت جمع شده بود، امامان شیعه نیز، پس از پیامبر، واژگان

۱- محمد باقرمجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، ص ۱۲۹.

۲- کمال الدین شیخ صدوق، تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج۲، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴، باب۴۵ص ۲۳۹

حقیقی این دو اقتدار هستند(۱). در زمان غیبت آخرین امام معصوم هم این دو اقتدار دینی و سیاسی مختص به فقهای عادل می باشد.

امام خمینی (ره) از نوادر علمایی بود که علاوه بر بسط نظری و تحلیل مباحث فقهی، در حیطه عمل نیز موفق به اجرای آن مباحث شده، کتاب ولایت فقیه ایشان علاوه بر انتفاعات علمی و استخراجات فقهی، منشور نهضت انقلاب ایران شد ولایت مطلقه فقیه، تئوری بود که ضمانت زعامت و رهبری حکومت اسلامی را در عصر غیبت برای فقیه جامع الشرایط، تجویز و قانونمند می کرد. مرحوم امام در همین کتاب می فرمایند:

«اکنون که دوران عصر غیبت امام (ع) پیش آمده و بنا است احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می آید. عقل هم به ما حکم می کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آورند بتوانیم جلوگیری کنیم ... اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنیم؟ دیگر اسلام را نمی خواهیم(۲)؟ ...

۸-۴-۲. انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی

اما نظریه ایجابی شیعه برخلاف دیدگاه سلبی آن بر این عقیده است که دوران غیبت به معنای محرومیت سیاسی نیست و هر جا امکان داشت و شرایط مهیا بود باید دولت تشکیل داد، در راستای تحقق نظریه ایجابی حکومت، اشخاصی همچون کاشف الغطاء و ملا احمد نراقی ولایت سیاسی فقیه را مطرح کردند و اظهار داشتند که پادشاه برای اینکه به سلطنت برسد باید از جانب فقیه اذن داشته باشد(۳). به این ترتیب نقش روحانیت و حوزه ی عمل فقها گسترده و گسترده شد. فقهای شیعه گام به گام با استنباط های تازه خود از اختیارات و مسئولیت های فقیه

۱- علی رضاشجاعی زند، ، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، انتشارات تبیان، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸.

۲- روح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۳.

۳- غلام رضابصیرنیا، تئوریهای انقلاب و انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، دفتر نشرمعارف، پاییز ۱۳۸۱، ص۹۱.

جامع الشرایط در عصر غیبت، به مفهوم انتظار و ابعاد آن جان تازه ای بخشیدند اما اوج این استنباط ها را امام خمینی (ره) صورت داد ایشان که مهم ترین مسئولیت امام معصوم را حفظ واجرای احکام اسلامی و انجام این مهم را منوط به تشکیل حکومت اسلامی می دانست، با اعلام مبارزه آشکار خود با نظام سلطنتی و ارائه ی دیدگاه ولایت فقیه به عنوان رأس نظام اسلامی، بزرگ ترین تحول در مفهوم انتظار را به وجود آورد. در نتیجه دیدگاه ایشان همان گونه که فقیه جامع الشرایط واجد اختیاراتی چون استنباط احکام، قضا و غیر از این ها در عصر غیبت است مسئولیت برپایی حکومت اسلامی را نیز به عهده دارد ایشان برای تبیین این دیدگاه به برگزاری جلسات درسی در تبیین این موضوع پرداخت و از حکومت اسلامی در عصر غیبت به عنوان جهاد اکبر یادکرد(۱). و آن را از امور بدیهی عقلی شمرد(۲). و روایت های به ظاهر مخالف با این حکم عقلی را مربوط به مواردی دانست که تشکیل دهندگان حکومت، قصد اجرای قوانین اسلام را نداشته باشند.

۵-۲- جمع بندی

در ابتدای این فصل و در گفتار اول به زوایا و ابعاد آموزه مهدویت پرداختیم و بعد عقیدتی، کلامی، سیاسی و اجتماعی این آموزه را به تصویر کشیدیم.

پس از دوران غیبت، حالت انتظار در بین شیعیان بیش از پیش محسوس شد و بدین ترتیب شیعیان همیشه منتظر و چشم به راه ظهور امام زمان (ع) هستند. همواره در طول تاریخ تشیع برداشت هایی از آموزه انتظار فرج وجود داشته است که قدر جامع آنها به دو برداشت عمده برمی گردد که فضای سیاسی، اجتماعی که در طول تاریخ غیبت بر جامعه مسلمین حاکم بوده است متأثر از این دو تعریف از انتظار فرج می باشد این دو قرائت را اصطلاحاً به انتظار مثبت (ایجابی) یا انتظار منفی (سلبی) تقسیم می کنند.

ص:۵۷

۱- احمدکسروی، تاریخ مشروطیت ایران، انتشارات امیر کبیر، ص ۶۰، حائری، تشیع و مشروطیت، چاپ انتشارات امیر کبیر، ص ۴۰ به بعد.

۲- روح الله موسوی خمینی، جهاد اکبر، بی تا، بی نا، ص ۹.

انتظار سلبی موضع تدافعی و منفعلانه شیعه در مقابل حرکت های استکباری بوده است و حرکت تهاجمی و فعّالانه شیعه که همواره آن را در یک مبارزه تاریخی در برابر طاغوت نگه داشته را انتظار ایجابی رقم زده است.

این دو قرائت از انتظار و مهدویت همواره در همه حوزه های اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سرنوشت جامعه اسلامی تأثیر گذار بوده است.

در گفتار دوم بعد از تعریف انتظار سلبی ویژگیهای کلامی، اجتماعی و سیاسی آن را بررسی کرده ایم.و در گفتار سوم بعد از تعریف وتبیین گفتمان ایجابی انتظار به بازکاوی ویژگیهای آن در حوزه های مختلف پرداخته ایم.

ص:۵۸

فصل سوم: هویت انقلاب اسلامی (باورها، رفتارها، نمادها)

اشاره

ص:۵۹

۱-۳- مقدمه

در این فصل سعی خود را بر آن می‌داریم که پس از تعریف هویت، در سه گفتار به تبیین انقلاب اسلامی در سه بعد باورها، رفتارها و نمادها بپردازیم.

در گفتار اول این فصل در بُعد باورهای انقلاب اسلامی، مؤلفه‌هایی همچون امامت، ولایت، اجتهاد، ولایت فقیه، عدالت، مبارزه با ظلم، شهادت، جهاد، انتظار فرج، رابطه امام و امامت، ارتباط دین و سیاست، رابطه علما و مردم در عصر غیبت را بازشکافی خواهیم کرد هدف از بررسی و تبیین این شاخص‌ها، نشان دادن زمینه‌ها و بسترهای ایدئولوژیک شیعه در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی است.

و در گفتار دوم به بررسی رفتارهای هویت‌ساز (اعم از رفتارهای سیاسی، رفتارهای اجتماعی،رفتارهای اقتصادی، رفتارهای فرهنگی) انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت و مؤلفه‌های آن را بررسی خواهیم کرد.

و در گفتار پایانی این فصل نمادهای تأثیرگزار در شکل‌گیری انقلاب اسلامی (اعم از نمادهای مادی و معنوی) را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و در پایان نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

ص:۶۰

۲-۳- چیستی هویت و هویت دینی انقلاب اسلامی

هویت واژه‌ای مبهم و مجادله‌انگیز است که بنا به چارچوب‌های روش شناختی متفاوت و درحوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی، هر یک از صاحب نظران از منظری متفاوت به آن نگریسته‌اند.

در کتاب‌های لغت، برای ارایه‌ی معنا و مفهوم هویت که معادل واژه لاتین «Identity» می‌باشد معناهای زیادی ذکر می کنند. از بررسی و تحلیل مجموعه دیدگاههای موجود در این باره می‌توان چنین نتیجه گرفت که هویت، آن بخش از عناصر اصلی شخصیت انسان است که بدنبال عینیّت پیدا کردن آن، فرد قادر می‌شود موضع خود را در برخورد با جهان، دیگران و خویشتن به صورت شایسته مشخص نماید.

صاحب نظران، هویت را مفهومی پیچیده و تودرتو می‌دانند، که در لایه‌بندی مفهومی، آن را به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می کنند هویت از عناصری با ویژگیهای خاص ساخته می‌شود. برخی از عناصر، ویژگی مانایی و پایایی دارند و قسمتی دیگر، متغیر و پویا هستند.

هویت، شناسنامه هر ملت است که می‌تواند ریشه در ارزشها نیز داشته باشد. مثلاً هویت انقلاب ما، می تواند ایرانی- شیعی و هویت شیعی می‌تواند بر ولایت یعنی امامت و عدالت متّکی باشد. «هویت یعنی شناخت خود با توجه به بنیادهای خاص و شناساندن خود براساس آن بنیادها به دیگران»(۱)

هویت مکانیزمی است که در جامعه نوعی انسجام و همبستگی ایجاد می کند؛مکانیزمی که شامل ارزش‌ها، باورها، رفتارها، نمادها، طرز تلقی‌ها و نحوه شناخت فرد از جهان است این مکانیزم زمانی عمل می کند که عوامل هویت ساز، در تقابل با هم نباشند و بدون تعارضی بنیادین بتوانند گفتمان مسلطی را به وجود آورند.

ص:۶۱

۱- حمیداحمدی، هویت ملی ایرانی درگستره تاریخ، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، ۱۳۸۲.

هویت همـان معنـاداری در دو سـطح فردی و اجتمـاعی است که کنش گران اجتمـاعی را قـادر می‌سـازد به پرسـش‌های بنیادی معطوف به کیستی خود پاسـخی منـاسب و قانع کننـده بدهنـد «اشـخاص با درک نوعی خودآگاهی درباره‌ی هویت خویشـتن، قـابلیت و توانـایی قوام بخشـیدن به شخصـیت فردی و اجتمـاعی خویش را می‌یابنـد و بـا طرح نوعی الگوی معنـابخش فکری- رفتاری به ترسیم گفتمان‌های خاص هویتی می‌پردازند.»(۱)

بـدون برخورداری از چـارچوب‌هـای مشـخص هویتی، افراد یـک جامعه امکان برقراری ارتباط معنادار و مسـتمر را با یکـدیگر نخواهنـد داشـت. هـویت یکی از اجزای اصـلی واقعیـت ذهنی است وماننـد هرگـونه واقعیت ذهنی، در رابطه‌ای دیـالکتیکی با جـامعه قرار دارد. هویت فردی جـدا از سـپهر اجتمـاعی دیگران معنادار نیست. افراد یگانه و متفاوت هسـتند، اما هویت آنها در اجتمـاع سـاخته می‌شـود؛ یعنی افراد در چـارچوب فرآینـدهای اجتمـاعی شـدن اولیه و ثـانویه که خـود و دیگران را تعریـف و بازتعریف می کنند، شکل می گیرند.(۲)

بنابراین هویت سطوح مختلفی دارد که از سطح فردی شروع می‌شود و به سطح گروهی (جمعی)، ملی و فراملی نیز می‌رسد لذا هویت امری سیّال است که همواره مؤلفه‌های اصلی آن دچار تغییر و تحول می‌شوند. مروری بر تاریخ یکی دو قرن گذشته در باب هویت، در جامعه ایران نشان می‌دهـد که مؤلفه‌های هویت در کشورمان از سه حوزه ایران،اسـلام و غرب متأثرنـد.به دنبال حیـات مشترک و طولانـی دو حوزه اول، مؤلفه‌هـای ملی و مـذهبی تـا دوران قاجـاریه به میزان زیـادی با یکـدیگر سازگاری و همزیستی مسالمت آمیز داشته‌اند. اما به دنبال آشنایی و تحمیل عناصر مدرن غربی به فرهنگ و هویت ایرانی- اسلامی از اوایل سده نوزدهم میلادی، شاهد بروز نوعی بحران در هویت ایرانیان بودیم. در واقع با گذشت کمتر از دو قرن از

۱- M ,carrithers and others,The category of the person,Cambridge university Press۱۹۸۵, pp

۲- علی اشرف نظری، بهاره سازمند، گفتمان هویت و انقلاب اسـلامی ایران، مرکز اسـناد انقلاب اسـلامی، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۹.

نفوذ ارزشهای بنیادین فرهنگ غرب به جامعه ایران قبل از انقلاب اسلامی، شاهد عدم سازگاری هویت دینی- ملی با هنجارهای مدرنیته خصوصاً در عصر پهلوی بودیم.

اما وقوع انقلاب دینی (religious revolution) در آخرین دهه‌های قرن بیستم، آن‌هم در قلمرو حکومتی که توسط معتبرترین دستگاههای امنیتی و تحلیل گران مسائل اجتماعی- سیاسی «جزیره ثبات» (island of stability) منطقه نامیده شده بود چالشهای اساسی فرا روی صاحب نظران و تحلیل‌گران سیاسی- اجتماعی قرار داد و اکنون که بیش از سه دهه از عمر این رخداد عظیم می‌گذرد، با انبوهی از تحلیل‌ها و تبیین‌هایی مواجهیم که هریک کوشیده اند علل و عوامل این تکانه مهیب را تشریح کنند. در مورد انقلاب اسلامی ایران مطالعات گوناگون و گسترده‌ای صورت گرفته که تبیین ماهیت دینی این انقلاب، بخشی عمده از این مطالعات می‌باشد. این رویداد بزرگ و بی‌نظیر، ضمن طرح اسلام به عنوان یک نیروی جدید در جهان مدرن، بر نظریه «پایان یافتگی دوره دین» خط بطلان کشید و ثابت کرد که نه تنها دوره دین و باورهای دینی به پایان نرسیده، بلکه می‌تواند نیروی تحول‌زای جوامع نیز باشد. از این رو فهم و تحلیل زیرساخت‌های فکری این انقلاب که در نهاد فکری و تاریخی شیعه به منزله منبع محرکه و تغذیه فرهنگی آن نهفته است، ضروری است.

تفاوت اصلی این انقلاب با انقلابهای بزرگ دنیا، تفاوت در رسالت فرهنگی و هویت دینی مستقل بود. در انقلاب دینی، انقلاب از هویت دینی بر می‌خیزد و انقلابها به ندایی که از درون می‌شنوند، پاسخ می‌دهند و با خون، درخت انقلاب را آبیاری می‌نمایند. هویت دینی در انقلاب اسلامی، انسانها را به ارزش‌های اخلاقی و قوانین الهی پای‌بند ساخت و انقلاب مردم را به ستم زدایی و عدالت خواهی سوق داد. در هویت دینی انقلاب اسلامی، انسانهای معتقد به وحی الهی، هر نوع سازش با ابر قدرت‌ها را برخلاف ارزشهای مسلم انقلاب دانسته و آن را رد کرده و سلطه‌پذیری استکبار را عار و ننگی ابدی برای خود تلقی می‌کنند. این انقلاب عظیم مردمی و الهی که برای پیش‌برد اهداف و رسالت‌های خود، بر ایمان و اعتقاد راسخ و قلبی توده‌های مؤمن و متدین تکیه دارد، با ارایه الگویی عینی و عملی از یک نظام سیاسی و

اجتماعی مبتنی بر ارزشهای الهی و انسانی، از یک سو بسیاری از مدعیان دروغین اندیشه و فرهنگ را به چالش فرا خواند و از سوی دیگر، چون بـارقه‌ای امیـد بخش در ظلمتکـده تفکرات امـانیستی رژیم سابق در حیات سیاسـی ایران معاصـر ظهور نمود. هویت دینی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً مهم‌ترین بُعـد هویت است که نقش بسـیار تعیین کننـده‌ای در هویت‌یابی افراد یک جامعه بازی می کنـد، می‌توان ادعا داشت تقویت این بعد از هویت، موجب دوام و قوام سایر ابعاد آن شود و از سوی دیگر چالش در این حوزه می‌توانـد زمینه‌ساز بحران در سایر ابعاد هویت شود. این ادعا در جوامعی که دین رکن اساسـی اداره آن را مشخص می کند کاملاً صادق است.

برخورداری از دین و تعالیم مـذهبی مشترک، پایبنـدی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مـذهبی فراگیر در فرآینـد شـکل‌دهی هـویت ملی، بسـیار مؤثر است. مـذهب از گذشـته تـاکنون عامـل بوجود آورنـده هویت مشخصـی برای معتقـدان خود و تمـایز بین آنهـا بوده که اعتقادی به آن نداشـته‌انـد. یعنی هویت انسانها با مـذهب و دین آنها شـناخته می‌شـد. یهودی، مسیحی و مسلمان بودن، هویت فرهنگی انسانهای مختلف را به نمایش می گذاشت. در انقلاب ایران نیز یکی از ارکان مهندسـی مـاهیت آن، عنصـر دین بود. اسـکاچ پـل در این خصوص معتقـد است: «اسـلام شـیعه، هم به لحاظ سازمانی و هم به لحـاظ فرهنگی در ایجاد انقلاب ایران نقش تعیین کننـده داشـت......شـبکه‌ها و صورت بنـدی اجتماعی و اسـطوره‌های محوری اسـلام شیعه به هماهنـگ سـاختن مقـاومت توده‌هـای شـهری کمـک کرد و اراده اخلاقی لازم را برای مقاومت آنها در برابر سکوت ارتش فراهم کرد.(۱)

ص:۶۴

۱- تدااسکاچ پل، ، دولت رانتیر و اسلام در انقلاب ایران، ترجمه محمدتقی افروز، راهبرد، سال ششم، شماره ۱۹، ص ۱۳۲.

۳-۳- گفتار اول

۱-۳-۳. باورهای انقلابیون در انقلاب اسلامی ایران

اشاره

ایـدئولوژی که موج عظیم مردمی را در بهمن ۵۷ به حرکت واداشت ناشـی از باورها و بر گرفته از گزاره‌های اسلام شیعی بود. براساس واقعیت موجود، اسـلام شـیعی توانست در فرایند شـکل گیری انقلاب اسـلامی به نحو مطلوبی عمل کند. توفیق تشیع به مثـابه ایـدئولوژی غـالب انقلاب، بـه گـونه ای عمـل کرد کـه افـول دیگر ایـدئولوژیها و جریـان فکری همچـون سوسـیالیسم و ناسـیونالیسم لیبرال که به عنوان رقبای اصـلی اسـلام شیعی در ایران به حساب می‌آمدند را رقم زد نظام اعتقادی و ارزشی شیعه که عبارت است از اصول و فروع دین اسـلام براساس مـذهب تشـیع بعنوان مولّد اصـلی فکر انقلابی است در این گفتار عناصـر مهم این منظومه اعتقادی که در رفتار سیاسی شیعیان تأثیر مستقیم داشته‌اند را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱-۳-۳. امامت

شیعیان معتقدنـد، به همان دلیل که ارسال پیامبران ضـرورت دارد، وجود امامان معصوم (علیهماالسـلام) نیز با توجه به خاتمیت پیامبر اسـلام (ص) ضروری و لازم است. در بحث امامت، شیعه اعتقاد دارد که آخرین امام معصوم یعنی حضرت حجّت (عج) زنده بوده و در غیبت به سـر می‌برد و روزی از پس پرده غیبت ظهور خواهد کرد و شـیعیان موظفند زمینه ظهور آن امام (ع) را فراهم نماینـد. در دوران غیبت، فقهـاء به عنوان نوّاب عام امام زمان (عـج) مرجع امور مـذهبی و دینی مردم هسـتند که از طریق اجتهـاد، احکـام شـرعی، امور مربوط را براسـاس مـذهب تشیّع اسـتخراج نموده و مردم نیز از آنان تقلیـد می‌نماینـد. در مسـئله حکومت نیز یکی از این فقهـا، به عنوان ولی فقیه، مسائل مربوط به حکومت و اداره جامعه را بر عهـده دارد. از جمله مفاهیمی که از اصل امامت به دست می‌آید و در رفتار سیاسی شیعیان مؤثر است، مفهوم غیبت، انتظار، اجتهاد و ولایت فقیه است.

امامت تنها مقام مشترک بین انبیاء و ائمه هـدی و فقهاء جامع الشـرایط می‌باشد. برخی از پیامبران عظیم‌الشأن الهی دو رسالت و وظیفه داشـتند یکی وظیفه «نبوت» و دیگری وظیفه «امـامت» نبوت یعنی ابلاـغ پیـام الهی به انسان‌ها. اما امامت یعنی تقبلّ اجراء پیـام الهی در متن جـامعه و برقراری یک نظام براساس آن پیام. براساس این اصل هر پیغمبری «نبی»بود، اما فقط بعضـی از آنها «امام» بودند.(۱)

از نظر دکتر شـریعتی، ائمه شیعه به خاطر شخصیت انسانی خودشان حتی رهبری جامعه را دارند و جامعه به رهبری آنها نیازمند است. بنابراین، اعتقاد به امامت در مفهوم تشـیع، تسلیم انسان معتقد و موحد را در برابر هرگونه نظام ضد آن نظام نفی می‌کند، و اعتقاد به این است که در زمان غیبت امام معصومحکومت‌هایی که شـیعه می‌تواند بپذیرد، حکومت‌هایی هسـتند که به نیابت از امام شیعی، براساس همان ضوابط و همان راه و همان هدف بر مردم حکومت می‌کنند.(۲)

امام در آیین تشـیع شأن سیاسی دارد. شیعه امامیه به وجود امام در هر زمان اعتقاد دارد. سر سلسله حلقه امامت را شخص علی... بن ابیطـالب (ع) و منتهی‌الیه این رشـته را امام مهـدی (عـج) می‌داننـد. علاوه بر نص صـریح و احادیث و تفسـیری که از برخی آیات قرآن می‌شود. شیعه اعتقاد دارد که نصب امام به لحاظ «عقلی» نیز قابل استدلال است. نیاز به کسی که حقایق موجود در دین را که عامه مردم قادر به فهم و درک آن نباشـند را درک و ابلاغ کنـد و همچنین لزوم هدایت مردم به فضایل هرچه بیشتر و مواردی مانند آن، مسائلی است که ریشه عقلانی دارند.

بـا پـذیرش قاعـده امـامت، آموزه نص به این مفهوم که هر امامی از سوی امام پیش از خود تعیین و معرفی می‌شود و اینکه این امام از سـلاله فاطمه و از نسل حسـین (ع) است، تـداوم نص را در تعیین امامان بعـدی تضـمین می‌کنـد. امام منصوص، بایـد از ویژگی عصمت برخوردار باشد

۱- ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، نشر حر،قم، ۱۳۶۱، ص ۲۴۸.

۲- علی شریعتی، تشیع علوی و تشیع صفوی، تهران حسینیه ارشاد، ۱۳۵۲، ص ۲۶۰

چرا که چنین خصلتی دربردارنـده عدالت به معنی واقعی در بالاترین امکان است. وظایف و مسئولیت‌های سیاسی امام بسیار گسترده است. اهم وظایف کلامی- سیاسی امام عبارتند از:

ریاست عالیه و نیروی نظامی، تفسیر شریعت و بیان احکام مستحدثات، اجرای احکام و حدود نظارت بر ثروت‌های عمومی، برقراری قسط و عدل، پاسداری از مرزهای اسلامی، در صورت لزوم جهاد کردن(۱) و مهم‌ترین وظیفه «رهبری مشروع جامعه اسلامی» که این وظیفه مهم یعنی حق تشکیل حکومت است و رهبری آن، از آن امام معصوم (علیهم‌السلام) است و در هر زمانی، امامی معصوم حضور دارد و در دوران غیبت، نائب (خاص- عام) امام زمان (عج) که فقیه جامع‌الشرایط است حق حکومت و رهبری دارد. این مسأله در ایران همواره مورد استناد علما و روحانیان قرار می‌گرفت و مردم مسلمان ایران را متوجه این مطلب می‌کردند که حکومت فعلی اسلامی نیست و حاکم جامعه اسلامی باید فقیه جامع‌الشرایط باشد.

۲-۱-۳-۳. ولایت

«ولایت» در زبان عربی از ماده «وَلی» گرفته شده است که برای آن سه معنای ۱.دوست ۲.دوستدار ۳.یاور و برای لفظ «ولایت» علاوه بر آنها دو معنای: ۱.سلطنت و چیرگی ۲.رهبری و حکومت را ذکرکرده‌اند.

در زبان فارسی برای لفظ «ولی» معانی زیادی مثل دوست، یار، صاحب، حافظ، آن که از جانب کسی در کاری تولیت دارد و برای «ولایت» معنای حکومت کردن، زمامداری بیان شده است.

هنگامی که لفظ «ولایت» در مورد فقیه به کار می‌رود، عده‌ای آن را به معنای ولایت بر میت، سفیه، مجنون، صغیر و.....محدود می‌کنند ولی مراد از آن همان حکومت و زمامداری امور جامعه است.(۲)

۱- حاتم قادری، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: قم: ۱۳۷۸، ص ۴۷-۴۶.

۲- مهدی هادوی تهرانی، ولایت فقیه(مبانی، ادله و اختیارات)، کانون اندیشه جوان،تهران ، ۱۳۷۷، ص ۶۹-۶۷.

بنابراین ولایت یعنی حق رهبری و حکومت و حق تصـرف در مال شخص به نفع دین اکثریت جامعه و یا فقراء و ضعفاء. و حق تعیین و نصب مقامات نظامی و کشوری و حق سرپرستی و نصب امین بر اموال ایتام، مجهول المالك و موقوفات و به طور کلی حق اداره اجتماع براساس ضوابطی که خداوند ارسال فرموده حق ولایت و امامت بعد از پیغمبران و به ویژه آخرین پیغمبر و خاتم الانبیاء به اوصیاء بلافصل آنها می‌رسد. اوصیاء پیغمبر خاتم یعنی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مانند شخص پیغمبر، امامت و ولایت بر مردم داشتند. اما نبوت نداشتند یعنی به آنها وحی نازل نمی‌شد اما ولایت داشتند. خداوند در قرآن می... فرماید: «یا ایّها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم»(۱) یعنی ای مؤمنان از خدا و پیغمبر او و نیز از «اولی الامر» هائی که از خودتان دارید اطاعت کنید.

طبق احادیث معتبر و صحیح منظور از اولی الامر، ائمه معصومین (علیهماالسلام) هستند و نیز هر مقامی که از آنها نیابت داشته باشند. بعد از غیبت امام دوازدهم (ع) نوّاب خاص و عام آن حضرت یعنی فقهاء جامع‌الشرایط و مجتهدین، این مقام را به وراثت می‌بردند.یعنی در زمان غیبت «ولایت فقیهان» شروع می‌شود.(۲)

۳-۱-۳-۳. اجتهاد

واژه اجتهاد از ماده جُهد (به ضم میم) اخذ شده و جهد عبارت است از به کارگیری تلاش و سعی در انجام کار(۳) و در زبان و اصطلاح فقهاء به معنی آشنایی به روش و شیوه استنباط احکام و مسائل شرعی به طور استدلالی است.(۴)

۱- قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۸.

۲- ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، نشر حر،قم، ۱۳۶۱، ص ۲۴۸.

۳- محمد ابراهیم جناتی، ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، سازمان انتشارات کیهان،تهران، ۱۳۷۲، ص ۲.

۴- ابوالفضل شکوری، پیشین، ص ۲۵۰.

تکلیف هیچ وقت از انسان ساقط نمی‌شود چه زمان پیامبر باشد و چه زمان وصی پیامبر و چه زمان غیبت وصی و عصر فقاهت. انسان همیشه مکلف است و باید تکلیف خود را پیدا کند و به دست آورد. و در زمان غیبت امام معصوم مسلمان‌ها برای آشنایی با تکلیف و وظایف شرعی خود باید یکی از سه راه را طی نمایند:

۱. اجتهاد کند و شخصاً وظایف خود را از منابع اسلام به دست آورند و استنباط نماید و این نیاز به تحصیل دارد.

۲. در صورت عدم امکان اجتهاد، تقلید کند.

۳. عمل به احتیاط کند.

بنابراین کسی که قادر به استنباط احکام شرعی می‌باشد «مجتهد و فقیه» نامیده می‌شود. وظیفه مجتهد، تطبیق قوانین کلی بر موارد جزئی و استنباط حکم شرعی فرعی برای موضوعات جدید براساس مبانی و اصول استنباط است.

برداشت و تفسیر علما و روحانیون شیعه از مفاهیم و آموزه‌های شیعه بسیار متفاوت از تفسیر سنتی و کهن آن است. در این تحول و تغییر تدریجی، اجتهاد نقش اساسی داشته است و مانع سکون و رکود در مذهب تشیع شده است. مسأله اجتهاد در مذهب تشیع، از ارزش و مقام والایی برخوردار است و در تحولات ایران به ویژه انقلاب اسلامی این تغییر و تحول در برداشت و فهم از باورها، رفتارها و نمادهای مذهبی که هدف آن ایجاد نوعی تحرک سیاسی و ظلم ستیزی می‌باشد نقش بسیار مهمی در پیروزی و موفقیت این تحولات داشته است.

۴-۱-۳-۳. نفی سلطه

قاعده نفی سبیل از قواعد فقهیه مهم اسلامی و مستند به آیه ۱۴۱ سوره نساء «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» می‌باشد. خداوند در آیه شریفه می‌فرماید که در عالم تشریع، هیچ گونه حکمی که موجب برتری و حکومت و سلطه کافر بر مؤمنین و مسلمین باشد وجود ندارد و تشریع و جعل نشده است.این حکم چه در باب عبادات و چه در باب معاملات و چه در

سیاست، جعل شده است بنابراین به مقتضای این قاعده هر عقد و پیمان و هر ایقاع و قراردادی اگر موجب علو و عزت و شرف کافر بر مسلم شود باطل است.

همچنین سخن پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» دلالت بر این دارد که مجموعه قوانین و احکام، اعم از حقوق جزائی و مدنی و مانند آن موجب علو و برتری مسلمان بر کافر است در تمامی امور آیین آنها واقع می‌شود از عقود، ایقاعات، ولایات، معاهدات، پیمان‌ها، ازدواج‌ها و مانند آن در تمام این مسائل اعم از روابط فردی و اجتماعی، کفار نمی... توانند بر مسلمانان علو و سلطه داشته باشند. و هرجا نتیجه پیمان، معاهده و قراردادو عقد و نتیجه ایقاع، سلطه کافر بر مسلم باشد این امور باطل و منفی هستند و اعتبار حقوقی ندارند. به فرض اگر پیمانی بین یک کشور اسلامی و یک کشور غیراسلامی واقع شود، اگر نتیجه آن پیمان سلطه کافر بر مسلمانان باشد، این پیمان هیچ ارزش قانونی و شرعی ندارد.(۱)

عنصر نفی سلطه و استکبار ستیزی از عناصر مهم و نقش‌آفرین در فرهنگ سیاسی شیعیان است که در زمان‌های مختلف، عامل بیگانه ستیزی و مقابله با استکبار توسط شیعیان بوده است. این شاخصه در واقع ضامن استقلال سیاسی و اقتصادی مسلمانان در برابر سایر کشورها می‌باشد و به ویژه در سده‌های اخیر نقش مهمی در سرنوشت کشورهای اسلامی داشته است.

۵-۱-۳-۳. تقیه

تقیه از جمله معتقدات کلامی و فقهی شیعه و به معنای نگهداری از خویشتن است. به عبارت دیگر تقیه عبارت است از پوشیده نگاه داشتن اعتقاد و دیدگاه خود از مخالفان که در آن اضطراری وجود داشته باشد و با هدف حفظ جان و مال انجام پذیرد. این نوع مشی و عملکرد بالطبع با اصول اوّلی که در دین اسلام وجود دارد و آن نشر و تبلیغ معارف دینی و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد برای عقیده است، نه تنها مغایرت دارد بلکه در مقابل آن

۱- سید محمد موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، تهران: نشر میعاد، ۱۳۷۲، ص ۲۳۶- ۲۲۵.

است. هرچند تقیه به عنوان یک اصل انحصاری شیعی، با تفکر و عمل شیعه قرین شده است، نه تنها در تاریخ اسلام منحصر در شیعه نیست بلکه باید آن را در رفتار طبیعی و معتدل و احتیاط آمیز انسان‌ها تلقی کرد که در عرف بیشتر اقوام و ملل سابقه دارد و متضمن واکنش فرد یا قوم مقهور یا در اقلیت است که توانایی مقابله و مبارزه مستقیم را ندارند یا مبارزه مستقیم به مصلحت آنان نیست. موقعیت شیعه در تاریخ به دلیل وجود نظام‌هایی که همواره علیه آنان اقدام می‌کرده‌اند، باعث شده است که خردمندانه برای پیشگیری از زوال حتمی و استمرار تاریخی اندیشه‌های خود از بیان آزادانه دیدگاه‌هایشان پرهیز کنند.(۱) هرچند این دیدگاه مانع قیام و شورش علیه حکومت‌های ظالم در مواقع مناسب نشده است. این رفتار محتاطانه برای همه گروه‌ها معقول و منطقی تلقی می‌شود؛ ولی در این میان به دلیل اقلیت بودن شیعیان، این ساز و کار حفاظتی مخصوص شیعیان شد، به ویژه اینکه در فقه شیعه نیز بحث مستقلی به آن اختصاص یافته است. هر چند این نکته نافی این معنا نیست که در ادبیات فقهی اهل سنت نیز تقیّه وجود داشته و دارد.(۲)

واجب بودن تقیه از روشن‌ترین احکام عقلی است. خداوند در قرآن شریف می‌فرماید:

« من کَفَرَ بالله من ایمانه الّا من اُکره و قلبه مطمئنّ بالایمان»(۳): یعنی غضب خدا بر کسی است که کافر به خدا شد پس از ایمان آوردن، مگر کسانی که از روی اکراه اظهار کفر کردند و قلب آنها به ایمان به خدا مطمئن باشد.

آیه درباره عمار یاسر نازل شد کفار او را اجبار کردند که کافر شود او هم اظهار کفر کرد و هر چه آنها خواستند از ناسزاها گفت سپس گریان پیش پیامبر اکرم (ص) آمد این آیه نازل شد و اجازه تقیه داده شد.

۱- السید مرتضی الرضوی، آراء العلماء المسلمین فی التقیه و الصحابـهٔ و صیانـهٔ القرآن الکریم، الارشاد و النشر، بیروت، ۱۹۹۱ م، چاپ دوم.

۲- السید مرتضی الرضوی (۱۴۱۲ ق)، پیشین، ص ۴۸-۳۸.

۳- سوره نحل، آیه ۱۰۸.

در زمان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) هم چون جان و مال شیعیان به خاطر ظلم خلفاء و سلاطین وقت در معرض خطر قرار داشت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و شیعیان برای حفظ جان و ناموس و عرض خود تقیه می‌کردند.(۱)

۶-۱-۳-۳. امر به معروف و نهی از منکر

از نظر لغوی «معروف» یعنی هر امر نیکو و پسندیده و «امر به معروف» یعنی واداشتن مردم به اطاعت و بندگی و انجام عمل نیکو و پسندیده یا با قول و یا با عمل.

و «منکر» یعنی هر امر زشت و ناپسند و نهی از منکر یعنی منع از انجام معاصی قولاً- یا فعلاً- بنا بر نظر تمام مسلمین، امر به معروف و نهی از منکر واجب است و اسلام به خاطر نقش حساسی که امر به معروف و نهی از منکر، در حیات امت اسلامی و جلوگیری از انحرافات دارد، عنایت خاصی نسبت به این فریضه الهی داشته و به کمتر فریضه‌ای، این قدر، اهمیت داده است. امر به معروف و نهی از منکر، یکی از فروع دین اسلام و از ضروریات دین است که جایگاه مهمی در فرهنگ سیاسی شیعه دارد. با بررسی آیات و روایات وارده می‌توان به اهمیت و ضرورت این عنصر در فرهنگ سیاسی شیعه پی برد چنان که امام حسین (ع) هدف از قیام خود بر علیه حکومت وقت را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند این عنصر یکی از اساسی‌ترین عناصر فرهنگ سیاسی اسلام است که در چارچوب آن، مشارکت سیاسی در امر حکومت و نظارت همگانی بر هیأت حاکمه تحقق می‌یابد و سلامت جامعه در ابعاد مختلف تأمین می‌گردد و عمل به آن، ضامن بقاء و استمرار حکومت و نظام اسلامی صالح و عادل خواهد بود.

در این زمینه آیات و روایات متعددی وجود دارد:

۱- روح الله خمینی، کشف اسرار، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۲۹-۱۲۸.

در قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان علامت و نشانه مؤمن از بقیه مسلمانان بیان شده است: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر، و یقیمون الصلاهٔ و یؤتون الزکاهٔ و یُطیعون الله و رسوله، اولئک سیرحمهم الله، انّ الله عزیز الحکیم»(۱)؛ مردان و زنان مؤمن، بعضی دوست و ولی، بعضی دیگرند. اینان امر به نیکی کنند و از بدی‌ها باز دارند، و نماز به پای داشته و زکات را بپردازند، و خدا و پیامبرش را فرمان ببرند، آنان هستند که به زودی خدا، آنان را مورد لطف و رحمت خود قرار می‌دهد و خداوند عزیز و حکیم است.

در این آیه نکته جالبی نهفته است و آن مقدم داشتن امر به معروف و نهی از منکر، بر سایر صفات ذکر شده می‌باشد. از جمله اقامه نماز و پرداخت زکات و اطاعت خدا و پیامبرش و این به خاطر اهمیت این فریضه است و اگر چه این فریضه، خود قسمتی از اطاعت خدا است ولی به خاطر اظهار این وظیفه خاص مقدم بر عام، بیان شده است.

مسلماً آنچه از پیامبر اکرم و ائمه هدی (علیهم‌السلام) در تأکید و اهمیت و فوائد این فرضیه رسیده است را نمی‌توانیم در این مختصر بگنجانیم لذا به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «من رأی منکم منکراً، فلیغیره بیده، فان لم یستطع فبلسانه فان لم یستطع فبقلبه و ذلک اضعف الایمان»، هر یک از شما که عمل زشتی را دید اگر برایش امکان داشت باید با قدرت از آن جلوگیری کند و اگر این در توانش نبود با زبان و اگر با زبان هم نتوانست در دل، با انجام آن عمل مخالف باشد و این ضعیف‌ترین مرتبه ایمان است.(۲)

در مورد شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر فقها چهار شرط ذکر کرده‌اند: علم و معرفت، احتمال اثر و نتیجه، مترتب نشدن مفسده و اصرار مختلف بر ادامه آن و مراتب و درجات آن به طور کلی سه درجه قلب، زبان و دست برای آن ذکر شده که نشانه تنفر قلبی

۱- سوره توبه، آیه ۷۱.

۲- محمد صالح ظالمی، فقه سیاسی در اسلام، ترجمه رضا نقیب زاده، انتشارات پیام آزادی،تهران ، ۱۳۵۹، ص ۱۰۲-۹۴.

ابراز یک عمل یا عکس العمل منفی است مثل ترک معاشرت یا اظهار تأسف و ناراحتی با قیافه، در مرتبه زبان، ابتدا پند و نصیحت ملایم و بعد درشتی و خشونت، برای مرتبه عمل نیز درجاتی ذکر کرده‌اند و اغلب، جایی را که منجر به قتل یا جراحت شود، مشروط به اجازه حاکم شرع است.(۱)

۷-۱-۳-۳. عدالت

عدالت مهم‌ترین صفت هر انسان مؤمن و بارزترین ویژگی حکومت دینی و مردمی است. انسان در پرتو عدالت، به کمال اخلاقی و بلوغ معنوی دست می‌یابد و نظام اجتماعی بر پایه عدالت به والاترین اهداف رشد و توسعه نایل می‌شود.

خداوند در قرآن برپایی عدل و قسط را از وظایف مهم مسلمانان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«لقد ارسلنا بالبیّنات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم النّاس بالقسط»(۲)

امام علی (ع) درباره عدالت می‌فرماید:

«العدل یضع الأمور مواضعها»؛ عدل آن است که هر چیزی در جای خویش قرار گیرد. امام علی (ع) در

این تعریف از نظم و غایت‌مندی جهان هستی و نیز اسرار حکیمانه و خلقت مدبّرانه آن خبر می‌دهد. ایشان با طرح گسترده فراگیر برای مفهوم عدالت، نقش آن را در عرصه‌های مختلف زندگی انسانی و تغییر و تحولات طبیعی، اساسی می‌داند. در نظام اسلامی، «عدالت اجتماعی» اصلی بنیادین و سیاستی تخلف ناپذیر است که کارگزاران آن در هر سطح و رتبه‌ای برای تحقق این سیاست اصولی باید تلاش کنند. از نظر شیعه احراز عدالت برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی مانند حکومت، امامت جمعه و جماعت، قضاوت و ...... لازم است. شیعیان، امامان معصوم (علیهماالسلام) را بارزترین مصداق عدالت می‌دانند. پذیرش اصل عدل،

۱- مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱، ص ۶۹-۶۷.

۲- قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.

همواره زمینه‌ساز حرکت‌های عـدالت خواهانه در میان شـیعیان بوده است. لذا عدل از اصول اعتقادی شـیعه است، که هستی بر پایه آن خلق شـده، در چارچوب عـدل نظم یافته و در بستر عـدل به تکامل می‌رسد. بر این اساس، گستره عدل به حوزه مسائل کلامـی محـدود نمی‌شود. بلکه حیـات فردی و اجتمـاعی را نیز در بر می‌گیرد یعنی مناسـبات فردی و اجتمـاعی انسانها نیز باید مبتنی بر عدل باشد و عدالت، محور تنظیم همه رفتارهای شخص و برنامه‌های اجتماعی قرار گیرد.(۱)

۸-۱-۳-۳. مبارزه با ظلم (ظلم ستیزی)

از مسئولیت‌های اساسی انسان، مبارزه با ظلم و ظلم ستیزی است. خداوند در قرآن آیه ۲۷۶ سوره بقره بر این مسأله تأکید می‌کند و می‌فرماید: (تظلمون و لاتظلمون). این آیه گواه بر این مطلب است که انسان نباید در مقابل ظلم و سـتم سـر تسـلیم فرود آورد و با سـکوت خود میدان را برای ظلم باز بگذارد. از ویژگی‌ها و خصوصیات دین اسلام این است که همواره به پیروانش مبارزه با ظلم و حس ظلم زدایی را تعلیم می‌دهد تا داد مظلوم از ظالم گرفته و همه در صلح و آرامش و عدالت زندگی کنند.

۹-۱-۳-۳. شهادت و فرهنگ شهادت طلبی

از جمله مفـاهیمی که در چنـد دهه پیش از انقلاـب اسـلامی ایران مـورد بازشناسـی و بـاز تفسیر متفکران شـیعی قرار گرفت، موضوع شـهادت و فرهنگ شـهادت طلبی بود که بدون تردید، بخش اساسی هویت انقلابی – تاریخی شیعه را تشکیل می‌دهد و بازشناسی آن، نقش بنیادینی در تبیین منطق عدالت گرایانه و مبارزه‌جویی شیعه علیه ظلم ایفا کرده است.

مفهوم و ارزش شهادت ریشه در فرهنگ و منطق قرآنی دارد. شهادت در واقع درجه ومرتبه‌ای است که یک مجاهد خالص در راه خدا پس از ایثار و جانبازی در راه هدف متعالی‌اش به آن می‌رسد. خداوند در قرآن کریم تعابیر ارزشـمندی درباره ارزش و اعتبار فداکاری در

۱- اسماعیل پرور، گلبانگ عدالت، دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب،قم ، ۱۳۸۲، ص ۱۷-۹.

راه خدا و کشته شدن در این مسیر یادآوری کرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ولا تحسبنّ الذین قُتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء.......»(۱) هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده‌اند.

لذا شهادت در فرهنگ اسلامی و قرآنی از ارزش والایی برخوردار است. این ارج و اعتبار در فرهنگ شیعه زمانی جایگاه ویژه‌ای به خود گرفت که با واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) پیوند پیدا کرد. از آن پس هرگونه یاد و بزرگداشت خاطره شهادت امام حسین (ع) نوعی یادآوری و تعظیم ارزش شهادت نیز به شمار می‌آمد. همه نهضت‌های انقلابی که دارای وجهه مذهبی بوده‌اند از این عنصر ارزشمند در جهت پیگیری هدف‌های خود الهام گرفته‌اند.(۲)

روحیه ایثار و شهادت طلبی یکی از ارزشهای سیاسی و اعتقادی شیعیان است. شیعه اعتقاد خاصی به شهادت دارد با مروری بر تاریخ زندگانی ائمه (ع) می‌بینیم که تمامی آن‌ها به دست دشمنان، مقتول یا مسموم شده‌اند این ارزش بزرگ با نام حسین بن علی (ع) در فرهنگ سیاسی تشیع آمیخته شده است. و شیعیان لقب سیدالشهداء را برای او از هر کس دیگری مناسب‌تر می... دانند، زیرا شهید با ایثار قطرات خونش در پیکر جامعه، خون گرم و زنده‌ای را به جریان می‌اندازد و راه خدا را باز می‌کند و سدها و موانع را بر می‌دارد.(۳)

هرچند مفهوم شهادت در کلیت آموزه اسلام وجود دارد، روح آن در مبانی تفکر شیعی بازتاب گسترده‌ای یافته است. بدون تردید، واژه شهید و شهادت از جمله واژه‌های مقدس اسلام است.

۱۰-۱-۳-۳. جهاد

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲- یداله هنری لطیف پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۷۴.

۳- عباس علی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی، ۱۳۷۱، ص ۶.

یکی دیگر از اصلی‌ترین مؤلفه‌های اعتقادی شیعه که از عناصر مهم فرهنگ سیاسی شیعه نیز محسوب می‌شود جهاد است. جهاد یکی از فروع دین و مذهب تشیع می‌باشد. به معنی جهاد و تلاش و مبارزه در راه خدا برای حفظ دین، عرض، جان، ناموس، سرزمین و.....که از ارزش و اهمیت بسیار زیادی در بین شیعیان برخوردار است و در واقع زمینه را برای تقویت روح مبارزه و انقلابیگری در میان شیعه به ویژه در دوران معاصر فراهم ساخته است خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و اعدّوا لهم ماستطعتم من قوه»(۱) هرچه در توان دارید از نیرو بسیج کنید.

و در جای دیگر می‌فرماید «یا ایّها النّبی حرضّ المؤمنین علی القتال»(۲) ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد برانگیز.

لذا، جهاد، یک مبنای قوی اعتقادی برای تهییج روح انقلابی گری در شیعیان بوده است. در اسلام، جهاد یکی از واجبات است و برای آن ثواب و اجر فراوانی در نظر گرفته شده است. به گونه‌ای که یکی از درهای بهشت مخصوص مجاهدان است. براساس اعتقادات اسلامی، کسی که از جهاد فرار کرده یا از آن خودداری کند، بدترین مجازاتها به او وعده داده شده است. شیعیان براساس همین تأکیدات قرآن و روایات، در میدان‌های مبارزه با ظلم و ستم بر یکدیگر سبقت می گرفتند. از این رو، تاریخ پر فراز و نشیب شیعه با جهاد و مبارزه در راه حق و عدالت عجین شده است همین زمینه اعتقادی و ایمانی و سابقه تاریخی، بستر مناسبی را برای تقویت روح مبارزه و انقلابی گری در میان شیعه فراهم ساخته است.

۱۱-۱-۳-۳. انتظار فرج و مهدویت

اندیشه پیروزی نهایی حق و عدالت بر باطل و ظلم، گسترش ایمان و تشکیل یک جامعه فاضله به عنوان یک اندیشه قرآنی و وصول و اجرای این دیدگاه بوسیله شخصیتی که در روایات اسلامی به «مهدی» تعبیر شده، اعتقادی است که کم و بیش در فرق مختلف اسلامی با

۱- قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- همان، آیه ۶۵.

تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما در این میان برای شیعه، اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج) و ظهور وی برای عدالت گستری و اصلاح جوامع، امید بخش‌ترین نقطه به شمار می‌آید.

در درون دیدگاه انتظار فرج، یک نوع خوش‌بینی و امیدواری نسبت به سیر تاریخ و وضعیت آینده بشر وجود دارد. امید هیجان انگیزی که در ادبیات دینی و اعتقادی به عنوان «انتظار فرج» خوانده شده است.

این آموزه بنیادین شیعه، در صورت‌بندی اندیشه تشیع، هم در مبادی و مبانی و هم در گرایش‌ها و موضع گیری‌های تاریخی به ویژه در مسائل بحث انگیز اعتقادی و سیاسی، بازتاب داشته است. به اعتقاد شیعه، وحی به وسیله هدایت و راهنمایی‌های ائمه (ع)، که همواره نیز باید به عنوان حجت‌های بالغه الهی وجود داشته باشند، تداوم می‌یابد. به عبارت دیگر، سیر تاریخی در جهت کمال پیش‌رفته و با ظهور امام زمان (عج) کامل می‌شود. بدین ترتیب، از نظر شیعه، انتظار فرج، امیدواری همیشگی به پیروزی نهایی حق علیه ظلم است و با ظهور امام زمان (عج) نابسامانی‌ها و رنج‌ها پایان می‌پذیرد.

هر چند دستمایه قوی‌ای که در بنیان چنین نظریه‌ای نهفته است، همواره اندیشه شیعه را به سوی تعالی و کمال‌جویی پویا نشان می‌دهد، در تاریخ گذشته، شیعه کمتر از این اندیشه برای فعال سازی و حرکت زایی سیاسی و اجتماعی استفاده شد و عمدتاً به صورت رویکردی آرمان گرایانه در اذهان شیعیان جای گرفت و در نتیجه، چنین دیدگاهی، حکومت فاضله شیعی، یک امر دست نیافتی برای انسان‌ها درآمد.

این آرمان خواهی، اثری متناقض بر رفتار سیاسی- اجتماعی شیعه گذاشت و در کنار تمایل مشخص شیعه به مبارزه خستگی ناپذیر، که به ویژه بنیان آن را باید در قیام حضرت امام حسین(ع) جستجو کرد، نوعی بی اعتنایی نسبت به شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی به وجود آورد. موضوعی که نوگرایان و مفسران معاصر شیعه را رنج داده و آنان کوشیده‌اند با دفع این تعارضات، اندیشه انتظار فرج را با شرایط سیاسی و اجتماعی تطبیق داده و به عنوان

یک ساز و کار متحرک، آن را توضیح دهند. از این رو دو رویکرد نسبت به انتظار شکل گرفته است.

رویکرد اول مربوط به گروهی بود که معتقد به ترک مبارزه و مسئولیت اجتماعی در دوران غیبت بودند. نباید حکومت اسلامی تشکیل داد و با حکومت‌های وقت مبارزه کرد بلکه باید کلیه امکانات را، برای جنگ نهایی حفظ کرد، جلوی ظلم و فساد را نباید گرفت و ترویج فساد اخلاقی، و ظلم و پایمال کردن حقوق، باعث تعجیل در ظهور منجی می‌شود و هرکس قبل از قیام امام، اقدامی جهت اصلاح کار نماید تأخیر در ظهور ایشان ایجاد کرده است. چنین نگرشی باعث رشد این اعتقاد شد که هر حرکت اصلاحی و انقلابی با ظهور حضرت حجت (عج) مغایر است و ظهور وی را به تأخیر می‌اندازد و بدین ترتیب، هرگونه مبارزه علیه وضعیت موجود را نادیده انگاشته و انزوا و گوشه‌نشینی و نیایش را تشویق و تشدید می‌کند و با عنایت به علائم ظهور، امر به معروف و نهی از منکر، نباید صورت پذیرد. مهم‌ترین گروهی که این رویکرد را مطرح ساخت و از نقش اساسی انتظار کاست، گروه موسوم به «حجتیه» و انجمن‌های وابسته به آن بود که حد فاصل سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷ فعالیت داشت و این تفکر، تا به امروز نیز در عرصه فرهنگی- دینی جامعه ایران حضور دارد. اما رویکرد دوم معتقد هستند که دوران انتظار، دوران آماده شدن منتظران است. منتظران واقعی کسانی هستند که اصلاح نفوس کنند و با قبول نکردن حکومت ستمکاران و عدم تبعیت از آنها، خود را آماده ظهور کنند تا یار و یاور امام در هنگامه ظهور باشند. براساس این دیدگاه، انتظار تحرک است نه سازش و رکود.(۱)

شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری، دکتر شریعتی و در رأس همه آنها امام خمینی با تأیید و تجویز دیدگاه دوم به نقد رویکرد اول به انتظار و فرهنگ مهدویت پرداختند و به مردم آگاهی دادند. براساس اصل انتظار فرج، مشروعیت حکام دنیوی زیر سؤال می‌رفت و این به طور بالقوه، موجد حالتی انقلابی بود. این برداشت مبارزه جویانه از اندیشه مهدویت و انتظار

۱- محمد رضا اخگری، ولایتی‌های بی ولایت(انجمن حجتیه)، تهران چاپ پرچم، ۱۳۶۷، ص ۳۴-۲۸.

فرج در دوران مبارزات و تحولات ایران به ویژه در دوران انقلاب اسلامی به طور چشمگیر گسترش یافت و روحانیون و روشنفکران دینی در گسترش و توسعه این برداشت نقش به سزایی داشتند.

۱۲-۱-۳-۳. ولایت فقیه

نظریه ولایت مطلقه فقیه، یک نوآوری در نظریه دولت، در سنت شیعی از حیث رابطه جامعه و دولت محسوب می‌شود. پیش از این نظریه و نفوذ آن در میان روحانیون رادیکال، این اجماع در میان علمای شیعه وجود داشت که مدعی قدرت مطلقه سیاسی نشوند، آنها قدرت سیاسی را در غیاب امام زمان، قدرتی موقت به شمار می‌آوردند.(۱)

امام خمینی (ره) در نظریه‌ای که در پاسخ به ضرورتهای تاریخی جدید طرح کرده بود تفسیر سنتی از نقش فقهاء در زمان غیبت را مورد نقد قرار داد و این اندیشه را پیش کشید که فقها در زمان غیبت باید نقش سیاسی فعال داشته باشند و تا ظهور امام عصر (عج) جامعه دینی را راهبری کنند. به این ترتیب تئوریسین انقلاب از بطن تفکرات شیعی، یک ایدئولوژی برای قبض قدرت سیاسی آفرید و روحانیون رادیکال پیرو راه او این نظریه را به سلاح گرمی در مبارزات سیاسی خود تبدیل کردند. ایشان براساس نظریه امامت، تمامی حکومت‌های بعد از پیامبر تا عصر حاضر، به جز دوره کوتاه حکومت امام علی (ع) را حکومت جور می‌داند و بر مشروعیت حاکمیت معصوم در عصر حضور و حاکمیت فقیه جامع‌الشرائط در عصر غیبت تأکید دارد ایشان نظریه ولایت فقیه را براساس اندیشه سیاسی شیعه و الگوی امامت مطرح کرد و با استفاده از ادله مختلف، آن را برهانی ساخت.(۲) بنابراین از نظر ایشان تنها حکومت معصوم و فقهای جامع الشرائط مشروعیت دارد و سایر حکومتها نامشروع و جائرند و بر فقهای جامع

۱- مسعود کمالی، جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، ترجمه کمال پولادی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱، فصل ۷، ص ۳۰.

۲- امام خمینی، ۱۴۲۱، تحریرالوسیله، ج۲، ص ۶۵۴-۶۲۷.

الشرائط واجب است که با ایجاد شرایط به طور انفرادی و یا دسته جمعی تشکیل حکومت دهند.

فلذا اندیشه سیاسی امام خمینی براساس نظریه امامت و ولایت فقیه، یک اندیشه انقلابی است.

۱۳-۱-۳-۳. نظریه غیبت امام و مشروعیت مرجعیت

با تأسیس حکومت شیعی صفوی، معمایی در جامعه شیعی ایران بروز کرد. شیعیان پیش از این بین نظم این جهانی یا نظم خاکی با نظم استعلایی یعنی نظمی که با ظهور امام زمان ایجاد خواهد شد تفاوت قایل بودند به این ترتیب تأسیس یک حکومت شیعی در شرایط غیبت امام به منزله یک پارادوکس بود. صفویان این پارادوکس را با صورت‌بندی نظریه «نیابت امام» حل کردند به این ترتیب که پادشاهان صفوی خود را نایب امام زمان (عج) معرفی کردند در آخرین سالهای حکومت دودمان صفوی یک بازسازی تازه در این نظریه صورت گرفت، در این بازسازی جدید برای پل زدن بین نظام استعلایی و نظام زمینی، نظریه‌ای تدوین شد مبنی بر اینکه علما به طور عام، نایب امام زمان‌اند. با این نظریه، نیابت امام زمان از رهبران سیاسی به روحانیان منتقل شد. و بین رهبری سیاسی و رهبری دینی انفکاک ایجاد شد. پیش از این، پادشاهان صفوی به شیوه پادشاهان ایران باستان رهبری سیاسی و رهبری دینی را توأمان داشتند.

پس از زوال حکومت صفوی و پراکندگی سیاسی در ایران، روحانیان با رواج نظریه نیابت علما، رهبری جامعه دینی را به خود منتقل کردند. از این پس قدرت سیاسی شاهان به عنوان قدرت موقتی محسوب شد که برای محافظت از جامعه شیعی در برابر تهاجم خارجی مشروعیت دارد.

در دوره‌ای جدیدتر، در زمانی که ایران با اصلاحات شاهان پهلوی وارد عصر مدرن خود می‌شد، بار دیگر بازسازی جدیدی در نظریه نیابت و مرجعیت صورت گرفت که ولایت عامه روحانیون را به ولایت مطلقه تغییر سمت داد. کلید معمای انقلاب اسلامی را، به عنوان

انقلابی که به رهبری مرجعیت به پیروزی رسید، علاوه بر تحولات اجتماعی- اقتصادی و پویاییهای سیاسی، باید در این تغییرات در عرصه نظریه‌های مشروعیت در حوزه شرع جستجو کرد.(۱)

۱۴-۱-۳-۳. رابطه ولایی مردم و مرجعیت

نهاد روحانیت در عصر صفویه شکل گرفت. این نهاد، در عین تبعیت از دولت، تأمین کننده مشروعیت آن نیز بود اما از یک قرن پیش تاکنون وضعیت عوض شده است. در قرن نوزدهم انحطاط و تحقیر ایران شروع شد. پادشاهان قاجاریه که فاسد و نالایق بودند. قادر به رویارویی با چالشی که از غرب می‌آمد نبودند ایران به قدرت ضعیف و زیردست تبدیل شد. در پرتو مداخلات روس و انگلیس، احساسات ملی ایرانیان بیدار شد. از آن زمان مخالفت روحانیون که جانب احساسات ملی را می‌... گرفتند. با شاه شروع شد. در سال ۱۸۹۱ م حاج میرزا حسن شیرازی فتوایی صادر کرد که برای اعتراض به واگذاری امتیازات تنباکو به انگلیسی‌ها، مصرف دخانیات را ممنوع اعلام می‌کرد. تمام مردم از جمله اطرافیان شاه، این فتوا را رعایت می‌کردند. به این ترتیب، روحانیون، رهبری حرکت ملی را در دست گرفتند. از پایان قرن نوزدهم به بعد روحانیت در مقابل قدرت دولت، از استقلال بیشتری برخوردار شد و مذهب به صورت پناهگاهی برای اقدامات ضد شاه درآمد. وقتی در جریان انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ م عده‌ایی از روحانیون علیه قدرت استبدادی شاه موضع گرفتند، بر افتخار آنها افزوده شد. در این زمان، مسئله قدرت به دلیل ضعف دولت قاجار و بی اعتباری آن مسأله مهمی شده بود و مذهبیون در این باره اتفاق نظر نداشتند عده‌ای در کنار طرفداران مشروطه قرار می‌گرفتند. و از اندیشه داشتن مجلس یعنی محل نمایندگان مردم و نظارت بر قدرت شاه طرفداری می‌کردند کسان دیگری از روحانیون جز به آنچه از خدا و قرآن نشأت می‌گرفت مشروعیتی قائل نبودند و در برابر جریان مشروطیت موضع گرفتند اینان معتقد بودند که فقط شریعت می‌تواند قدرت

۱- مسعود کمالی، پیشین، فصل ۷، ص ۲۷.

پادشاهان را محدود کند و تنها قانون قابل اجراء، شریعت است. بالطبع در بین این دسته کسانی بودند که با قدرت استبدادی شاه مخالف بودند. اما طرفدار مشروطه و پارلمان هم نبودند نظریه آنها مبتنی بود بر قدرت روحانیت، یعنی همان نظریه «ولایت فقیه» که امروز اعمال می‌شود. از نظر تاریخی این مشروطه خواهان و عده‌ای از روحانیون بودند که موضعی مترقی اتخاذ کردند اما اعتبار ناشی از این اقدام به همه روحانیون رسید بدینگونه روحانیت و مرجعیت سیمایی سیاسی پیدا کرد که با هویت گذشته خویش که نیروی کمکی قدرت بود متفاوت بود. این آغاز پیوند سیاسی بین مردم و مرجعیت شیعی بر سر یک مسأله ملی و مهم بود. بدین سان، یک حوزه سیاسی مشترک برای عمل عام بوجود آمد که مردم و مجتهدین را در برابر دولت قرار می‌داد. با پرداخت وجوهاتی به مجتهدین، مردم حامیانی در مقابل دولت پیدا می‌کردند.

در واقع نهاد روحانیت به مدت یک قرن حرکت مضاعفی را پشت سر گذاشت که به تقسیمی درونی انجامید و این تقسیم بود که آنرا شایسته ایفای نقش در انقلاب ۱۹۷۹ می‌ساخت این رویارویی با دولت ادامه یافت و سبب شد تا روحانیت بتواند هنگام قیام ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ در کنار مردم قرار گیرد از سوی دیگر ادعای آنها نسبت به قدرت سیاسی و آماده ساختن خود برای آن، کار بخش دیگری از روحانیون بود این وضع آنها را قادر ساخت تا از این موقعیت استفاده کرده و خلأ ملی از سقوط شاه را پر کند و به آرزوی خود نیز برسند.(۱)

از عوامل مهم و تأثیرگذار در روند انعقاد حرکت انقلاب اسلامی، رابطه تقلید و اجتهاد میان مردم و رهبران مذهبی است این رابطه چنان مردم و رهبران مذهبی را به یکدیگر همبسته می‌کند که هر اقدامی چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی با فرمان رهبران مذهبی الزام آور می‌گردد. تأثیرگذاری این رابطه ولایی را می‌توان در نهضت تنباکو با فتوای میرزای شیرازی بزرگ، در نهضت مشروطه با فتوای علمای نجف و در نهضت امام خمینی (ره) با فتاوای مختلف، به ویژه فتوای لزوم فرار نیروهای نظامی از ارتش که ماشین جنگی و ستون فقرات قدرت رژیم را از کار انداخت، ملاحظه نمود.

۱- لیلی عشقی، زمانی غیر زمانها، ترجمه احمد نقیب زاده،چاپ اول، فرزانگان، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰.

عالمـان دین و مبلغین شـریعت در طول تاریـخ اسـلام برای مردم، مرجعی امین در شـناخت دین و وظائف شـرعی و نیز پناهگاه مطمئنی در امور دنیـایی شدنـد. مراجعه و اطمینـان مردم به علمـاء دین و روحانیون و اعتقاد به اینکه اینان وارث رسالت انبیاء و ولایت امامان هسـتند و در دین و دنیای خود از آنان بی‌نیاز نیستند، پیوندی استوار بوجود آورد که در تاریخ اسلام کمتر مشابه آن دیده می‌شود مفتوح بودن باب اجتهاد و لزوم مراجعه به فقیه زنده در فقه شـیعه این پیوند را تداوم بخشـید و عدم دسترسـی به مرجع تقلید برای عامه مردم، این رابطه را در سـطح وسیعتر شامل همه علما و روحانیونی که حتی در سطح اجتهاد نبودند نیز گسترش داد.(۱)

نفوذ روحانیت بالاخص در تشیع به اندازه‌ای بود که قدرتمندان حاکم مجبور بودند علی‌رغم خواست قبلی خود در انظار مردم به آنان ارج نهند و در برابر این نهاد مذهبی سر تعظیم فرود آورند.

بـا شـکل‌گیری مرجعیت عـام از یـک قرن پیش، نفوذ و محبوبیت مردمی روحـانیت، عمق و گسترش بیشتری یـافته و روحانیت حتی در اوج اقتـدار حکام جائر بصورت یک قدرت تعیین کننده‌ای درآمدند و در حقیقت بطور بالقوه حکومت واقعی را فقها و روحـانیون متنفـذ در اختیـار داشـتند و هرگـاه اراده کردنـد خواسـته خود را بر قـدرتهای حـاکم تحمیل کرده‌انـد. مثلاً فتوای معروف میرزای شـیرازی در زمینه تحریم تنباکو که پشت اسـتبداد ناصـری را شـکست و به استعمار انگلیس ضربه مهلکی وارد آورد نشانگر نقش تعیین کننده قدرت بالقوه مراجع تقلید و علما و بطور کلی روحانیت می‌باشد.

علمـا و روحـانیون در پرتو روابـط تنگاتنگ خویش با گروه‌های اجتماعی، از موقعیت ممتازی در جامعه مـدنی ایران برخوردار بـوده و همواره در طول تاریـخ، به منبع قـدرتی اجتمـاعی در برابر قـدرت دولـتی تبـدیل شـده و دامنه‌ی نفوذ دولت را محـدود کرده‌انـد. پـایه‌ی قـدرت و نفوذ علمـای شـیعه بر سازمـان‌هـای اجتمـاعی‌ای نظیر مرجعیت، نیابت امام غایب، تـدریس، اجتهاد، قضاوت، مراسمات عقد و ازدواج، جمع‌آوری و تصدی‌گری مالیات‌های مذهبی مثل خمس،

ص:۸۴

۱- عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، نشر کتاب سیاسی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۸.

زکات و سهم امام، تولیت اماکن مقدسه، سرپرستی اوقاف و امور خیریه و ....استوار بوده است.(۱)

نکته مهم‌تر این که، علمای شیعه همواره در بین مردم زندگی می‌کرده‌اند و نقش نمایندگی آنها را در مقابل دولت بر عهده داشته‌اند همین مسأله موقعیت بی‌نظیری به آنها می‌داد که هرگاه شرایط ایجاب می‌کرد توده‌های وسیعی از مردم را علیه دولت و یا هر نیروی دیگری بسیج کنند.(۲)

۱- Shahrough Akhavi, " Ideology and Iranian Revolution " , In: Barry M,Reson (ed), Iran: Since the Revolution, New york, Social Sciences Monographs, Boulder, , pp Xi- Xii.

۲- مسعود کمالی، دو انقلاب ایران، نشر دیگر، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳-۱۵۲.

۴-۳- گفتار دوم

۱-۴-۳. رفتارهای انقلابیون در انقلاب اسلامی ایران

مجموعه کنش‌ها و حرکت‌هایی که در راستای تکوین انقلاب اسلامی صورت گرفت برخاسته از نظام رفتارهای شیعه است. نظام رفتارهای شیعه عبارت است از مفاهیم و ارزش‌هایی که موجب کنش و واکنش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان در برابر حکومتهای مختلف در طول تاریخ بوده است که این خیزشها از یک سری عناصر و مفاهیم ارزشی تغذیه می‌شوند. در این گفتار به بررسی مؤلفه‌های رفتاری انقلاب اسلامی در چهار بعد رفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازیم. که این مجموعه رفتارها، هویت رفتارهای انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند.

۲-۴-۳. رفتارهای سیاسی

در خلال شکل گیری انقلاب اسلامی احزاب و گروههای سیاسی مختلفی با اهداف اسلام گرایانه به فعالیت پرداختند که مجموعه این فعالیتها رفتارهای سیاسی در زمینه انقلاب اسلامی را شکل دادند.

۳-۴-۳. فدائیان اسلام (رادیکالیسم اسلام شیعی)

جمعیت فدائیان اسلام که متشکل از جوانان مذهبی متعلق به طبقات متوسط و پایین (عمدتاً طلبه یا جوانان مذهبی در بازار) بود، در سال ۱۳۲۴ اعلام موجودیت نمود.

مقابله با ایدئولوژی رسمی رژیم پهلوی که باعث تضعیف مبانی اعتقادی مردم می‌شد و همچنین نفی نفوذ بیگانگان و حاکمیت «نوکران اجنبی» بر جامعه‌ی اسلامی در سر لوحه برنامه‌های آنان قرار داشت.(۱)

ص:۸۶

۱- یحیی فوزی، مبانی اندیشه‌ای گروههای سیاسی اسلام گرا در ایران قبل از انقلاب-قسمت اول، پژوهشنامه متین،ش ۲۴-۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۵۳.

فدائیان اسلام درصدد ادغام نظریه و عمل سیاسی برآمدند و اولین تشکلی بودند که هدف خود را اجرای احکام اسلام و ایجاد حکومت اسلامی اعلام کردند آنها با جدیت تمام شعار «اسلام باید زنده شود و اسلام باید حکومت کند» را دنبال کردند.

نظریه‌پرداز این گروه برای زدودن آثار ناشی از فرهنگ غرب زدگی، احیای ارزش‌های اصیل و مذهبی، ارتقای ملّت ایران در عرصه‌ی علمی، صنعتی و اخلاقی، اعمال نظر روحانیت طراز اول در فرایند سیاستگذاری، رفع نفوذ بیگانگان و برانداختن سلطه‌ی آنها تلاش می‌نمودند. سید مجتبی نواب صفوی، رهبر این گروه در آبان ۱۳۲۸ با نوشتن جزوه‌ای تحت عنوان «راهنمای حقایق» درصدد بود تا ضمن برشمردن معایب فسادهای عارض شده بر جامعه، نوعی راهکار اصلاحی یا برنامه‌ای انقلابی را بعنوان دستورالعمل و رفتار سیاسی ارائه کند.(۱)

۴-۴-۳. حزب ملل اسلامی

یکی از گروه‌های مذهبی که در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ تأسیس شد، حزب ملل اسلامی است حزب ملل اسلامی با تأکید و تلاش برای شکل گیری حکومت واحد اسلامی در سرزمین‌های مسلمان و وحدت مسلمانان، مبارزه با رژیم سلطنتی را در دستور کار خود قرار داده و بر تشکیل حکومت اسلامی فرا ملی در کل جهان اسلام تأکید می کرد این گروه با تکیه بر چهار اصل، تأکید بر اسلام، استناد به قرآن و عقل، تأکید بر همبستگی ملل و سرزمین‌های اسلامی و اعتقاد به انقلاب، موجودیت خود را اعلام نمود.(۲)

سید کاظم بجنوردی، محمد میرمحمد صادقی، ابوالقاسم سرحدی، هاشم آیت زاده و محمد جواد حجتی کرمانی از بنیان... گذاران این حزب بودند.از آنجا که حزب ملل

۱- علی اشرف نظری- بهاره سازمند، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴.

۲- ر.ک: انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، تهران، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی،۱۳۷۷،ص ۱۶۸.

اسلامی،داعیه‌ی حاکمیت و تسلط بر کل جهان‌اسلام را در سر داشت، برای حکومت اسلامی مرز سیاسی و جغرافیایی قائل نمی‌شد.

۵-۴-۳. هیئت‌های مؤتلفه اسلامی

خاستگاه اصلی هیئت‌های مؤتلفه اسلامی بیشتر به طبقات متوسط سنتی، بازاریان و تجار سنتی باز می‌گشت و هسته‌ی اولیه این گروه را سه هیئت، شامل هیئت‌های مسجد امین‌الدوله، مسجد شیخ علی و اصفهانی‌ها تشکیل می‌دادند که همگی از کسبه و تجار مذهبی بازار بودند این هیئت‌ها در ادامه، نام «هیئت های مؤتلفه اسلامی» را برای خود برگزیدند.

فعالیت تشکیلاتی و منسجم هیئت‌های مؤتلفه، پس از سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از سوی رژیم ماهیت جدی‌تری یافت و با تشکیل شورای مرکزی و شورای روحانیت که نقش رابط را بین هیئت‌ها و امام خمینی ایفا می‌کردند، وارد مرحله‌ی جدیدی از فعالیت‌های سیاسی شد. افرادی نظیر صادق امانی، اسدالله لاجوردی، مهدی عراقی، حبیب الله عسکر اولادی، حجت الاسلام باهنر، آیت الله بهشتی، آیت الله انواری و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از فعالان این تشکّل بودند. تکثیر اعلامیه‌های امام، ترتیب تظاهرات، راهپیمایی‌ها، مجالس و سخنرانی‌های متعدد برای طرفداران نهضت امام از جمله فعالیت‌های هیئت‌های مؤتلفه بود.(۱)

روی آوردن هیئت‌های مؤتلفه به مبارزه‌ی مسلحانه با رژیم شاه و ترور حسنعلی منصور در بهمن ماه ۱۳۴۳ موجب شد که تشکیلات آنها شناسایی و متلاشی شود و رهبران و فعالان سیاسی آن دستگیر و عده‌ای اعدام و بقیه به زندان محکوم شدند. پس از دستگیری اعضای اصلی و به دلایل طولانی شدن مدت زندان برخی از آنان، فعالیت‌های مؤتلفه تا حدودی کاهش پیدا کرد و به صورت پراکنده و در قالب فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی نظیر حمایت بازار از مبارزان ادامه یافت.

۱- عبدالله جاسبی، تشکل فراگیر، مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی،مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱.

۶-۴-۳. گروه مذهبی ابوذر

در سال ۱۳۵۰، جمعی از جوانـان متـدین و انقلابی مناطق محروم کشور، به ویژه نهاونـد به هم پیوسـتند و گروه ابوذر را بنیان نهادنـد. اعضـای این گروه برای مبـارزه بـا شـاه و پیروی از امـام خمینی (ره) کوشـیدند و چنـد عملیـات موفق علیه مراکز رژیم پهلوی انجـام دادنـد این گروه در سـال‌های ۵۵-۱۳۵۴ به وسـیله‌ی سـاواک شـناسایی و دسـتگیر شدنـد آنها در مراحل مختلف بازپرسـی و دادگاه از اهداف و فعالیت‌های خود دفاع کرده و بر ادامه‌ی مبارزه و پیروی از امام، قاطعانه تأکید ورزیدند و بدین سبب بـه شدیـدترین کیفرهـا محکـوم شدنـد. رژیم شـش تن از آنـان را اعـدام کرد و بقیه را به زنـدان‌هـای طولانـی محکـوم ساخت.(۱)

به این ترتیب در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ رژیم پهلوی به واسطه‌ی ناتوانی در تألیف عناصر هویت ایرانی و به حاشیه راندن برخی وجوه آن، با مقاومت‌هایی مواجه شـد که درصـدد بودنـد با نقد و واسازی مبانی و مؤلفه‌های درون گفتمان رسـمی به ترسـیم چشم اندازهای جدیدی مبادرت ورزند. تیپ‌های سیاسـی چپ، ملی‌گرا و اسـلامی بازتاب چنین رویکردی هسـتند که با تلاش برای تألیف و سازواری مبانی هویتی درصد ارائه‌ی گفتمان هویتی خاص خود برآمدند.

۷-۴-۳. کانون نشر حقایق اسلامی

یکی از تشکل‌های مذهبی که در ترویج اسلام دارای نقش بااهمیتی بود، کانون نشر حقایق اسلامی مشهد بود. این کانون پس از شهریور ۱۳۲۰ در مشـهد توسط اسـتاد محمـد تقی شـریعتی تأسـیس شد. و به عنوان پناهگاهی برای روشـنفکران، جوانان و طلاب علوم دینی درآمد.(۲) کـانون مورد حمـایت آیت الله میلانی قرار گرفت و حتی بعضـی از کلاس‌های آن در منزل آیت الله برقرار می‌شد.موضوع فعالیت کانون، بیشتر مبارزه‌ی فکری علیه کمونیسم و کسروی بود. گر چه فعالیت اصلی کانون، تبیین حقایق اسلامی بود ولی مسئولین آن از مواضع

۱- انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، پیشین، ص ۱۷۱.

۲- غلامرضا جلالی، مشهد در بامداد نهضت امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴.

سیاسی نیز غفلت نداشتند. در جریان ملی شدن صنعت نفت، کانون فعالیت می‌کرد و به خاطر مواضع سیاسی آن در سال ۱۳۳۶ استاد محمد تقی شریعتی، مسئول کانون، به همراه همکاران دستگیر و به تهران منتقل شدند مباحث مطروحه در کانون نشر حقایق اسلامی در روزنامه‌های محلی خراسان درج می‌شد و مورد استقبال جوانان واقع می‌گردید.(۱)

۸-۴-۳. هیئت قائمیه

یکی از تشکل‌های فعال در تهران هیئت قائمیه بود که بعد از سال ۱۳۲۰ و توسط حاج شیخ محمد تهرانی تأسیس شد. ولی به سبب افکار انقلابی، مورد علاقه‌ی نواب صفوی قرار گرفت و نواب در حوزهٔ درس او شرکت می‌نمود و از کسانی بود که در پرورش فکری وی مؤثر بود. حاج شیخ محمد تهرانی، بعد از شهریور ۱۳۲۰، به تهران آمد و هیئت قائمیه را تأسیس کرد. وی در جریان قتل کسروی به نواب کمک کرد و همیشه فدائیان اسلام را مورد حمایت قرار می‌داد. هیئت قائمیه به دلیل منش رهبر آن، یک تشکیلات شدیداً مذهبی بود و افزون بر، برگزاری جلسات و نشر جزوات مذهبی، در امور سیاسی نیز موضع گیری می‌کرد.(۲)

۹-۴-۳. انجمن حجتیه

این انجمن در سال ۱۳۳۲ توسط حجت الاسلام شیخ محمود حلبی (۱۲۷۹ تا ۱۳۶۷) تأسیس شد. ظهور انجمن حجتیه، عکس‌العملی بود به فعالیت شدید بهاییان در اوایل دهه سی.

انجمن تلاش می‌کرد تا نیروهای خود را به بحث و جدل با مبلغین بهایی و بر مبنای کتاب‌های آنها تجهیز نماید. شاخصه‌ی دیگر انجمن، برانگیختن علاقه‌ی مؤمنان به قائم آل محمد (عج) بود که برگزاری دعای ندبه و جشن های مفصل پانزدهم شعبان، تجلی این عشق بود. با این که مؤسس انجمن، آقای حلبی، از روحانیون سیاسی‌ای بود که در جریان جنبش ملی نفت، سخنرانی‌های بسیار آتشین در تهییج مردم و در حمایت از آیت الله کاشانی ایراد می

۱- روح الله حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلامی شیعی در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۴۶۵ .

۲- پیشین، ص ۴۶۶.

کرد، اما بعد از کودتا، سیاست را رها کرد و حتی شرط عضویت در انجمن را عدم مداخله سیاسی قرار داد پس از چند سال، انجمن توانست در سرتاسر کشور نیروهای مذهبی را متشکل و با گردهمایی در منازل، تکایا، حسینیه‌ها و پایگاه‌های مستقل به تمرین مباحث ضد بهایی و مباحث مذهبی بپردازند.

انجمن تا قبل از آغاز انقلاب اسلامی برای افرادی که دارای روحیه‌ی مذهبی بودند، دارای جاذبه بود، اما با شروع انقلاب به دلیل ماهیت غیرسیاسی آن، جاذبه‌اش را برای نیروهای مذهبی انقلابی از دست داد.(۱)

با این که انجمن ماهیت غیرسیاسی داشت، اما نتوانست مانع سیاسی شدن اعضای خود گردد و لذا بسیاری از کادرهای مرکزی آن به انقلاب پیوستند و خدمات شایانی را از خود نشان دادند.

۱۰-۴-۳. رفتارهای اجتماعی

بدون تردید آشنایی ایرانیان با تجدد، مفاهیم و آموزه‌های آن، به بیش از یکصد سال اخیر- به ویژه واقعه مشروطه خواهی — بر می گردد؛ اما به نظر می رسد فرایند امور در مشروطه لزوماً به نفی هویت اسلامی نینجامد و در نهایت، علمای شیعی در نجف و ایران تلاشی نظری برای آشتی مشروطه خواهی با آموزه های اسلامی از خود نشان دادند از این حیث مشروطه خواهی جزوی از هویت اسلامی و سازگار با آن تلقی می گردید. وجود نهاد نظارتی مجتهدان شیعی در نظارت بر قوانین مجلس که در اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت انعکاس یافته بود، نشانگر تداوم هویت اسلامی است؛ البته بدون تردید فرایند امور در طول دورهٔ پهلوی اول و دوم به تدریج به سمت حذف هویت اسلامی پیش رفت. اقدامات رضاشاه در کشف حجاب در دو مرحله (۱۳۰۷ و ۱۳۱۴) و نیز استراتژی فرهنگی وی در اسلام زدایی از مسلمانان، در عمل به فعال سازی مجدد و احیای هویت اسلامی رسوب شده می انجامید، هر چند سیطره و

۱- پیشین، ص ۴۶۶.

قـدرت پهلـوی، اجـازه ظهـور هـویت اسـلامی را در پهلـوی اول نمی داد، در عصـر پهلـوی دوم عملاً ـ زمینه هـای ظهور هویت اسلامی فراهم آمد.(۱)

۱۱-۴-۳. نفی غرب گرایی و استقلال طلبی

یکی از زوایای هویتی منـدرج در گفتمان رفتارهای اجتماعی انقلاب اسـلامی، نفی غرب گرایی و اعتراض به سـلطه بیگانگان است. حتی برخی از تحلیل گران نظیر «حامد الگار» و «یان ریشار» بر این نکته تأکید داشـته‌اند که رابطه‌ی دو جانبه و معناداری میان رشد و توسعه‌ی اعتراضات مذهبی و سلطهٔ بیگانگان بر منافع ملی کشور وجود داشته است.(۲)

در تحلیل محتوای شـعارهای انقلابیون نیز می توان شواهـدی را یافت که بخشـی از اعتراضات آنان متوجه غرب و انتقاد از آن بوده است. نظیر « نه شـرقی، نه غربی، جمهوری اسـلامی » ... امام خمینی دربارهٔ تأثیرات و پیامـدهای نفوذ غرب در کشورهای جهان سوم می گوید: «آنچه می توان گفت ام الامراض است، امواج روز افزون فرهنگ اجنبی استعماری است.(۳)

ایشـان غربزدگی را از زلزلـه بـدتر دانسـته و معتقدنـد کـه مرز میـان اسـلام و کفر را نیز همین تمـایز غرب و شـرق تشـکیل می دهد.(۴)

مکـانیسم نفی غرب، به عنوان یـک «دیگری» فرصتی فراهم می‌آورد تـا حفـاظت و حراست از ابعـاد ساختـاری هویت «خودی» (بومی) امکان پذیر شود و مجال خالص سازی و پالایش عناصر هویتی را از استیلای همه جانبه ارزش های غربی فراهم شود.

۱۲-۴-۳. حرکت مردمی و بسیج اجتماعی

۱- غلامرضـا بهروز لـک، انقلاب اسـلامی و بـازآفرینی هویت اسـلامی، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسـلامی، دفتر نشـر معارف، ۱۳۸۵، ص ۷۲.

۲- کریستین برومبرژه، اسـلام و انقلاب در ایران، چند اثر و نشانه برای قرائت و تحلیل در اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم محمد باقر خرمشاد، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵.

۳- امام خمینی، صحیفهٔ نور، ج ۱، ص ۱۶۱.

۴- همان، ج ۱۱، ص ۱۹۲.

یکی از گونه های هویت انقلاب اسلامی در بعد رفتارها، بسیج بیست میلیونی مردمی بود که برای حمایت از انقلاب به خیابان ها آمدند تلاش و پیش قدمی حرکت خودجوش مردمی در تأسیس یا تقویت مجامع و هیأت‌های مذهبی (به ویژه هیأت‌های عزاداری مذهبی) در سال‌های آخر حکومت شاه وسعت بیشتری یافته بود میل اقشار مختلف جامعه به جنبه ها و تفسیرهای سیاسی اسلام و تلقی مذهبی (شیعه) به عنوان ایدئولوژی انقلاب، جلوه هایی از تقویت مذهب را در میان این اقشار به تصویر کشیده بود.

گفتمان انقلاب که تجلی ایدئولوژی اسلام و مؤلفه‌های تشیع بود هر چند در تاریخ و سنت فکری و اعتقادی مردم ریشه داشته ولی به نحو ویژه و خاصی توسط امام خمینی احیاء و ادراك شد و سبب تجمع احزاب مختلف اجتماعی بر گرد مرجعیت شیعه شد و توانست موتور انقلاب را به حرکت درآورد.

۱۳-۴-۳. مخالفت اجتماعی با تصویب لایحه کاپیتولاسیون

یکی از مظاهر استکبارستیزی جمعی ملت ایران که در قالب رفتار اجتماعی در قبل از انقلاب اسلامی شکل گرفت جریان مخالفت با تصویب لایحه کاپیتولاسیون بود. در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۴۳ حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، قانونی را به کمک نمایندگان مجلس به تصویب رساند که بر اساس آن نظامیان آمریکایی در ایران از مصونیت قضایی برخوردار می شدند. این مصوبه به قانون کاپیتولاسیون معروف شد.

این قانون بی تردید با استقلال سیاسی و قضایی ایران مغایر بود و عملاً این سرزمین کهن و ملت با فرهنگ آن را تحت نفوذ آمریکا قرار می داد. پس از طرح این قانون در مجلس، امام خمینی به عنوان رهبر بلامنازع مردم ایران، این قانون را مغایر با استقلال ایران اعلام کرد. وی با تشکیل جلسات متعدد با علمای قم و فرستادن نمایندگانی به شهرهای مختلف و سازماندهی مردم برای اعتراض در مقابل این طرح، مجدداً رژیم را مورد تهاجم قرار داد. در روز چهارم

آبان مردم با شـنیدن سـخنرانی مهیّج و کوبنـده امام به شـدت گریسـتند سـخنرانی امام منجر به تبعید ایشان در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ شد.(۱)

جنبهٔ مهم این مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها، ناشی از نفوذ روح استکبارستیزی موجود در فرهنگ سیاسی شیعه در اعماق جان مردم ایران بود.

۱۴-۴-۳. رفتارهای اقتصادی

اشاره

در این قسمت به برخی از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی در بعد رفتارهای اقتصادی می پردازیم.

۱-۱۴-۴-۳. نهضت تنباکو

یکی از مهم ترین کنش‌های اقتصادی که در فرایند تکمیلی انقلاب اسلامی شکل گرفت نهضت تنباکو است.

در سال ۱۳۰۷ هـ. یک کمپانی انگلیسـی امتیاز دخانیات ایران را به مدت ۵۰ سال از ناصـرالدین شاه قاجار گرفت که خرید و فروش تنبـاکو و توتون ایران، مطلقاً در انحصـار کمپانی خارجی مزبور باشـد و در عوض هر ساله پانزده هزار لیره انگلیسـی به خزانه‌ی عامره اعلیحضرت پرداخت نمایند.(۲)

کمپـانی پس از کسب امتیـاز، نماینـدگان خـود را وارد ایران نمـود و به تمـام شـهرها و قصـبات و روسـتاهای کشـور اعزام و با تأسـیس ادارات دخانیـات که مسـتقیماً بوسـیله خود آنهـا اداره می‌شـد از هر جهت زمینه را بر مردم تنـگ گرفت. علمای ایران دیدنـد که امروز دخانیـات محـدود شـده، فردا معـادن دیگر تحت سـیطره ی بیگانگان می‌رود و حتی دیری نخواهـد پاییـد که ممکن است ایران مستعمره انگلیسی‌ها شود. لذا از نفوذو قدرت الهی خود جهت مقابله با

۱- سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، چاپ پنجم، تهران، عروج، ج ۱، ص ۱۰۴۸- ۱۰۱۲.

۲- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲-۱، ص ۹۵.

استعمار و استبداد قاجاری استفاده کرده و سرانجام آن حکم تاریخی میرزای شیرازی صادر شد.

«بسم الله الرحمن الرحیم: الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه‌ی با امام زمان (عج) است محمد حسن الحسینی».(۱)

این حکم میرزای بزرگ کسانی که دخانیات را به هر نحوی استعمال کنند را بسان کسانی دانسته که به جنگ حضرت مهدی (عج) رفته است لذا با اتکاء به آموزه مهدویت که از اعماق باورهای مردمی سرچشمه گرفته، یک رفتار اقتصادی به نفع مردم و ملت شکل گرفت.

۲-۱۴-۴-۳. طرح ملی شدن صنعت نفت

یکی دیگر از حرکت‌های اقتصادی بسیار مهم دوران اختناق و سلطه، مبارزه برای ملی شدن نفت بود که دارای محتوای سیاسی اقتصادی و مذهبی بوده و تجلی بخشی از مبارزات مردم مسلمان ایران علیه سلطه انگلیس در ایران می باشد.(۲)

بر اساس مدل نظری شهید صدر باید تغییر در محتوای باطنی مردم ایران صورت گرفته باشد، یعنی با تغییر فکر و باور مردم و با اراده بر تحول اوضاع جهان شاهد یکی از بزرگترین حوادث در ایران معاصر بودیم، و آن ملی شدن صنعت نفت و سپس انقلاب بزرگ اسلامی و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی می‌باشد.

ریشه و نقطه آغازین که منجر به ملی شدن صنعت نفت ایران شد بر می‌گردد به قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) که در سال ۱۹۰۱ به مدت ۶۰ سال به دارسی داده شده بود و در سال ۱۹۶۲ مدتش منقضی می شد لغو شد و در عوض مدت امتیاز تا سال ۱۹۹۳ تمدید گردید.

جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق و جبهه مذهبی به رهبری آیت الله کاشانی دربارهٔ خساراتی که از تحمیل این قرارداد عاید ملت ایران شده بود افشاگری‌های بسیاری کرده بودند.

۱- پیشین، ص ۹۶- ۹۵.

۲- حسن آیت، نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۲۶.

در جریان ملی شدن صنعت نفت هم آقای کاشانی بر اساس قاعده نفی سبیل یکی از راه‌های رهایی از تسلط بیگانگان را ملی شدن نفت می‌دانستند.

۳-۱۴-۴-۳. طرح عدالت اقتصادی

یکی از عناصر محوری مندرج در دستورالعمل سیاسی – اقتصادی نیروهای مذهبی، وعده‌ی اجرای عدالت اقتصادی اسلام بود. این وعده به خصوص برای ایرانیانی که سال‌ها از نظر اقتصادی ناتوان و از نظر سیاسی و اجتماعی منزوی شده بودند، اهمیت بسیاری داشت.

ایران دوران پهلوی، از لحاظ اقتصادی – اجتماعی به دو قطب غنی (مستکبر) و فقیر (مستضعف) تقسیم می‌شد که عده‌ای این توانایی را یافته بودند تا با انباشت بیش از حد ثروت بر توده‌های وسیع مردم حکومت کنند، حاملان گفتمان انقلاب اسلامی به گروه‌های اجتماعی وعده‌ی برپایی عدالت اقتصادی را می‌دادند که این وعده، نقش مهمی در فروپاشی جامعه‌ی زمان شاه داشت.

لقب «امام مستضعفین» که به امام خمینی اعطا شد، نشانه‌ی مؤثری در احیای اندیشه ظهور حضور مهدی (عج) در برپایی عدالت بود. ساده زیستی امام خمینی، دوری از ثروت اندوزی و بیان ساده و بلیغ ایشان با این لقب هماهنگ بود.(۱)

امام خمینی با استفاده از نمادگرایی سیاسی و ارائه تصویری روشن از عدالت اقتصادی در جامعه مهدوی که ریشه در فرهنگ سیاسی – اعتقادی مردم داشت و نیز با تکیه بر پیام‌های مساوات طلبانه آیین تشیع که جامعه‌ی بی‌طبقه توحیدی را وعده می‌داد. توانست طیف گسترده‌ای از قشرهای محروم و متوسط جامعه‌ی ایران را با خود همگام و هماهنگ سازد.

۴-۱۴-۴-۳. جلوگیری از افراط در مصرف بیت المال

۱- منوچهر درّاج، مردم گرایی و شیوه‌ی صنفی در فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب، در: فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه معصومه خالقی، انتشارات باز، ۱۳۷۹، ص ۲۸۷.

غصب اموال عمومی، تصرف اراضی دولتی توسط خاندان پهلوی(۱) و خروج میلیاردها دلار توسط مقامات،(۲) از نمونه های حیف و میل بیت المال است. گفته شده است که شرکت ملی نفت، بخشی از درآمد نفت را به طور محرمانه به حساب شاه واریز می کرد. فقط در سال ۱۳۵۵ دست کم یک میلیارد دلار به حساب شخصی شاه واریز شده است.(۳)

امام خمینی هنگامی طرح نظریه انقلاب اسلامی، حیف و میل بیت المال مسلمین توسط حکومت شاه و امثال او را منکر وحشتناک خواندند فرمودند: «این یک اکل سخت است، حرام خواری در مقیاس وسیع و بین المللی است. منکر وحشتناک و خطرناک ترین منکرات این است.(۴)

گفته شده است که جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، حدود دویست میلیون دلار هزینه داشته است.(۵)

۵-۱۴-۴-۳. رفتارهای فرهنگی

در بخش پایانی از گفتار دوم به مؤلفه های رفتارهای فرهنگی انقلاب اسلامی پرداخته و آنها را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

۶-۱۴-۴-۳. فرهنگ شهادت طلبی و ایثار

شیعیان این واقعیت را که امام حسین (ع) جان خود را بر سر پیمان و ایمانش فدا نمود و شهید شد، نه چون واقعه‌ی تاریخی صرف، بلکه به عنوان حقیقتی ژرف، مستمر و روحانی ارج می گذارند.(۶)

ص:۹۷

۱- پیشین، ص ۲۸۸.

۲- حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ج۳، ۱۳۷۰، ص ۲۱۸.

۳- پیشین، ص ۴۶۴.

۴- امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳.

۵- بیل جیمز، شیر و عقاب، ترجمه فروزندهٔ برلیان، تهران، فاخته، ج ۱، ص ۱۳۷۱، ص ۱۱۱.

۶- حامد الگار، انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه ی مرتضی اسعدی و حسین چیذری، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۰، ص ۱۳۸.

بنابراین در هم آمیختن دو موضوع اصلی حرکت امام حسین (ع) یعنی نفی قدرت سیاسی ظالم و ایمان به فضیلت شهادت، تشیع را به زیور مقاومت مبارزه جویانه‌ای آراسته است که در میان سایر مذاهب اسلامی کمتر به چشم می خورد.(۱)

براساس چنین الگوی برجسته و عملی‌ای از شهادت که در حرکت امام حسین (ع) دیده می‌شود، شیعیان در سراسر تاریخ سیاسی خود، در مواجهه با قدرت‌های نامشروع و فاقد حقانیت، دارای الگویی نمادین بوده‌اند که براساس آن ایثار، فداکاری و گذشتن از جان خویش در راه حق، نوعی فضیلت و ارزش اجتماعی تلقی شده است در این رویکرد، شهادت و فداکاری، دیگر همچون آیین ساده‌ای از محنت و غم یا بزرگداشت عزا و ماتم یا یک آیین و مراسم فرقه‌ای نیست، بلکه رفتاری مثبت و کرداری برجسته از اعتراض، رد، انکار، قیام و شورش است. شهادت به معنای رفتار قاطعانه و خالی از تردیدی است که باید در برابر دولت نامشروع بپیوندد و مفاهیمی نظیر «تقیه» و «صبر» باید جای خود را به حرکت و عصیان علیه ظلم دهد براساس این تحمیل، انکار و رد رژیم پهلوی و اعتراض علیه آن از طریق به کارگیری مجموعه‌ای از استعاره‌ها اظهار می‌شد که در آن عوامل و شخصیت‌های برجسته سیاسی انقلاب به کنش گران و کارگزاران کربلا تشبیه می‌شدند.(۲)

امتناع تزلزل ناپذیر امام خمینی در سازش با شاه برای مؤمنان شیعی که درس شهادت را در مکتب امام حسین (ع) آموخته بودند جاذبه داشت. امام با «ایجاد یک تکنولوژی موفق انقلاب» که ناشی از درک عمیق فرهنگ شیعه بود، به مردم آموخت هر چهل روز یک بار از مراسم عزاداری شهدای تظاهرات‌های پیشین و همچنین تعطیلات مذهبی به عنوان فرصت‌هایی برای اعتراضات جدیدی که هر بار گسترده‌تر از مرتبه‌ی پیش بود، استفاده کنند. «ایشان از

۱- Hamid Algar "The Oppositional Role Of Ulamin Twentieth Century Iran, in: Schilars, Saints and Safis: Muslim Religions Institution Since , ed by Nikkie R,keddie. University of California Press, .

۲- محمدباقر خرمشاد، اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۴، ص ۷۹.

پیروان خود می خواستند تا در مقابل سربازان شاه، خود را برای شهادت عرضه کنند زیرا می‌دانستند با توجه به رسوخ ارزش… های مذهبی مشترک در میان نیروهای مسلح، مرگ این افراد [در نتیجه‌ی اقدام نظامیان] به تدریج روحیه‌ی نیروهای مسلح را در هم می شکند و نهایتاً توانایی قهریه‌ی رژیم سلطنتی را نابود می کند.(۱)

۷-۱۴-۴-۳. دفع خطر اسلام زدایی و تغییر تاریخ رسمی کشور

رژیم پهلوی به شیوه های مختلف در قالب هایی گمراه کننده، اقدام به اسلام زدایی از جامعه می‌کرد از جمله‌ی این اقدامات می توان به جشن‌های دوهزار و پانصد ساله و تغییر تاریخ اشاره کرد.

در آن دوره، سلسله جشن‌هایی مانند جشن تاج گذاری، جشن‌های تولد شاهزادگان و مانند اینها برگزارمی‌گردید که بزرگترین این جشن‌ها، جشن دو هزار و پانصد ساله بود. این مراسم در مهر ۱۳۵۰ با حضور مقامات عالی رتبه از ۶۹ کشور جهان در تخت جمشید برگزار شد. این جشن بر اساس ناسیونالیزم باستان که خاصیت عمده آن ضدیت با دین اسلام و روحانیت بود(۲) شکل گرفت.

شاه در این جنبش نطقی ایراد کرد و در آن ضمن فرستادن درود بر کوروش، او را الگوی خود قلمداد کرد.(۳)و این توهین آشکار به اسلام بود امام خمینی شرکت در آن جشن را خیانت به اسلام دانست.(۴)

همچنین طرح تغییر تاریخ رسمی در اواخر سال ۱۳۵۴ در شورای ملی تصویب شد و از اول سال ۱۳۵۵ برای تمام ادارات دولتی الزام گردید که بر اساس آن، سال ۱۳۵۵ هـ به سال

۱- جیمز فرونزو، انقلاب اسلامی ایران از چشم اندازی نظری، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات باز، تهران، ۱۳۷۹، ص ۹۹.
۲- جان فوران، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، پیشین، ص ۳۳۸.
۳- غلامرضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج سالهٔ ایران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ ۶، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۵۰.
۴- امام خمینی، صحیفهٔ نور، ج ۲، ۱۳۷۸، ص ۳۲۶.

۲۵۳۵ شاهنشاهی تبدیل می شد که عدد ۲۵۰۰، نشانهٔ گذشت زمان سلطنت کوروش و عدد ۳۵، نشان دهندهٔ سنوات سلطنت محمدرضا شاه بود. امام خمینی که به خاستگاه فکری اندیشه تغییر تاریخ پی برده بود آن را بازی با حیثیت رسول خدا و اهانت به اسلام خواند و آن را تحریم کرد.(۱)

۸-۱۴-۴-۳. جلوگیری از گسترش فرهنگ فساد و فحشاء در دولت پهلوی

یکی از شیوه‌های ضعیف فرهنگی و تخریب عقاید دینی، گسترش فساد و فحشاء بود که در قالب منع حجاب زنان، تولید مشروب و دایر کردن مشروب فروشی، ایجاد مراکز فساد در مرکز استان‌ها، سینما و رسانه‌های جمعی انجام شد. مهم‌ترین هدف چنین برنامه‌هایی منفعل کردن نسل جوان جامعه و بی‌تفاوت سازی آنها نسبت به سرنوشت خود و احکام اسلامی بود این اقدامات موجب واکنش مردم و علماء شد که از آن جمله می‌توان به واکنش حضرت امام در کتاب کشف اسرار نسبت به قانون کشف حجاب رضاخان اشاره کرد.(۲)

نیکی کدی در مورد واکنش مردم و علما نسبت به این اقدام فرهنگی در دورهٔ پهلوی دوم می‌نویسد: «اختلاط پسرها و دخترها در مؤسسات آموزشی و دانشگاهی، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های آیت الله خمینی و بعضی دیگر از بنیادگران اسلامی مورد حمله و انتقاد شدید قرار می‌گرفت، همان گونه که نشانه‌های آشکارتر زوال اخلاقی حاصل از نفوذ فرهنگ غربی، نظیر فیلم‌ها های جنسی و مراکز رقص و موسیقی مورد حمله و انتقاد قرار می‌گرفت همچنین اشکالی از لباس پوشیدن خانم‌ها که ... اکثراً لباس‌هایی بسیار تنگ و آشکار کننده اندام بدن بود و یا مشروب خواری و قماربازی علنی ... مورد انتقاد قرار می‌گرفت.(۳)

یکی از برنامه‌های مهم رژیم پهلوی در گسترش فساد و فحشاء با هدف نابودی ارزش‌های اسلامی، برنامه جشن هنر شیراز بود که هر سال با هزینهٔ بسیار هنگفتی در شیراز برگزار

۱- پیشین، ج ۴، ص ۱۶۳.

۲- روح الله خمینی، کشف اسرار، قم، آزادی، ۱۳۷۹، ص ۳۷.

۳- نیکی آر کدی، ریشه های انقلاب اسلامی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۰.

می‌شـد و از مهم ترین برنـامه‌هـای آن، نمایش اعمال منافی عفت و روابط جنسـی زن و مرد بود اولین برنامه این جشن در سال ۱۳۴۶ برگزار شد و هر ساله ادامه داشت و سال به سال بر ابتذال آن افزوده می‌شد. ابتذال این برنامه‌ها به حدی بود که پارسونز نیز اعتراض خود را صـریحاً اعلام کرده و خطاب به شاه می‌گوید: اگر چنین نمایشـی به طور مثال در شـهر «وینچستر» انگلستان اجرا می‌شد، کارگران و هنرپیشگان آن جان سالم به در نمی‌بردند شاه مدتی خندید و چیزی نگفت.(۱)

جشن هنر شیراز به شدت مورد انتقاد نیروهای مذهبی قرار گرفت. امام خمینی (ره) در مقابل آن موضع‌گیری کردند و سکوت علما و متخصـصان کشور را مورد انتقاد قرار دادند علمای شـیراز نیز اعتصاب کردند و کار به جایی رسـید که رژیم مجبور شد در سال ۱۳۵۷ این جشن را تعطیل کند.(۲)

ص:۱۰۱

۱- ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۳، ص ۳۴۴.

۲- روح الله حسـینیان، چهـارده سـال رقابت ایـدئولوژیک شـیعه در ایران، ۱۳۴۳ - ۱۳۵۶، تهران، مرکز اسـناد انقلاب اسـلامی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۵.

۵-۳- گفتار سوم

۱-۵-۳. نمادهای انقلابیون در انقلاب اسلامی ایران

یکی از ویژگی‌های محوری انقلاب اسلامی ایران، بهره گیری از عناصری است که یادآور نمادها و حماسه‌های ایثارگرایانه و فداکاری مبتنی بر ایمان باشد. «برنارد لوئیس» در این باره یادآور میشود: «پیشینهٔ اندیشه ها و اقدامات انقلاب اسلامی از طریق یادها و نمادها است که باید مورد مطالعه قرار گیرد و تنها در این صورت است که احتمال درک آن وجود دارد.(۱)

این نمادگرایی مذهبی و برتری شعائر اسلامی که رفتارهای مذهبی نظیر بزرگداشت امام علی (ع) یا امام حسین (ع) و امام زمان (عج) را در بر می گرفت نقش مهمی در پیشرفت جامعه‌ی فردی و تقویت اجتماع برعهده داشت در واقع، در سنت شیعی «چارچوب نمادین و آئینی حماسی» وجود دارد که در فرایند انقلاب اسلامی به عنوان مجموعه‌ای از شعائر و آرمان های مقدس جهت حقانیت و مشروعیت حرکت و انکار و طرد مبانی هویتی رژیم پهلوی و اعتراض علیه آن به کار گرفته می شد. آموزه امامت و مهدویت از محوری ترین مفاهیم در شکل گیری نمادهای انقلاب اسلامی است که در آن با بهره گیری از نوعی تمثیل مذهبی، ماهیتی نمادین و تحرک آفرین به خود می گرفت.

هر ملتی ایام و روزهای خاص، سنت ها و مراسم های خاص را به عنوان نماد و سمبل همبستگی دارد این نمادها و سمبل ها از آن جهت که خود دارای روحی سیاسی و انقلابی هستند، عاملی برای بروز رفتارهای سیاسی بوده اند از سوی دیگر، مقابله با این نمادها و سمبل ها توسط هیأت حاکمه، موجب بروز واکنش هایی از سوی مردم شده است.

نمادها و الگوهای شیعه نقش مهمی در جریان تحولات انقلاب اسلامی داشته است در یک تقسیم بندی اولیه نمادها به دو بخش مادی و معنوی قابل تقسیم هستند. نمادهای مادی،

۱- رابرت دی، لی، انقلاب اسلامی و اصالت، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، فصلنامه حضور، دوره‌ی دوم، شماره نهم، ص ۹۷.

نمادهایی هستند که در عینیّت تاریخی – اجتماعی یک ملت قابل لمس و درک هستند و آن دسته از نمادها و سمبل هایی که از بار معنایی و مفهومی برخوردارنـد و به باز تولیـد یک گزاره خاص در ذهن جامعه می پردازنـد را نمادهای معنوی می نامند در این گفتار به مؤلفه های نمادهای مادی و معنوی در فراینـد شـکل گیری هویت انقلاب اسـلامی خواهیم پرداخت و به دقت آنان را مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

۲–۵–۳. نمادهای مادی

۱–۲–۵–۳. مساجد و تکایا

نقشـی که مساجد در جریان شـکل گیری انقلاب ایفا کردند از مشـخصه های هویت دینی در تکوین انقلاب اسـلامی به شمار می رود. مساجد یکی از کانون های مهم تجمع و تبادل پیام های انقلاب و عامل تعمیق جریان انقلاب محسوب می شدند.

در اسـلام مسـجد جایگاهی به وسعت یک مکتب جامع و زنده و موقعیتی به پهنهٔ آرمان های یک رسالت جهانی، و ظرفیتی به فراخی همه بشـریت، و مقامی به بلنـدای تکبیر و تسبیح خدا دارد. ملت مسـلمان ایران در جریان انقلاب اسـلامی، در یک سال قبـل و بعـد از پیروزی شـکوهمند انقلاب بـا تأکیـد رهبر انقلاب بر حضور فعـال در مساجـد، مساجـد را به حالت پرتحرّک و سرنوشت ساز دوران صـدر اسـلام بازگردانیـد و روحانیت مبارز در سـنگر محراب و منبر، به تبیین تفکر سیاسـی اسـلام و نشـر اهـداف نهضت افشـاگری در زمینـهٔ فجـایع رژیم سـتم شـاهی و آثـار شوم سـلطهٔ خارجی و توطئه های اسـتکبار جهانی به ویژه آمریکـا و صـهیونیسم پرداخت مساجـد در این مقطع زمـانی به مراکز نیرومنـد پشتیبانی انقلاب و سـتاد عملیاتی رهبران انقلاب اسلامی تبدیل شد.

در تکوین مادی انقلاب اسـلامی، نهادهایی چون مساجـد نقش سازماندهی نیروهای درگیر با رژیم را ایفا می کردند. مساجد، که یکی از تجلیّات فرهنگ اسلامی محسوب می

شونـد، در بقای اولیـهٔ آنها در صـدر اسـلام نیز، علاوه بر آن که به مثابهٔ کانونی برای عبادت محسوب می شدند، مرکز فعالیت هـای اجتمـاعی نیز به حساب می آمدنـد. از سوی دیگر، در حملات دشـمنان به جهان اسـلام نیز مساجـد از اولین کانون هایی بوده اند که مورد تخریب و هتک حرمت قرار گرفته اند.(۱)

مساجد در چند قرن اخیر، صرفاً کانونی در جهت عبادت تلقی می شده است. نهضت احیاگری حضرت امام خمینی (ره)، که موجب احیای مفاهیم، نمادها و تحلیل های اسلامی بود، موجب تحول در کارکرد دین و ایفای همان نقش های اصیل و اولیه... ای گردیـد که مساجد داشـتند. (کانون عبادت، آموزش، پایگاه قضایی و داوری منازعات، کانونی برای ارتباط جمعی و تبادل اخبـار و پایگـاه جهـاد و حرکت های انقلابی) امام راحل در این زمینه فرمودنـد: «مسـجد در صـدر اسـلام همیشه مرکز جنبش حرکت های اسـلامی بوده است. از مسـجد تبلیغات اسلامی شروع می شده است و از مسجد قوای اسلامی برای سرکوبی کفّار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام و همیشه در صدر اسلام، مسجد مرکز حرکات و جنبش ها بوده است.(۲)

بنابراین نقشـی که مساجد در شعله ور ساختن و گرم نگه داشتن تنور انقلاب تا پیروزی آن به عهده داشتند و تعرضی که رژیم به برخی مساجـد داشت که منجر به تعطیلی و بسـتن برخی حسـینیه ها و مساجد و حتی آتش زدن بعضـی از آنها گردید، نشان دهندهٔ تأثیر مساجد و تکایا و محمل های مادی در تکوین و شکل گیری انقلاب است.

۲-۲-۵-۳. حوزه های علمیه

سیاست تزویر و فریب، و حمله و گریز محافظه کارانهٔ رژیم شاه در برابر مرجعیت مقتدر و ذی نفوذی چون آیت الله بروجردی، مـانع از اجرای صـریح و سـریع برنـامه هـای از پیش تعیین شـده توسـط عوامـل کـاخ سـفید آمریکـا بود. در این زمان، امام که مرجعیت دینی و مسئولیت حوزه را بر عهدهٔ ایشان می دانست به تذکرات خصوصی به مقام مرجعیت و در حد پیام اکتفا

۱- عباس سعید رضوانی، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۳۵.

۲- امام خمینی، صحیفهٔ نور، ج ۱۸، ص ۲۷۶.

می نمود. پس از رحلت آیت الله بروجردی، رژیم به تصور این که فقدان ایشان موجب ضعف حوزهٔ علمیه و روحانیت شده، یورش همه جانبه‌ای را برای پیاده کردن منویات آمریکا آغاز نمود با وجود این که در خلأ ناشی از فقدان آیت الله بروجردی حوزه دچار مسائل و مشکلاتی شده بود، لکن یکه تازی رژیم در حقیقت جرقه ای بود که کانون آماده اشتعال نهضت را مشتعل نمود و همه قدرت و نفوذ و معنویت حوزه در فریادهای امام متجلی شد و نهضت حوزه به رهبری امام، چون خون در شریان ملت مسلمان به جریان افتاد.(۱)

حوزه با همه موجودیت خود، از مراجع تقلید گرفته تا اساتید و طلاب، پشت سر رهبری نهضت قرار گرفت و حمایت بی دریغ خود را بنابر رسالت خویش نثار نهضت کرد. سرکوب مکرر طلاب حوزه همچون جریان فیضیه، نتوانست در مقاومت دلیرانهٔ سربازان امام زمان (عج) خللی ایجاد کند و طلاب هر بار با صلابت بیشتر و فریادی رساتر به انجام رسالت خود در زمینهٔ رساندن آرمان های انقلاب اسلامی و پیام های رهبر انقلاب به مردم و افشای ماهیت ضد مردمی و وابستهٔ رژیم منحوس پهلوی، دست به تلاشی خستگی ناپذیر زدند و تا اعماق جغرافیایی کشور پیش تاختند و حماسه‌ها آفریدند.

۳-۲-۵-۳. شعارها و دیوارنوشته ها

هر انقلابی بر بیان خواسته های حقیقی و آرمانی خود از ابزارهای مختلفی چون اعلامیه، بیانیه، دیوار نوشته و مانند آن بهره می گیرد. شعار را می توان ابزاری برای بیان اهداف و خواسته های سلبی و ایجابی انقلابیون دانست شعار، منظومهٔ فکری توده های انقلابی است که از بن مایه های فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توده ها حکایت دارد و در آن، معانی و نمادها با هم پیوستگی عمیقی دارند.

شعارها، همواره برخاسته از باورها و آرمان های والای جامعه است. در یک جمع بندی و تجزیه و تحلیل می توان گفت: شعارهایی که در طول درگیری با رژیم ارائه می شد حکایت

۱- عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، نشر کتاب سیاسی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۷.

از ماهیت فکری انقلاب داشت. قریب به اتفاق شعارهای انقلابیون طی سال های شکل گیری انقلاب برخاسته از اسلام و مهم ترین خاستهٔ آنها ایجاد حکومت اسلامی و احیای دین بود یک تحلیل آماری که از دیوار نوشته های سال ۱۳۵۷ تهیه شده است نشان می دهد که از مجموع ۱۰۷۷ مورد، بیش از ۹۰ درصد شعارها در حمله به رژیم پیشین و کارگزاران آن، حمایت از امام، تایید اسلام، حکومت اسلامی، شهدای اسلام و تلاش در جهت وحدت مردم برای تداوم مبارزه است از ۱۰ درصد بقیه، ۸/۵ درصد شعارهای متفرقه است که محور خاصی ندارد و با این وصف، از سویی در جهت تخریب رژیم است.(۱)

شعارهای دوران انقلاب اسلامی نشان می دهد که این انقلاب به لحاظ ایدئولوژیک، مبتنی بر اسلام شیعی بوده است. زیرا در سامان دهی شعارها و نمادهای انقلاب، تشیع نقش برجسته‌ای ایفا نمود و فریادهای مردم حول محور آن بلند شده است و این نکته قابل توجهی است که شعارهای مردم در تظاهرات متعدد در استان ها، شهرستان ها و ایالات مختلف همه دارای صبغهٔ مذهبی و منبعث از الهامات فرهنگی شیعی بوده تا آنجا که یک همگونی بین این شعارها کاملاً ملموس است.(۲)

جان فوران در این باره می نویسد: در طول انقلاب واژه های دینی دارای اهمیت زیادی بودند یکی از راه های آشنایی با فرهنگ سیاسی انقلاب، بررسی شعارهای بی شماری است که در طول انقلاب سر داده می شد ... از جمله شعارهای اسلامی عبارت بودند از: «نهضت ما قرآنیه، کشور ما اسلامیه»، «سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن، حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله، ...».(۳)

با توجه به این مباحث و این که ایدئولوژی غالب و آن نظام معنایی که به جامعهٔ ایران در زمان وقوع انقلاب، شکل داد و باعث شد مردم در آن زمان از وضع موجود خود تعریف

ص:۱۰۶

۱- مهدی محسنیان راد، بررسی دیوار نوشته های دوران انقلاب، فصلنامه رسانه، ش ۴، زمستان ۱۳۶۹، ص ۲۴.

۲- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۹، انتشارات صدرا، ص ۱۲۵- ۱۱۶.

۳- جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، انتشارات رسا، تهران: ۱۳۷۷، ص ۵۷۶، ۵۷۵.

جدیدی ارائه دهند و خواست های خود را به نحو تازه‌ای بیان نمایند، ایدئولوژی تشیع بوده است.(۱)

۳-۵-۳. تأسیس انجمن ها و مؤسسات متاثر از فرهنگ مهدویت

۱-۳-۵-۳. تأسیس انجمن مخفی در بهمن سال ۱۲۸۲ هـ. ش:

یکی از بنیانگذاران این انجمن ذوالریاستین بود که اهداف این انجمن را چنین می گوید: «ما اولاً، انجمنی تأسیس کردیم به طور خفیّه و باید در این انجمن حق بگوییم و حق ظاهر کنیم ... و مفاسد ظلم را اظهار کنیم و خدمت به ملت و وطن و عالم اسلامیت کنیم.(۲)

ماده چهارم نظام نامه این انجمن، پذیرش حضرت مهدی (عج) به عنوان تنها حامی حقیقی جامعه ذکر شده است. متن ماده چهارم نظام نامه انجمن به این شرح است: « اشخاصی که در این انجمن پذیرفته می شوند ... همه به ظهور حضرت مهدی (عج)، در آخر الزمان قائلند. از این جهت این انجمن در تحت اسم مبارك آن حضرت است.(۳)

۲-۳-۵-۳. تشکیل گروهی به نام مهدیون

طراحان این سازمان، مهدی و محمد امیر شاکری و حسین جان زینلی و علی اکبر نبوی نوری بودند که طرح تشکیل سازمان مهدیون را پی ریزی کردند.

یکی از این بنیانگذاران بنام مهدی امیر شاکری «دارای بینش صد در صد اسلامی بر پایه تشیع علوی بود و تمام شناخت خود را از روی واقع بینی به دست می آورد نه ذهن گرایی».(۴)

او با توجه به این که جامعه درك صحیحی از امام زمان (عج) نداشت مسأله اصلی تشیع یعنی امامت را مطرح کرد و ثانیاً به علت این که پیروزی نهایی با ظهور امام زمان محقق می

۱- یحیی فوزی، عوامل ارادی مؤثر بر رخداد انقلاب اسلامی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۲۵، ص ۱۰۶.

۲- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ج ۳-۱، ص ۲۸۳.

۳- پیشین، ص ۲۸۷.

۴- علی دوانی، پیشین، ج ۶-۵، ص ۴۹۹.

شود و حق بر باطل غالب می شود نام سازمان خود را مهدیون نهاد. لذا معتقد بود که هیچ انقلابی نتوانسته و نخواهد توانست به تمـام خواسـته هـای به حق مردم جامه عمل بپوشانـد و در حقیقت هر انقلابی به طور نسبی انقلابی است و انقلاب واقعی را، همان امام زمان (ع) خواهد کرد.»(۱)

بر اساس این اعتقاد، سازمان مهـدیون، برای رسـیدن به انقلاب مهدی (ع) باید زمینهٔ این انقلاب جهانی را درست کند و آن با از بین بردن مظاهر باطل و فساد محقق می شود بر این اساس این گروه، عضوهای خود را سربازان امام زمان (عج) می دانستند.

۳-۳-۵-۳. فدائیان اسلام

تشـکیل گروه فدائیان اسلام به رهبری شهید نوّاب صفوی نیز، به نوعی ملهم و متأثر از اعتقاد به امام زمان (عج) بوده است چرا که در اعلامیه این گروه آمـده «که درود بی پایـان و تحیت و سـلام سوزان مـا به آخرین وصـی گرامیش اعلیحضـرت پادشـاه غـائب جهـان وجود مقـدس امـام زمان که مقـدم مبارکش به یاری خـدا، نزدیک و در پناه مهر پرچم مقدسـش فتـح و پیروزی فدائیان اسلام قطعی و محتوم باد.(۲)

لـذا در سـایه فرهنـگ مهـدویت، حرکـت چریکی گروه فـدائیان اسـلام جهت بهسـازی و اصـلاح جـامعه آغـاز شـد و یکی از دستاوردهای این گروه قتل احمد کسروی بود که در نوشته هایش به ساحت مقدس امام زمان (عج) توهین می کرد.

۴-۳-۵-۳. نامه ها و تلگراف های متأثر از آموزه مهدویت

پایـداری و پـایمردی مردم ایران در صـحنهٔ مبـارزه بـا رژیم شـاه همـواره در نـامه هـا و سـخنرانی هـا، معلوم و روشن است این استواری مردم و انگیزه مضاعف در پرتو اعتقاد به امام عصر (ع) ظاهر بود.

ص:۱۰۸

۱- علی دوانی، پیشین، ص ۵۰۰.

۲- علی دوانی، پیشین، ج ۲-۱، ص ۴۵۲.

- نامه ای که فضـلاء یزدی مقیم قم به آیت الله خمینی نوشـتند ضمن ابراز خوشحالی از انتقال معظم له به عراق و نجف اشرف و ابراز نگرانی از عـدم حضور امام در قم می نویسـند: «امیـدواریم ... با رهبری های خردمنـدانه آن زعیم عالی قـدر و توجهات حضرت ولی عصر ارواحناه فداه دست اجانب کوتاه و استقلال ملت و مملکت در پرتو تعالیم قرآن محفوظ بماند.(۱)

- در پی تبعید امام در روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به خارج از ایران، اعلامیه های مختلفی منتشـر شد، از جمله اعلامیه آیت الله مرعشی نجفی که در قسـمت پایانی اعلامیه آمده است: «ما بدین وسـیله مراتب انزجار و تنفر خود و جامعه روحانیت و عموم مسـلمانان را ابراز نموده و به یاری حضرت ولی عصر (عج) عظمت اسلام و مسلمین را از خداوند متعال خواستاریم».(۲)

- در پی اعـدام محمـد بخـارایی، روحـانیت مجاهـد واکنش نشان دادنـد که در این نامه ضـمن محکوم کردن این اقـدام رژیم طـاغوت، اعلاـم می دارنـد که هر نوع برخورد و ضـدیت بـا گروه انقلاـبی و مجاهـد برخلاـف دسـتور امام زمان است و باعث جریحه دار شـدن قلب مقدس حضـرت می گردد. بر این اساس حرکت های انقلابی و جنبش های آزادی خواه اسـلامی که به برپایی حق و عـدالت دعوت می کند در سایه خدمت به امام زمان و آماده کردن مقدمات ظهور حضـرت است در این اعلامیه روحـانیت مجاهـد، آمـده «دسـتگاهی که به ... خود اجازه داده که در جبهه مقابل دین و مردم متـدین و آزاده و مصـلح صـف آرایی نموده ... اخیراً بـا اعـدام چنـد تن از مسـلمانان مبارز و غیور و محکوم ساختن چنـد تن دیگر قلب مقـدس حضـرت ولی عصر ارواحنا فداه را جریحه دار نموده است».(۳)

ص:۱۰۹

۱- علی دوانی، پیشین، ص ۱۶۴.

۲- پیشین، ص ۳۸.

۳- علی دوانی، پیشین، ج ۶-۵، ص ۱۲۲.

– در پی تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، اکثر علماء و بزرگان به اعتراض این لایحه برآمدند، به خاطر وجود دستوراتی که برخلاف شرع و اسلام بود. آیت الله گلپایگانی از مراجع آن وقت، تلگرافی به نخست وزیر وقت (عَلَم) زدند و اعلام کردند که اکثر قریب به اتفاق مردم ایران، به اصول اسلامی و استقلال مملکت خود علاقه مند هستند و دین مبین اسلام باید در این کشور باقی بماند و در سایه لطف و عنایات امام زمان باقی خواهد ماند. «دین مبین اسلام و ملت مسلمان و مملکت ایران باید باقی بماند و با عنایت الهیه و توجهات حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفداء باقی خواهد ماند.»(۱)

– همچنین آیت الله میلانی در واکنش به لایحهٔ انجمن های ایالتی و ولایتی خواستار بازگشت این لایحه شدند و فرمودند: «وظیفه خود می دانم با استمداد از حضرت بقیهٔ الله ارواحناه فداه، برای سومین بار صریحاً اعلام بدارم، تصویب نامه دولت شما، در مورد انجمن های ایالتی و ولایتی با عدم رعایت شرط اسلام در انتخاب شوندگان و تبدیل قسم به قرآن مجید، به قسم به کتاب آسمانی، ملت مسلمان ایران و خاصه علمای اعلام را بی نهایت خشمگین ساخته است».(۲) این حرکت رژیم که کشور را به سوی غیر اسلامیت می برد با واکنش علماء و استمداد از امام زمان خنثی شد و این مصوبه لغو گردید.

آیت الله خوانساری در یک اعلامیه شدید اللحنی نسبت به مسأله رفراندوم، فتوا دادند که «کلیه تصویب نامه هایی که برخلاف شرع مقدس باشد حرام و شرکت در رفراندوم، شرکت در امر حرام است و در حکم مبارزه با امام زمان است. همچنین علماء شرکت در انتخابات مجلس بیست و یکم را تحریم کردند، از جمله آیت الله سید عبدالله شیرازی که با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد «اقدام در

ص:۱۱۰

۱– پیشین، ج ۴–۳، ص ۹۴.

۲– روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ۱۳۴۳– ۱۳۴۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۴۹.

– انتخابات و شرکت در مجلسین بر عموم اهالی ایران حرام در حکم محاربه با صاحب شرع مقدس و حضرت ولی عصر می باشد.(۱)

– بنابراین هم حرکت های اصلاحی مردم ایران و هم پیروزی در این حرکت ها و جنبش های مردمی در سایه انتظار امام زمان (عج) و استمداد از آن بزرگوار بوده است.

– پس از ماجرای انقلاب شاه و مردم، چون نزدیک به ایام عید نوروز سال ۴۲ بود، امام خمینی اعلامیه ای صادر کردند مبنی بر تحریم عید نوروز و تبدیل عید به عزا و مردم را به عزاداری جهت تسلیت به امام زمان (ع) دعوت کردند و با این استراتژی، غیرت دینی مردم را به فعلیّت رساندند و ضربهٔ سنگینی به رژیم پهلوی وارد ساختند.

در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: «چنان که اطلاع داریم دستگاه حاکمه می خواهد با تمام کوشش به هدم احکام ضروریه اسلام قیام و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می اندازد لذا اینجانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر (ع) جلوس می کنم».(۲)

همچنین حضرت امام خمینی در اعلامیه ای که به مناسبت چهلم فاجعه مدرسه فیضیه صادر کردند نوشتند که «باید به پیغمبر اسلام (ص) و امام عصر (عج) عرض تسلیت کرد ما به خاطر آن بزرگواران سیلی خوردیم و جوانان خود را از دست دادیم.(۳)

در پی فاجعه دردناک مدرسه فیضیه و آنچه در ایران رخ داد، علماء به تفصیل برای آیت الله خویی نامه ای نوشتند و اوضاع ایران را تشریح کردند ایشان در جواب نکاتی را متذکر شدند از جمله این که برای حفظ دین و قرآن باید خون هایی

۱– روح الله حسینیان، پیشین، ص ۴۱۸.

۲– روح الله حسینیان، پیشین، ج ۴–۳، ص ۲۲۱.

۳– پیشین، ج ۴–۳، ص ۳۱۱.

- پـای درخت اسـلام ریخته شود و اینک افتخار بنـده این است که خون خویش برای سـلامتی اسـلام ریخته شود و مورد قبول امام زمان (ع) واقع شود. و قبول درگاه امام زمان (عج) را نهایت خوشوقتی و سـعادت می دانم لذا فرمودند: «من نیز خون خود را در این راه اهدا می کنم و بزرگترین افتخار من آن است که این هدیه برای سلامتی دین مقدس اسلام و برای محفوظ ماندن قرآن مجیـد ... قرار گیرد، نهایت خوشوقتی آنجاست که این هدیه در پیشـگاه حضـرت بقیهٔ الله ارواحناه الفداء مورد قبول واقع گردد».(۱)

- در پی بازداشت امام خمینی در ۱۵ خرداد سال ۴۲، اعلامیه هایی از سوی مراجع و علماء صادر گردیـد. از جمله این اعلامیه ها، اعلامیه ای بود که از سوی علمای آذربایجان صادر شد. در این اعلامیه تکیه گاه مبارزان را وجود مقدس امام زمان دانسته و خاطر نشان کرد «تکیه گاه همه، قدرت لایزال الهی در تحت سرپرستی حضرت مهدی موعود (عج) ... می باشد».(۲)

۵-۳-۵-۳. نمادهای معنوی

۶-۳-۵-۳. نهضت عاشورا

نمادهای معنوی – دینی نشانه همبستگی جامعه محسوب می شوند، تاسوعا، عاشورا و اعیاد اسلامی از جملهٔ این نمادها هستند. رژیـم پیشـین سـعی در جـایگزین سـاختن روزهـایی چـون جشن تاجگـذاری به جـای این نمادهـای ریشه دار دینی در فرهنگ ایرانیان بود. نمادهای اسـلامی از دیگر شاخص هایی است که بیانگر نقش اسـلام در تکوین انقلاب است بزرگترین اعتراضات مردمی در طول انقلاب در تاسوعا و عاشورای حسینی شکل گرفته است قیام ۱۵ خرداد نیز

۱- پیشین، ج ۴-۳، ص ۳۰۸.

۲- پیشین، ج ۴-۳، ص ۴۱۸ – ۴۱۷.

مصادف با ایام عاشورا بود در سال ۱۳۵۷ بیش از دو میلیون نفر در تهران در راهپیمایی این روز شرکت کردند که موجب شگفتی ناظران خارجی شد.(۱)

برگزاری مراسم یادبود برای شهداء از دیگر نمادهای دینی است که موجب تداوم حرکت انقلاب شد این کار از سال ۱۳۵۶ شروع گردید. یک نویسندهٔ خارجی در این زمینه می نویسد: «برگزاری مراسم چهلم از بهترین نمونه های استفاده از سنت های شیعی در جهت اهداف سیاسی بود.(۲)

حضرت امام خمینی با توجه به نقشی که محرم و صفر در تکوین و تداوم انقلاب داشت بر حفظ سنت های آن تأکید فراوانی داشتند و آن را ضامن حفظ و تداوم انقلاب می شمردند.(۳)

حمید عنایت نیز در این زمینه می نویسد: «امام خمینی شاید بیش از هر متأله شیعه، که دارای منزلتی قابل قیاس با وی باشد، خاطرهٔ کربلا را با احساس جاری از ضرورت سیاسی به کار گرفت.(۴)

یکی از مهم ترین نمادهای معنوی شیعه، نهضت عاشورا و ایام محرم و صفر و مراسم عزاداری و سوگواری برای ائمه (ع) است. عاشورا به این دلیل که تنها واقعه ای است که طی آن یکی از ائمه معصوم همراه با یاران و بسیاری از اهل بینش به شکلی خاص و منحصر به فرد، که برانگیزانندهٔ احساس و عواطف انسانی است، به شهادت می رسند، جایگاهی ویژه و نمادین در فرهنگ تشیع دارد و منشأ بسیاری از قیام ها و حرکت های انقلابی و خونین در تاریخ شیعه محسوب می شود. تأکیدها و سفارش های ائمه بر بزرگداشت یاد و خاطره حادثه عاشورا، موجب گسترش فرهنگ عاشورا در میان شیعیان شده است.

نهضت عاشورا به عنوان یکی از عوامل گسترش ایدئولوژی شیعه در بین مردم بوده است. به طور مثال می توان به حضور روحانیون در ایام محرم و صفر در شهرها و روستاها اشاره

۱- کلربرید و پیربلانشر، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، سحاب، ۱۳۵۷، ص ۴۱.

۲- نیکی. آر.کدی، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹، ص ۲۴۳.

۳- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

۴- حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۵.

کرد که در این گونه مراسم ها همواره بر مسائل سیاسی – اجتماعی ایران تأکید داشتند و مردم را نسبت به انقلاب و جریانات روز، آگاه می کردند و با روشنگری مردم نسبت به اقدامات ضد دینی رژیم و تأکید بر این که مسئله انقلاب یک مسئله مذهبی و دینی است، احساسات و عواطف مذهبی مردم رانسبت به مسائل موجود تحریک می کردند با این کار، عملاً ایدئولوژی انقلاب، اسلام و اعتقادات شیعی شد. سخنرانی امام در محرم سال ۱۳۴۲ نیز که به مناسبت ماه محرم برگزار شده بود، موجب گسترش و نشر این ایدئولوژی در بین توده ها شد این سخنرانی منجر به دستگیری امام شد، زمینه یکی از مهم ترین حرکت های مردم بر ضد رژیم را فراهم کرد و قیام خونین ۱۵ خرداد را به وجود آورد که بسیاری از صاحب نظران مبدأ انقلاب اسلامی را این نهضت و قیام خونین می دانند.(۱)

در تظاهرات عاشورای سال ۱۳۵۷ بیشتر مردم تهران در خیابان ها بوده و شعار «مرگ بر شاه» را فریاد می زدند.

۷-۳-۵-۳. اربعین

اربعین یکی دیگر از سنت ها و نمادهای مهم معنوی شیعه است بزرگداشت مراسم اربعین برای گذشتگان و شهدا و بارزترین آن بزرگداشت اربعین شهادت امام حسین (ع) و یاران ایشان است اربعین یکی از مهم ترین سمبل ها و نمادهای شیعه در انقلاب اسلامی ایران است که در پیشبرد انقلاب و گسترش ایدئولوژی شیعه نقش بسزایی داشته است. از آنجا که در بین شیعیان مرسوم است برای گذشتگان از دنیا، مراسم هفتم و چهلم می گیرند در طول جریان نهضت اسلامی نیز برای شهدای انقلاب مراسم هفتم و اربعین برگزار می شد. از آنجا که این گونه مراسم ها برای تجلیل از شهدای راه انقلاب بود عموماً این مجالس نیز محلی برای صحبت و گفتگو پیرامون مسائل انقلاب و روشنگری مردم بود همچنین اجرای برخی برنامه ها در مراسم اربعین حسینی نیز نمونه ای از این موارد است بسیاری از مراسم های اربعین، که برای

۱- محمد حسن رجبی، زندگانی سیاسی امام خمینی، ج چهارم، قبله، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۹۲.

شهـدای انقلاب گرفته می شـد به راهپیمایی و حرکت های انقلابی ضد رژیم منجر می شد. از مهم ترین این مراسم ها، اربعین های پی درپی شهدای ۱۹ دی قم، تبریز، کرمان و ... بود که در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد.

۸-۳-۵-۳. نیمه شعبان

یکی دیگر از نمادهای معنوی شیعه که جزو عناصر فعال فرهنگ سیاسی آن محسوب می شود مراسـمات نیمه شعبان و میلاد منجی عـالم بشریت است. این مراسم از یک سو به جهت برگزاری اجتماعات و مراسم خاص، موجب تحریک مردم و تقویت روح انقلابی گری و احساس توان مقابله بـا قـدرت حـاکمه و وحـدت آنهـا می شود و از سوی دیگر، مقابله با برگزاری این مراسم‌هـا و توهین به این نمـاد و سـمبل توسـط حکومت، عـاملی برای انقلاب و واکنش مردم نسبت به قـدرت سیاسـی حاکم است.

در دوران تبعید امام خمینی گویندگان مذهبی به هر مناسـبت بر آن بودند تا نهضت را زنده نگاه دارند مسـجد جلیلی تهران به امامت آیت الله محمدرضا مهدوی کنی یکی از کانون های فعال و مهم انقلاب در برپایی مراسم هایی با این رویکرد، پیشگام بود. در ۱۴ و ۱۵ شعبان جمعه و شنبه ۲۶ و ۲۷ آبان سال ۱۳۴۶ مراسم با شکوهی در این مسجد منعقد گردید سخنران مراسم های فوق شـهید محلاتی، اعتماد زاده و مرحوم محمدتقی فلسـفی واعظ شـهیر، مرحوم محمد تقی شـریعتی، پدر دکتر شریعتی بودند.

رژیم پهلوی در بزرگترین اشـتباه خود که آخرین اشتباه هم بود در عکس العمل به مقبولیت و محبوبیت روز افزون امام خمینی با انتشار مقاله «ایران استعمار سرخ و سیاه» در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات مرتکب شد اهانت به امام اولین بازتاب را در قم و دو روز بعد با قیام ۱۹ دی ماه به جای گذاشت.

مردم غیور تبریز در چهلم شهدای قیام ۱۹ دی قم حماسه ای دیگر آفریدند. قیام ۲۹ بهمن تبریز در حمایت از نهضت اسلامی و رهبری آن، امام خمینی بود که دامنه اعتراض را به

ص:۱۱۵

سراسر ایران کشاند در اسفند سال ۱۳۵۶ رژیم اشغالگر قدس جنوب لبنان را مورد تعرض قرار داد که به شهادت عده زیادی از شیعیان منجر شد این واقعه نیز همچون حوادث نهضت، مورد توجه مبارزان قرار گرفت.(۱)

سالگرد قیام ۱۵ خرداد نیز یادآور قتل عام مردم تهران، قم و ورامین مناسبت دیگری بود که اعتراض مردم علیه حکومت را گسترش دهد.

اندک اندک ماه شعبان نزدیک می شد از اواخر سال ۱۳۵۶ هر روز ایران شاهد جنایت جدیدی از سوی رژیم پهلوی بود. کشتار مردم قم، تبریز، یزد، جهرم، اهواز ... ایران را در اندوه و ماتم فرو برده بود. امام خمینی که رهبری نهضت اسلامی را بر عهده داشت در یک اقدام بی‌سابقه با صدور اعلامیه‌ای برگزاری مراسم جشن در ماه شعبان را در اعتراض به جنایات رژیم تحریم کرده، اعلامیه به سرعت در سراسر ایران تکثیر و توزیع شد.

بخشی از پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت جشن‌های سوم و پانزدهم شعبان ۱۳۵۶.

«بسم الله الرحمن الرحیم کراراً از ایران نظر اینجانب را دربارهٔ مراسمی که به عنوان جشن‌های سوم و پانزدهم شعبان برپا می... شد، خواسته‌اند. مع‌الوصف رژیم منحط، برای مسلمین ایران عیدی نگذاشته است. دست شاه تا مرفق به خون ملت ایران فرو رفته و در حال حاضر ملت عزیز در عزای عزیزان خود نشسته، چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند. شادمانی بر روی اجساد به خون خفتهٔ فرزندان اسلام، شادمانی در برابر افراد شریفی که در سیاه چال های زندان زیر سخت ترین شکنجه های جهنمی دژخیمان به سر می برند، شادمانی در مقابل تبعیدیانی که برخلاف تمام موازین انسانی و قانونی از اوطان خود بیرون رانده شده اند، ما که هنوز مادرهای داغدار جوانانمان سیاه پوشند، ما که هنوز شاهد صدمات جانکاه شاه به اسلام بزرگ و کشور اسلامی هستیم جشنی نداریم. ما روزی را عید می

۱- ر.ک.به: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات با همکاری سروش، چ ۱۳۷۶، ص ۱۲.

گیریم که اد ظلم و ظالم را منهدم کنیم و دست دودمان ستمکار پهلوی را از کشور قطع نماییم و آن روز انشاءالله تعالی نزدیک است و روز عید اسلامی است و عید ولی عصر (عج).

اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ملت ما عزا شده است بدون هیچ گونه تشریفات که نشانگر عید و شادمانی باشد در تمام ایران در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ، اجتماعات عظیم به پا کنند».(۱)

تحریم برگزاری اعیاد شعبان، حکایت از عمق فجایع رژیم پهلوی داشت.

۹-۳-۵-۳. امدادهای غیبی (و عنایات حضرت ولی عصر به انقلاب اسلامی)

امام خمینی قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به بعد را قیام الهی دانستند و دست عنایت امام زمان را پشتیبان این قیام خواندند و فرمودند: «ما در این نهضت، منت از خدا و امام عصر می‌کشیم. ما منت از خدای تبارک و تعالی می‌کشیم، ما منت از ولی عصر می‌کشیم که پشتیبانی از ما فرمودند.(۲)

و در پیام دیگری هم که امام در تاریخ ۱۹/۱۲/۵۷ به ملت ایران داشتند، پیروزی انقلاب را بر قدرت‌های شیطانی در سایه اعتماد به حضرت صاحب الزمان دانسته و فرمودند: «الحق به همت والای این ملت رنجیده بود که با اتکال به قدرت لایزال الهی و اعتماد به ولی عصر (عج) پیروزی بر قدرت‌های شیطانی حاصل شد».(۳)

همچنین می‌فرمایند: «شما می‌دانید که این پیروزی، بدست آمده است، لکن این، من نبودم که این پیروزی را به دست آوردید به واسطه من. این خدای تبارک و تعالی، در سایه امام زمان (عج) ما را پیروز کرد ... ».(۴)

۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده امام خمینی، شماره بازیابی ۸۹۸، سند شماره ۶۵.

۲- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۵۷۳.

۳- پیشین، ج ۳، ص ۳۵۶.

۴- پیشین، ج ۴، ص ۲۳.

و خلاصه این که این اتحاد و یکپارچگی ملت همه در سایه عنایات امام زمان (ع) بود چنان‌چه خود امام در تاریخ ۲۹/۱/۵۸ فرمودند: «من در پاریس که بودم و می‌شنیدم ... همه با هم متحد شدند و یک کلمه می‌گویند و آن این که سلسله پهلوی نه، جمهوری اسلامی آری، من آنجا این طور فهمیدم که این دست دست غیب است ... دست غیبی در کار است. خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان (عج).»(۱) و اینکه در فاصله دو روز بعد از پیروزی انقلاب، امام خمینی، ملت ایران را سربازان امام زمان خواندند و فرمودند: «اهالی محترم ایران، جنود اسلامی ولی امر (عج)! ...»(۲)

همه، حاکی از عنایات خاصه امام زمان به این کشور بوده که اعتقاد مردم به انتظار امام زمان ارواحناه فداه موجب حرکت‌هایی جهت نفی ظلم و ستم در مردم پدید آورد و در نتیجه منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید.

۱۰-۳-۵-۳. حکومت پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)

حکومتی که پیامبر اکرم (ص) تشکیل دادند نشان دهنده این واقعیت است که دین از سیاست جدا نیست و حکومت ایشان همیشه نماد و نمونهٔ الگوی عملی در پیش روی مسلمانان و شیعیان بوده است.

همچنین شیعه ارزش و حرمت خاصی برای دوران طلایی حکومت امام علی (ع) قائل است و یکی از نمادها و الگوهای برجستهٔ جامعه اسلامی محسوب می شود. شکاف طبقاتی عمیقی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) در دوره خلفا به علت بی عدالتی و تبعیض و عدم رعایت مساوات به وجود آمده بود. امیرمؤمنان امام علی (ع) حکمتی را بر پایهٔ عدل و قسط برپا کرد و با پافشاری بر آن جان خود را از دست داد. حکومت امام علی (ع) به عنوان نماد عدالت خواهی و دادگستری نقش مهمی در تاریخ و تحولات جوامع مسلمان شیعی مذهب داشته است».

۱- پیشین، ج ۳، ص ۵۷۳.

۲- پیشین، ج ۳، ص ۳۷۵.

۱۱-۳-۵-۳. دولت کریمه امام زمان (عج)

یکی از نمادهای اصلی تفکر شیعی که شیعه را در طول تاریخ حیات خود امیدوار و چشم به راه عدالت نگاه داشته، اعتقاد به تشکیل حکومت جهانی امام مهدی (عج) است. بر اساس اعتقادات شیعی، تشکیل دولت مستضعفان و تحقق بخشیدن به آرمان والا ـ و الهی حکومت فرزانگان در عالم، وعده مسلم الهی است. قرآن شریف می فرماید: «وَعدَالله الَّذینَ آمَنوُا و عَملوا الصالِحات لِیستخلِفَنَّهُم فی الارض ...».(۱)خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده که به یقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند.

تمام ادیان آسمانی به پیروان خود عصر درخشان و سعادت عمومی، آینده مشعشع و صلح جهانی و دوران پرخیر و برکت را نوید داده‌اند که در آن نگرانی‌ها، دلهره‌ها و هراس‌ها مرتفع شود و به یمن ظهور شخصی بزرگ و مردی آسمانی جهان پر از عدل می شود. این موعود عزیز بر حسب استوارترین و صحیح ترین مصادر اسلامی، خلیفه دوازدهم حضرت محمد (ص) و دوازدهمین رهبر و امام بعد از آن حضرت است. اسلام به عنوان اکمل و خاتم ادیان آسمانی به مسئلهٔ مهدی موعود و دولت کریمه ایشان که یکی نمادهای روشن در تفکر اسلامی شیعی است اهمیت خاصی قائل است و بیشتر از ادیان و مذاهب دیگر به تبیین حدود و ثغور دولت بخشایش گر مهدوی پرداخته است.(۲)

۶-۳- جمع بندی

در این فصل پس از نگاهی گذرا به چیستی هویت و هویت دینی انقلاب، هویت انقلاب اسلامی ایران را در سه حوزهٔ باورها، رفتارها و نمادها تعریف کرده و در سه گفتار به تحلیل عناصر و مؤلفه‌های این سه حوزهٔ هویتی انقلاب اسلامی پرداخته‌ایم.

۱- قرآن مجید، سوره نور، آیه ۵۵.

۲- عبدالمحسن العباد – و ابوالاعلی مودودی، مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۷۶.

در گفتار اول باورهای انقلاب اسلامی که همان عقائد برگرفته از گفتمان اسلام شیعی است را برشمردیم و مؤلفه‌هایی چون: امامت، ولایت، اجتهاد، نفی سلطه، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، شهادت و فرهنگ شهادت طلبی، جهاد، انتظار فرج، ولایت فقیه، نظریه غیبت امام و مشروعیت مرجعیت و رابطه ولایی مردم و مرجعیت را برشمردیم.

در گفتار دوم این فصل به تحلیل هویت انقلاب اسلامی در بعد رفتارها اعم از رفتار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداختیم و مؤلفه‌ها و عناصر هر یک را توضیح دادیم.

و در گفتار سوم نیز به شعائر و نمادهای انقلاب اسلامی که به دو بعد مادی و معنوی تقسیم کردیم پرداخته و مواردی همچون مساجد و تکایا، حوزه‌های علمیه، شعارها و دیوار نوشته‌ها، تأسیس انجمن‌ها و مؤسسات (انجمن مخفی، گروه مهدیون، فدائیان اسلام)، نامه ها و تلگراف‌ها را از مصادیق نمادهای مادی انقلاب و مواردی همچون، نهضت عاشورا، اربعین، نیمه شعبان، امدادهای غیبی، حکومت پیامبر اکرم (ص)، امام (ع) و حکومت جهانی مهدویت از مصادیق نمادهای معنوی انقلاب برشمردیم.

بنابراین هویت شکل گیری انقلاب اسلامی ایران که یک انقلاب دینی بود را در باورها، رفتارها و نمادهای آن تحلیل کردیم و در فصل بعد به چگونگی تحولات مفاهیم و گزاره‌های شیعی در ادبیات و اندیشه امام می‌پردازیم و کیفیت بازخوانی انقلاب اسلامی ایران را با تأکید بر آموزه مهدویت و چارچوب نظری تحول باطنی مردم به بحث می‌نشینیم.

فصل چهارم: تأثیرگذاری آموزه مهدویت بر انقلاب اسلامی

اشاره

ص:۱۲۱

۱-۴- مقدمه

یکی از عمـده‌ترین علـل بروز انقلاب اسـلامی، تضاد اساسـی و ماهوی «ذهنیت» و باورهای مـذهبی و شیعی مردم با ذهنیت و عینیّت حاکم بر نظام سیاسـی پهلوی بود که موجب بروز تضاد و اختلاف بین ساختار اجتماعی و ساختار سیاسـی می‌شد.اسـلام شیعی بـا تکیه بر مبـانی هویت‌ساز شـیعه، بالأخص آموزه کلیـدی و استراتژیک مهـدویت، در واقع زمینه‌ی بروز انقلابی بر پایه نوعی رویکرد جمعی به مـذهب را پی‌ریزی نمود که نشانگر اعتقاد عمیق مردم جامعه به مبانی مـذهب شیعه و آموزه مهدویت بود.گفتمان اسلام‌گرا با وجود دو گفتمان چپ و ملی‌گرا در صحنه رقابت سیاسی ایران معاصر، گوی سبقت را از آنان ربود و همین خصـلت است که انقلاب اسـلامی را در میان سایر انقلاب های عصـر حاضـر (انقلاب های مارکسیستی و ...) ممتاز می نمایـد. مـذهب شیعه بـا محتوای فکری نظـام‌منـد و مجموعه منطقی باورهای خویش توانست خویشـتن را به عنوان یک نیروی معترض و معـارض علیه ظلم و جور مطرح کنـد.در این فصـل ابتـدا نگارنـده بعـد از تحلیل نظام ارزشـی اسـلام مبتنی بر آموزه مهـدویت که بن مایهٔ اصلی تفکر اعتقادی شـیعه و انقلاب اسـلامی است در گفتار اول به نقش رهبری امام خمینی در هدایت ملت ایران به سـمت انقلاب اسلامی پرداخته و تفسیر جـامع ایشـان به عنوان ایـدئولوگ انقلاب، از باورها رفتارها و نمادهای مذهب شـیعه را مورد ارزیابی قرار داده ایم در گفتار دوم خوانش ایجابی امام خمینی (ره) از آموزه مهدویت و انتظار فرج، که در شـکل گیری انقلاب اسـلامی تـأثیر بسزایی داشت را مـورد بررسـی قرار خواهیم داد. ایشـان به عنوان طراح و معمـار بنـای انقلاب، نقش اساسـی و مهمی در شـکل گیری انقلاب اسلامی داشته است و بر اساس اعتقادات و باورهای مذهبی، سخنرانی، اطلاعیه ها و فعالیت های فرهنگی و سیاسـی و با تفسـیر نوینی که از برخی آموزه های مـذهب تشـیع ارائه دادنـد وجهٔ انقلابی تشیع را زنده کردند و با ارائه اندیشه سیاسی جایگزین، انقلاب را مدیریت کردند.

ص:۱۲۲

۲-۴- نظام ارزشی اسلام مبتنی بر آموزه مهدویت

اسلام مبتنی بر یک نظام ارزشی است. در این نظام ارزشی، ویژگی ها و مشخصه های جامعه سیاسی آرمانی عرضه شده است. رهبران دینی بر اساس نظام ارزشی دین، شیوه ها و راهکارهای عملی دگرگون سازی جامعه در جهت دستیابی به جامعه آرمانی را ارائه می دهند اسلام در کارپردازی روش ها و شیوه ها، در مقایسه با سایر مکاتب، ملاک ها و معیارهای ویژه‌ای دارد که با آنچه امروزه در جهان متداول است، متفاوت می باشد. حرکت در چارچوب اسلام و حاکمیت اخلاق و این که اسلام استفاده از هر وسیله در جهت دستیابی به هدف را مجاز نمی شمرد از خطوط کلی حاکم بر این شیوه هاست.

تاریخ سراسر مبارزهٔ شیعه، الهام بخش جامعهٔ ایرانی در خلق انقلاب اسلامی بود. ارائه درک صحیح، دقیق و سازنده از تاریخ اسلام و تحول، موجب دگرگونی فکر و اندیشهٔ مردم است. به اعتقاد شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر (ره) محرک اصلی دگرگونی های اجتماعی ارادهٔ انسانی است. نیز عامل اصلی ایجاد انقلاب در ایران، روح حاکم بر تفکر و جهان بینی اسلامی بود. پیش از ایجاد انقلاب جمعی در عرصهٔ اجتماع، انقلاب فردی در درون رخ می دهد.(۱)

به فرمودهٔ قرآن شریف: مردم و جامعه تغییر نمی کنند مگر آنکه یکایک افراد تغییر و تحول یابند «اِنّ الله لا یُغیّر ما بقوم حتّی یُغیّروا ما بأنفسهم»(۲).

از آنجا که در جهت ایجاد انقلاب در اندیشه، باید در جهان بینی و وضعیت روحی جامعه تحول ایجاد شود مبانی اعتقادی اسلام بخصوص عناصر اصلی تشیع در جهت دهی افکار ایرانیان به سمت خلق انقلاب، نقش آفرینی ویژه‌ای داشته است.

۱- سید محمد باقر صدر، سنت های تاریخی در قرآن، جلا الدین فارسی، فلسفهٔ انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۳۵۰.

۲- قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۱.

نظام اعتقادی اسلام نقش مهمی در موضع گیری انسان در عرصهٔ اجتماع دارد هر چه اعتقادات و باورهای جامعه از استحکام منطقی بیشتری برخوردار باشد نقش فعال تری در مواجهه با مشکلات و مصایب ایفا می کند، روح حقیقی توحید، نفی فراعنه و طواغیت را در پی دارد و در رویارویی و مبارزه با شرک و ظلم، قدرت مقاومت و پایداری می دهد.

یکی از تحلیل گران خارجی انقلاب اسلامی بر این باور است که عقاید تشیع به گونه‌ای است که عناصر مبارزاتی و نیروی انقلابی به نحو چشمگیری در آن وجود دارد و مقاومت علیه مقتدرترین ظالم ها را توجیه می کند.(۱)

درک جنبش های اجتماعی اعتراض آمیز، به ویژه زمانی که رهبران فرهمند (charismatic) لایه بندیهای نظام را با توسل به یک رشته ارزش های عقیدتی دگرگون می سازند، از طریق بررسی ساختارها، رفتارها، ارزش ها، نمادها و ارزش های فرهنگی به مقولات ساده تری تبدیل می گردد.

فهم سامانه سیاسی پیشا انقلاب نیز می تواند با تکیه بر این قاعده مندی بهتر حاصل شود. آنچه اهمیت بسیار بیشتری دارد، این است که منطق ارزشی‌ای که کنش گران انقلابی با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی، پیوسته خود را در معرض این تغییرات قرار دادند. این منطق ارزشی همان الهیات دینی بود. حمید مولانا معتقد است که امام خمینی در جست و جو برای فرمول بندی و مشخص کردن نظام اسلامی فراتر از نظام دولت – ملت جدید، از طریق یک انقلاب روشن فکرانه برای تغییرات سیاسی به پا خاست.(۲)

حامد الگار که از مشرق شناسان و تحلیل گران انقلاب اسلامی ایران می باشد برای نظام کلامی و اعتقادی شیعه در حوزهٔ سیاست و حکومت، سه عنصر و یا مؤلفه اساسی قائل است و

---

۱ - Theda Skocpul, Rihter State and shia islam in the iranian revolution, theory and society, vol. ۱۱,۱۹۸۲,PP.۲۶۵

۲- ایدئولوژی، رهبری و فرایند انقلاب اسلامی؛ مجموعه مقالات کنگره بین المللی تبیین انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۴۶۳.

در تحلیل خود از انقلاب اسلامی بر اساس تئوری مذهب، این سه خصیصه را مورد لحاظ قرار می دهد. وی معتقد است در اندیشه شیعه به ترتیب با این سه مؤلفه مواجهیم:

۱- غیبت

۲- فقدان قدرت سیاسی مشروع،

۳- نفی قدرت حاکم بر اساس اندیشه شهادت.

وی پس از این که مسأله غیبت امام معصوم را جزء مهم نظام امامت شیعه می شمارد و از طرفی امام را جانشین پیامبر و عهده دار تفسیر سنت نبوی می داند، سپس این سخن را مطرح می سازد که با توجه به غیبت و نبود ظاهری امام معصوم، بالضروره هر گونه قدرت دنیوی و حکومت حاکم نمی تواند دارای مشروعیت باشد، مگر آن که از جانب امام منسوب شده باشد: اگر تنها اعمال کننده قانونی قدرت پس از او دیگر در عرصه گیتی حاضر نباشد، بالضروره هر گونه قدرت دنیوی که مدعی اعمال قدرت و اختیارات است، می بایست غیرقانونی باشد مگر آن که این قدرت به اثبات رساند که از سوی امام غائب اعمال حاکمیت می کند.(۱)

براساس غیرقانونی بودن هر نوع حکومت غیرمعصوم، وی نتیجه می گیرد که شیعه در طول تاریخ نتوانست نسبت به حاکمان وقت سر تسلیم فرود آورد و بر خلاف جوامع سنّی، به مصالحه با حکومت های غیرمعصوم بپردازد، از این رو بیشترین تحولات سیاسی و مخالفت های سیاسی در جوامع شیعی دیده می شود؛ این اعتقاد بسیار هم موجب شده که مسلمانان شیعی در بخش عظیمی از تاریخ خود، در قبال قدرت سیاسی موضع مخالف و منفی در پیش گیرند، حال آن که مسلمانان سنی در بیشتر تاریخ حیات خود در برابر قدرت غالب و حاکم سر فرود آورده ...

از نظر او شیعه همواره اندیشه سازش و مصالحه با نظام های سیاسی حاکم در عصر غیبت را نفی نموده و به تأیید آنها نپرداخته است، مگر این که این امر تحت شرایطی صورت پذیرفته باشد به همین جهت وی نتیجه می گیرد که در شیعه با تئوری نفی قدرت مواجهیم: «به

۱- حامد الگار، ایران و انقلاب اسلامی، مترجمین سپاه پاسداران، انتشارات سپاه پاسداران، بی جا، بی تا، ص ۱۴.

هر حال تئوری نفی قدرت حاکم در هر رویدادی به عنوان طرز تفکر قدرتمند شیعیان در سرتاسر تاریخ مکتب شیعه در اسلام و به خصوص در ایران می باشد.

حامد الگار پس از طرح مسأله غیبت امام زمان (عج)، فقدان مشروعیت حکومت های موجود در عصر غیبت و سر ناسازگاری شیعیان با حاکمان سیاسی، به یکی از بنیادهای مهم دیگر فکر شیعه اشاره می کند که به عنوان اصل سوم از آن یاد شده است. وی می گوید: تأثیر ماجرای کربلا و واقعهٔ عاشورا که با شهادت امام حسین (ع) گره خورده است، موجب شد که این الگوی اعتقادی در ذهن شیعیان قرار بگیرند که نباید در برابر حاکم ستم گر سر فرود آورد و از او اطاعت نماید. وی پس از طرح اصول سه گانه، جهت بیان استراتژی سیاسی شیعه در طول تاریخ سیاسی آن، معتقد است که انقلاب اسلامی ایران نیز بر اساس همین اصول قابل تفسیر است وی معتقد است که عدم مشروعیت حکومت پهلوی از منظر ایرانیان شیعه و بازیابی هویت در برابر الگویی به نام امام حسین (ع) موجب گشت تا مردم در برابر حکومت پهلوی به قیام بپردازند. او در این راستا حتی به شعارهای ابتدای انقلاب اسلامی نیز استناد می کند و ردپای مؤلفه‌های سه‌گانه مذکور در اندیشه شیعه را در شعارهای اوایل انقلاب جستجو می کند. شعارهایی چون «همه روز عاشورا است و همه جا کربلاست» یا این که «محراب شیعیان خون است» وی بر این اساس انقلاب اسلامی ایران را ریشه دار در همین اصول ارزشی می داند و براساس سه اصل مذکور که مبتنی بر غیبت امام عصر (عج) و یا به تعبیر الگار دکترین امامت است، تئوری مذهب را راه حل تفسیر انقلاب اسلامی ایران می داند.

میشل فوکو نیز یکی از عوامل مؤثر در انقلاب اسلامی ایران مذهب تشیع، بالأخص آموزه مهدویت می داند.(۱)

فوکو در این باره می گوید: «نود درصد ایرانی ها شیعه‌اند و منتظر بازگشت امام دوازدهم‌اند تا نظام راستین اسلام را در روی زمین مستقر کند اما این اعتقاد هر روز نمی گوید

۱- سید رضی موسوی، شرق شناسی و مهدویت، دفتر اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ گنج معرفت، چاپ اول تابستان ۱۳۸۹، ص ۲۹۷.

که فردا حادثه بزرگ فرا خواهد رسید، همچنین همه شوربختی های جهان را هم نمی پذیرد وقتی آیت الله شریعتمداری را (که یکی از مراجع روحانی در ایران است) دیدم، یکی از نخستین جمله هایی که به من گفت این بود ما منتظر مهدی هستیم اما هر روز برای استقرار حکومت خوب مبارزه می کنیم.(۱)

فوکو به فراست دریافت که اعتقاد به مهدویت، موتور محرکه هیجانات اجتماعی تشیع را همواره روشن نگه داشته و مردم را در حالت آمادگی دائم قرار می دهد چرا که وقتی انتظار فرج بر هر مسلمان شیعه واجب شد، آنها را در یک حالت آمادگی کامل قرار می دهد. بنابراین، آنها برای هر حادثه‌ای آماده خواهند بود. به ویژه که بر خود واجب می بینند که زمینهٔ ظهور امام را فراهم کنند، پس نه تنها در آمادگی کامل قرار دارند، بلکه اقدام به اصلاح نیز در سرلوحه امورشان قرار دارد.

۱- میشل فوکو، ایرانیها چه رویایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، انتشارات هرمس، ص ۳۰- ۲۹.

۳-۴- گفتار اول

۱-۳-۴. نقش رهبری امام خمینی در هدایت انقلاب اسلامی

یکی از تفاوت های انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب ها، تفاوت در رهبری است. رهبری از دیگر شاخص های اسلام در انقلاب ایران محسوب می شود که در شخصیت امام خمینی تبلور یافته بود. در رویکرد نظری، درباره نقش رهبری در انقلابها، دیدگاههای متفاوتی وجود دارد برخی آن را از جنبۀ روان شناختی مورد ارزیابی قرار می دهند که متأثر از روانکاوی فروید است.

فروید مردم جامعه را از نظر فکری به سه دسته کلی تقسیم می کند دسته اول: تولید کنندگان اندیشه و نظریه پردازان انقلابی دسته دوم: انتشار دهندگان آن و کسانی که به اشاعه، ترویج و توزیع اندیشه های دیگران می پردازند. دسته سوم: مصرف کنندگان آن.

رهبر، نظریه پرداز انقلاب است و ویژگی شخصیتی او، قدرت و نفوذ کلامش از عوامل مهم جلب وفاداری مردم مردم می باشد.(۱)

از ویژگی های رهبر انقلاب ایران آن بود که مبارزه و انقلابش بر پایۀ دین و معنویت بود و عمل به وظیفه به عنوان یک اصل حاکم اصالت داشت. قدرت رهبری بر اتکال به خداوند و پذیرش عمیق مردمی استوار بود. رهبر انقلاب و شاگردان فکری ایشان با ترسیم تصویری واقعی از دین، نقش مهمی در احیای فکر دینی و انقلاب ایجاد کردند. رهبری در جهت ایجاد انقلاب، در جهان بینی و نظام ارزشی حاکم تأثیر مهمی از خود بر جای گذاشت در این راستا، تمسک به سلاح تقیه برای کند کردن آهنگ انقلاب در سال های آغاز نهضت تحریم گردید.

ص:۱۲۸

۱- شجاع احمدوند، فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی، «انقلاب اسلامی و ریشه های آن» (مجموعه مقالات)، تهران، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها، ۱۳۷۴، ص ۷۲.

طرح هویت اسلامی و توانایی روحانیت در به حرکت درآوردن توده های مردم مرهون ظهور اسلام سیاسی در مراکز اقتدار سیاسی – مذهبی نظیر شهرهای قم و مشهد از یک سو، و رهبری برجسته امام خمینی از سوی دیگر بود. «در سطح سیاسی، با ظهور امام خمینی، به عنوان یک مبارز سرشناس، اسلام شیعی واجد یک رهبر کارآمد و تعیین کننده شد. امام خمینی برای اسلام سیاسی به منزله‌ی یک چهره‌ی محوری بود که با بهره‌گیری از نفوذ او می شد به شبکه‌ی سیاسی از روحانیونی که دور او و آرمانهای او در باب حکومت اسلامی جمع شده بودند، تشکل بخشید».(۱)

ادبیات انقلابی امام خمینی از آن رو توانست به عنوان یک نیروی سازمان دهنده، بسیج گر و هویت بخش عمل کند که آیات، آرمان ها و الگوهای معنابخش را در زندگی و کلام خود متجلی نمود و نوعی «انقلاب نمادین» را در اذهان و افکار به وجود آورد و سپس خواستار انقلاب سیاسی شد.

وی با تردید در شالوده های نظام سلطنتی و تشکیک در بن مایه های پهلویسم، تنها ویران گر ساز و کار حاکم بر جامعه نبود. بلکه معمار نظم نوینی گردید که «حکومت اسلامی» نام گرفت.

بنابراین امام خمینی و روحانیت مبارز، تصویری از یک جامعه‌ی جدید در مقابل «نظم کهنه» و در حال فروریزی پهلوی ارائه می داد که تصویری نو و برانگیزاننده بود تصویری که با پیوند بین دیدگاه دینی درباره‌ی جامعه با اصول مدرن حکومت متکی بر مردم و بازسازی جامعه از طریق فرایندهای سیاسی، در فضای آن روز، تصویری قانع کننده و مطلوب برای تحرک و سازماندهی سیاسی بود. در واقع، شکل گیری «اراده‌ی معطوف به قدرت» مذهبی و نفی سازش کاری و پنهان کاری سیاسی، فضایی فراهم آورد که جملگی جریان‌های سیاسی – اجتماعی نقش مؤثر و فعال روحانیت دینی را در تنسیق و تنظیم فعالیتهای سیاسی پذیرفتند.

۱- علیرضا شجاعی زند، نقش و عملکرد دین در وضعیت انقلاب: بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، ش ۳، ۱۳۸۳، ص ۵۳- ۵۲.

امام خمینی بر اساس خطوط اصلی تفکر سیاسی خود، رفتار سیاسی‌اش را تنظیم و عرضه کرد و پیروان وی نیز خود را مکلف می دانستند در همین چارچوب اعتقادی عمل کنند ایشان با طرح نظریهٔ نظام سیاسی ولایت فقیه، رهیافت سیاسی خود را در تغییر نظام سیاسی و نفی سلطنت و جایگزین کردن سیستم سیاسی و اجتماعی بر مبنای شریعت اسلامی ارائه کرد با تکوین مبانی نظری انقلاب و قرار گرفتن نیروهای اجتماعی در وضعیت انقلابی، چالشی سخت و مستمر میان آنان و رژیم سیاسی در گرفت و سرانجام به تخریب ساختار کهنه نظام شاهنشاهی و تأسیس جمهوری اسلامی انجامید.

۲-۳-۴. تحول حداکثری باورهای دینی در نگاه امام خمینی (ره)

به حیث تاریخی، دورهٔ معاصر ایران، به ویژه سال های پس از جنگ جهانی دوم آغاز یک دگرگونی در دریافت مذهبی و نیز ساخت تفکر دینی است؛ زیرا در این دوره جدای از تجربه سیاسی بیش از نیم قرن پیش از آن برای علمای شیعه، عرصه اندیشه ایران از سویی، مورد تاخت و تاز جریان های چپ مارکسیسم به عنوان قوی ترین تفکر ضد دینی قرار گرفت و از سوی دیگر، دین ستیزی در قالب های دیگری در جامعه ایران پیگیری گردید. موضوعی که به تفاوت، واکنش هایی را در لایه های مذهبی جامعه ایران به وجود آورد اما به نظر می رسد در این دوره چالش درون گفتمانی جدی تری نیز رو در روی تفکر دینی قرار داشت این چالش ضمن تأکید بر روی انگاره های سنتی نه تنها در بافت باورهای دینی مردم حضور جدی داشت بلکه حتی در میان عالی رتبگان روحانیت نیز هواداران مهمی یافت. در مقابل، در این دوره نیاز به دریافت متفاوت از نگرش سنتی به دین به تدریج روند فزاینده‌ای یافت و اندیشه گرانی ظهور کردند که کوشیدند دین را بر اساس مقتضیات جدید توضیح داده و آن را در جهت ایجاد یک تحول بنیادین تاریخی در ایران به کار بندند. این روند فراتر از آن که دکتر عنایت آن را در چارچوب علمی و انگیزه های اجتماعی تحلیل کرده است[۱]، به شکل شگفت آوری

سیاسی بود. پیشتازان عمدهٔ این دگرگونی کوشش گسترده و دامنه داری را برای طرح مجدد دین در جامعه و آماده سازی تفکر دینی و بازسازی آن انجام دادند.

کوشش هایی که آشکارا با کوشش های مشابه آن در میان اهل سنت معاصر متفاوت است. بخش قابل توجهی از این تفاوت به تعبیر مرتضی مطهری به فرهنگ شیعه باز می گردد که برخوردار از فرهنگی زنده، حرکت‌زا و پویاست.(۱) یعنی پیامی که همه می شناختند و آن را مظهر شخصیت و هویت از دست رفتهٔ خویش می دیدند.(۲)

اما در این میان کوشش های امام خمینی (ره) جایگاه ویژه‌ای دارد، کوشش هایی که بعدها منجر به ارائه نظری نظام سیاسی اسلام گردید. این تلاش ها در عین حال که متوجه بازیابی دین بود، ظرفیت لازم را برای پر کردن خلأ تولید معنا و اندیشه برای دگرگونی های بعدی پدید آورد. بدون شک ظهور چنین اندیشه ای در انقلاب اسلامی ایران نه تنها مستلزم شناسایی و بازتولید چارچوب های درون دینی بلکه مستلزم تجهیز و باز تفسیر این چارچوب ها و ارائه درکی متفاوت از پذیره های سنتی مربوط به آن بود. از این رو فهم صحیح رویکرد تفکر سیاسی معاصر شیعه در ایران که منجر به شکل گیری درک متفاوت و تازه ای در باب مقولاتی چون نسبت دین و سیاست، تقیه، جهاد، شهادت امامت و انتظار فرج (مهدویت) و ... گردید، بدون فهم چگونگی چنین روندی میسر نیست، روندی که در پرورش ذهنی و تغییر نگرش مردم به سوی پذیرش یک رسالت تاریخی نقش اساسی ایفاء کرد. بر این اساس، اندیشمندان شیعه ایرانی به این نتیجه رسیدند که محتوای اندیشه شیعه ظرفیت های لازم برای ارائه یک الگوی سیاسی را داراست ولی برخی از پذیره های سنتی یا تفسیرهایی از آن مانع ایفای چنین نقشی است. آنان دریافتند که برداشت های موجود با دیدگاه های اصیل دین فاصله زیادی دارد و جز با بازآفرینی آن نمی توان بر چالش های ایدئولوژیک موجود غلبه یافت. تردیدی نیست که پذیرش این نکته که دستیابی به آرمان های سیاسی شیعه در شرایط موجود

۱- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، صدرا، بی تا، ۱۳۶۸، ص ۱۴۷.

۲- ناصر کاتوزیان، گذری بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰، ص ۶.

نـاممکن است و در عین حـال، بین آن آرمـان هـا و واقعیت هـای موجود فاصـله ای فاحش وجود دارد، امکان هر گونه بسـیج اجتماعی و حرکت به سوی یک دگرگونی بنیادین را از رهبران مذهبی سلب می کرد.

این بازسـازی روح تـازه ای بود که توانست به سامانـدهی و تجمیع قابلیت های سیاسـی و پراکنـده کمک مؤثری کنـد و راه را برای شـکل دادن به آمریتی نوین باز کنـد. چه آن که بازسازی مزبور بر اساس تفسـیر تازه و تجهیز یک سلسـله مفاهیم اصـلی شیعه متکی بود که بی‌شک بـدون آن شـیعه نمی توانست نقشـی که در تحولات منتهی به انقلاب اسـلامی ایفاء کرد، برعهـده بگیرد.

از آنجا که امام خمینی (ره) ارتباط مقدسی با مردم داشت که این در مجرای فرهنگ شیعه در امتداد نظام مرجعیت سازمان می یـافت. واقعیت اجتمـاعی تشـیع در دل و جـان مردم جـای گرفته بود قـداست و عشق مردم به امـام، قبـل از آن که به فرد امام و خصوصـیات شخصـی او مربوط باشـد، عشق به اسـلام و آرمان های اسـلامی بود مردم امام را تندیس فقاهت و عدالت و نایب امام زمان می دیدند و از همین رهگذر، عشق آنان به امام پرتوی از محبت آنان به امام زمان و ائمه اطهار (علیهم السـلام) بود. امام خمینی (ره) به عنوان طراح اصـلی حرکت انقلاب، از باورها و نمادهای تشـیع مثل امامت، ولایت، امر به معروف و نهی از منکر، تقیه، شهادت، انتظار و مهدویت و ... رفتارهای انقلابی را به نمایش گذاشتند و به ارشاد و بسیج مردم و بیداری و تحول حوزه علمیه و روحانیون پرداختند و این در روند پیروزی انقلاب نقش بسـزایی داشت و بدین گونه انقلاب را مدیریت کردند. ایشان در طول انقلاب، بطور مداوم بوسـیله پیامها، اعلامیه ها، سـخنرانی ها، شبکه های مردمی روحانیت مبارز، مساجد و دیگر وسائل ممکن با مردم سـخن می گفتند و شـعار و شعور انقلاب اسلامی را به مردم تفهیم و تزریق کرد و در جان و فکر و طنین فریادهای بنیان کن مردم تجلی ساخت.

۳-۳-۴. امامت

برپایهٔ اعتقاد به امامت و تداوم آن، و ایمان به مسئولیت عمومی در زمینهٔ حاکمیت قوانین و ارزش های الهی، هر گونه رابطه و همکاری با نظام های غاصب، نامشروع و مردود شمرده می شد و عصیان در برابر حامیان این نظام ها و ریشه کن نمودن همه نهادهای وابسته به آنها فریضه ای اجتناب ناپذیر تلقیمی گشت. مردم بر اساس اعتقاد به امامت و تداوم آن در شکل نظام ولایت فقیه، رهبری فقیه جامع الشرایط را بیش از یک ایدئولوژیک پذیرا هستند و قدرت نفوذ معنوی فقیه در حد مرجع تقلید، بمعنی حکومت بر دلها است و اطاعت در کلیه شئون زندگی بر این اساس است که فتوای او همان حکم خدا است و پیروی از ولی فقیه اطاعت از فرمان امام و در نهایت اطاعت رسول خدا است.

امام خمینی معتقدند که پیامبر اکرم (ص) در هنگام وفات خویش، جانشین و جانشین ها را تا زمان غیبت تعیین فرموده‌اند و امت را به حال خود رها نکردند تا سرگردان باشند در این زمینه چنین می فرماید:

«پیغمبر اکرم (ص) از دنیا می خواست تشریف ببرد، جانشین و جانشین ها را تا زمان غیبت تعیین کرد و همان جانشین ها، امام امت را هم تعیین کردند. به طور کلی این امت را به خود وا نگذاشتند که متحیر باشند برای آنها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند».(۱)

لذا از نظر امام خمینی، پیامبر اکرم (ص) امکان نداشت برای خود جانشین تعیین نکرده باشند و امت را بدون رهبر و مدیر رها کرده باشند پیامبری که همواره نگران امت خود بود و دینی جدید برای مردم آورده بوده چگونه ممکن است نسبت به آیندهٔ این امت بعد از خود بی تفاوت باشد؟

۴-۳-۴. ولایت

۱- روح الله خمینی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۱۸، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۴.

از نظر امـام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسـلامی، ولایتی که برای پیامبر اکرم (ص) و ائمه هـدی (علیهم السـلام) می باشـد، برای فقیه هم ثابت است به اعتقاد شیعه، ولایت فقیه در زمان غیبت، ادامهٔ ولایت امامان معصوم (علیهم السلام) است.

عقل و شـرع حکم می کند که در رأس هرم قدرت یک جامعهٔ اسـلامی باید شخصـی قرار بگیرد که به احکام اسلامی آگاهی کامل داشـته باشـد یعنی فقاهت و عـدالت داشـته باشـد. همچنین بایـد توانایی بر ادارهٔ جامعه اسـلامی داشـته باشد. چون وظیفهٔ اصـلی حکومت از دیدگاه اسـلام، اجراء احکام اسـلام و گسترش ارزش های الهی است. لذا باید برای تحقق چنین آرمانی در بالاترین مصدر تصمیم گیری، شخصی آگاه به دین و با بینش سیاسی قوی قرار بگیرد.(۱)

امام خمینی معتقدنـد که ولایت فقیه مسألهای نیست که تازه مطرح شده باشد. معتقدند این مسأله از اول مورد بحث بوده اسـت و ایشـان تنها موضوع را بیشتر مورد بررسـی و تحلیل قرار داده انـد. در این زمینه می فرماینـد: «موضوع ولایت فقیه چیز تازه ای نیست که مـا آورده باشـیم بلکه این مسأله از اول مورد بررسـی بوده است حکم میرزای شـیرازی در حرمت تنباکو، چون حکم حکمتی بوده برای فقیه دیگر هم واجب الاتباع بود. حکم قضاوتی نبود که بین چنـد نفر سـر موضوع اختلاف شـده باشـد ... از متأخرین مرحوم نراقی همـهٔ شـئون رسول الله را برای فقها ثابت می داننـد. آقای نائینی نیز می فرمایـد: این مطلب از مقبولهٔ عمر بن حنظله اسـتفاده می شود. در هر حـال این مسـأله تـازگی نـدارد و ما فقط موضوع را بیشتر مورد بررسـی قرار دادیم و شـعب حکومت را ذکر کرده و در دسترس آقایان گذاشتیم تا مسأله روشن گردد و الا مطلب همان است که بسیاری از فقیهان فهمیده اند ...».(۲)

ولایـت مطلقه فقیه، از تولیـدات و فرآورده هـای فقهی امـام خمینی می باشـد که با نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان و ولایت انتصابی عامهٔ شورای مراجع تقلید و ... تفاوت دارد.

ص:۱۳۴

۱- مهدی هادوی تهرانی، ولایت فقیه، (مبانی، ادله و اختیارات)، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳.

۲- روح الله خمینی، ولایت فقیه، قم: انتشارات آزادی، ص ۱۵۱- ۱۵۰.

ولایت مطلقه فقیه یعنی:

۱- تقید به امور عمومی، حکومت، سیاست و نیز مصلحت جامعه اسلامی.

۲- عدم تقید به امور حسبیه و قوانین بشری از جمله قانون اساسی و همچنین عدم تقید به چارچوب احکام فرعیهٔ الهیهٔ اولیه و ثانویه.(۱)

امام راحل هم در قلمرو ولایت و هم در تلقی از فقاهت قائل به توسعه شده‌اند. نظریه ولایت مطلقه فقیه، تلقی تازه‌ای از فقاهت را ارائه می کند.

بدین ترتیب معمار کبیر انقلاب، ولایت مطلقه فقیه را برای آینده انقلاب طراحی می کند و بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تأکید می ورزد.

اگر علمای شیعه پس از غیبت کبرا به این نظریه (ولایت فقیه) و حکومت اسلامی در حیطه نظر معتقد بودند، ولی در عمل دیده نشد کسی به صراحت امام خمینی (ره) این تئوری را وارد قلمرو عمل گرداند و به حکومت دینی جامعه عمل بپوشاند.

تئوری ولایت مطلقه فقیه حاکی از این عقیده است که حکومت دینی بهترین شکل حکومت است؛ زیرا فقه به معنای واقعی کلمه در برگیرنده همه قوانینی است که یک جامعه مطلوب به آن نیازمند است. بر اساس بینش امام (ره)، ولایت فقیه در امتداد ولایت رسول الله و ائمه اطهار (علیهم السلام) است. ولایت فقیه همان ولایت مطلقه رسول الله است؛ یعنی کار ولی فقیه نظارت بر اجرای احکام فقهی نیست، چنانکه مرحوم نائینی می فرمود شأن ولی فقیه اعمال ولایت بر احکام دین است و اختیار او در اداره جامعه، همان اختیار رسول الله است.(۲)

۵-۳-۴. اجتهاد

با تبعید امام به نجف اشرف، ایشان نقش ایدئولوژیک انقلاب را به نحو شایسته بر عهده گرفتند و اجرا کردند اگر چه ایدئولوژی انقلاب بر پایهٔ مکتب اسلام بود اما از آنجا که چهارده

۱- محسن کدیور، نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵.

۲- محمد حسین نائینی، تنبیه الامهٔ و تنزیه الملهٔ یا حکومت از نظر اسلام، با مقدمهٔ سید محمود طالقانی، چ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ص ۳۵۱.

قرن از زمان حکومت اسلامی پیامبر (ص) می گذشت نظام و قالب حکومتی که مدعی اجرای احکام اسلامی بود قرار بود بر خرابه های رژیم سلطنتی پایه ریزی شود، باید به طور شفاف و روشن برای مردم تبیین می شد.

امام خمینی (ره) هم، در همان زمان با اقدامی شایسته و براساس اجتهاد و تفقهی که داشتند این مسأله را روشن نمودند ایشان تلاش بسیار زیادی کردند تا اجتهاد و مرجعیت را متوجه فقه سیاسی و اجتماعی نمایند بعد از فوت آیت الله بروجردی ایشان رسماً از مراجع وقت خواستند تا در حوادث و موقعیت های مختلف به موضع گیری بپردازند و همانطور که در مسائل فقهی و عبادت تکلیف مردم را بیان می کنند، در امور و مسائل جاری کشور نیز مردم را ارشاد و مکلف نمایند.

امام (ره) مجتهد را اینگونه تعریف می کند:

«مجتهد باید به مسائل زمانهٔ خود آگاهی داشته باشد ... آشنایی به روش برخورد با حیله ها و تزویرهای فرهنگ حاکم به جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی ... شناخت سیاست ها و حتی سیاسیون و فرمول های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کند از ویژگی های یک مجتهد جامع است یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعهٔ بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبّر باشد».(۱)

اما مشاهده می کنیم که این قرائت امام (ره) از اجتهاد و مجتهد و نیز انتظاری که از مرجعیت دارند با اجتهاد مصطلح و رایج برآورده نمی شود در اجتهاد رایج فقط مسائل و فروعات فقهی مدنظر بوده و به مسائل کلی جامعه توجه نمی شود و وظیفه ای برای علما و مراجع در ورود به مسائل سیاسی و اجتماعی قائل نیست. لذا امام خمینی (ره) تفسیر انقلابی

۱- صحیفه نور، پیشین، ج ۲۱، ص ۹۸.

خود را از اجتهاد ارائه می دهد و تمام تلاش خود را به کار می گیرد تا این برداشت و طرز تفکر را جایگزین تفکر قبلی کند.

در جریان انقلاب می بینیم که مردم هم در مسائل فقهی و عبادی از امام و مراجع، تقلید می کنند و هم در مسائل سیاسی و اجتماعی از امام و مراجع کسب تکلیف می کنند و انتظار دارند که آنها هم وظیفه و مسیر کمال را به مردم نشان دهند و این نشان دهنده موفقیت امام در این امر مهم می باشد.

۶-۳-۴. تقیه

با اینکه آیات قرآن و احادیث منقوله از معصومان (ع) و نیز اقوال فقها، دال بر این واقعیت است که تقیه یک رخصت به شمار می آید و در برگیرنده ضرورت و موارد اضطرار است و به عبارت دیگر، در منزل احکام اصلی و اولیه دین قرار نمی گیرد؛ چرا که اصل اولی اسلام بیان و اعلام و تبلیغ معارف اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و امثال آن است؛ ولی در عمل در بخش های قابل توجهی از تاریخ گذشته شیعه و به ویژه دوران اخیر به ایستاری اولی و اصلی در دین تبدیل شده است و همواره این مقوله محللّ مابین مصلحت و ضرورت شده و در مواقعی به صورت ریاکاری و بی شهامتی آشکار درآمده است و این در حالی است که پنهان داشتن دین و اعتقاد، ترفندی تاکتیکی است که به هیچ وجه کوشش هایی را که در جهت پیروزی نهایی آن انجام می گیرد، قطع نمی کند و در حکم یک ضمانت برای تعلیق وظایف اساسی دینی است.(۱)

همه کسانی که به نوعی علقه مبارزه جویانه علیه شرایط موجود (رژیم پهلوی) را از منظر دینی دنبال می کردند، به این موضوع مهم پی بردند که تا بر این دژ نظری که تأثیر قوی عملی داشت و به صورت فعال توجیه کننده علماء و مردم برای عدم ورود به مبارزه بود، چیره نگردند، پویایی، اعتراض، مبارزه جویی به عنوان ایستاری دینی، اجتماعی درنخواهد آمد و

۱- حمید عنایت، پیشین، ص ۳۰۲.

تحول بنیانی میسر نخواهد بود. بر این اساس، کوشش های نوگرایان معطوف به این نکته گردید که برداشت از مقوله تقیه، برداشتی ناقص و حتی منحرف در جامعه است.

در این میان امام خمینی (ره) مهم ترین شخصیتی است که این مشکل را به خوبی دریافت و برای احیای نگرش مقاومت و مبارزه جویی از آن، از ابتدای مبارزه، این مقوله را مورد توجه قرار داد و رسماً اعلام کرد که «تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب و لو بلغ ما بلغ» و تأکید کرد که هر کس از علما در این شرایط تقیه کند، مرتکب فعل حرامی شده است.(۱)

امام در عمل نیز اعتقاد و وفاداری عمیق خود را به این مسئله نشان داد این نگرش امام در واقع تلاش بنیادین برای آماده سازی ذهنی روحانیون و مردم جهت یک مبارزه پیگیر بود. امام موضوع تقیه را در کتاب «ولایت فقیه» نیز مورد عنایت قرار داده و ضمن انتقاد شدید از روحانیون انزوا گزین می گوید: «بله آن آدم های بی عرضه‌ای که در حوزه ها نشسته‌اند، از عهده تشکیل و اداره حکومت بر نمی آیند؛ چون آنها بی عرضه اند که قلم هم نمی توانند به کار ببرند، قدمی در هیچ کاری بر نمی دارند».(۲)

وی در یک بیانی انتقادآمیز می گوید: «تکالیفی که برای فقهای اسلام است، بر دیگران نیست، فقهای اسلام برای مقام فقاهتی که دارند، باید بسیاری از مباحات را ترک کنند و از آن اعراض نمایند. فقهای اسلام باید در موردی که برای دیگران تقیه است، تقیه نکنند. تقیه برای حفظ اسلام و مذهب بود که اگر تقیه نمی کردند، مذهب را باقی نمی گذاشتند، تقیه مربوط به فروع است، مثلاً ـ وضو را این طور یا آن طور بگیرد، اما وقتی اصول اسلام، حیثیت اسلام در خطر است، جای تقیه و سکوت نیست. اگر فقیهی را وادار کنند که برود سر منبر خلاف حکم خدا را بگوید، آیا می تواند به عنوان «التقیه دینی و دین آبایی» اطاعت کند؟ اینجا جای تقیه

۱- مقدسی، محمود؛ دهشور، مسعود و شیرازی، محمد رضا (به کوشش) (۱۳۷۰)، ناگفته ها، خاطرات شهید مهدی عراقی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ص ۱۵۶.

۲- روح الله خمینی، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، ص ۱۲۷.

نیست. اگر بنا باشد به واسطه ورود یک فقیه در دستگاه ظلم، بساط ظلم رواج پیدا کند و اسلام لکه دار گردد، نباید وارد شود؛ هر چند او را بکشند و هیچ عذری از او پذیرفته نیست».(۱)

در واقع امام، درصدد نهادینه کردن این نکته است که تشیع راستین هیچ گاه در آنجا که جوهر و هویت و اصل دین در خطر است، تقیه را مجاز نمی شمارد. از این حیث امام در «رساله علمیه» خود نیز تأکید می کند که اگر سکوت علمای اعلام موجب تقویت ظالم شود یا موجب تأیید او گردد یا موجب جرأت او شود بر سایر محرمات، واجب است اظهار حق».(۲)

امام خمینی در کشف اسرار مسأله تقیه را به طور واضح تشریح می کنند. از نظر امام خمینی (ره) واجب بودن تقیه از روشن ترین احکام عقل است. «معنی تقیه آن است که انسان برای حفظ کردن خون یا ناموس یا مال خود یا دیگری حکمی را برخلاف واقع بگوید یا عملی برخلاف میزان شریعت انجام دهد».(۳)

دیدگاه امام در باب تقیه از جمله نمونه های جالب اندیشه انتقادی و نیز مبارزه جویانه در اندیشه سیاسی تشیع معاصر به شمار می آید. ایشان با ملاحظه این که عده ای در پناه تقیه، بی عملی در مقابل شرایط جامعه را تجویز می کنند، آن را حرام اعلام کرد. بی تردید چنین نگرشی در باب تقیه، یکی از موانع مهم مبارزه علیه رژیم سلطنت را برداشت و گفتمان مصلحت اندیش تقیه را تا رفتاری سیاسی تحول بخشید.

۷-۳-۴. ارتباط دین و سیاست (اصل سیاست عین دیانت)

طبیعی بود که هر گونه تحول سیاسی و اجتماعی در ایران از ناحیه روحانیت، مستلزم توضیح حداکثری از دین و نهادینه کردن آن در جامعه بود. بدون تردید در فصل رکود و شک و تردیدها نسبت به دخالت دین و روحانیت در امور سیاسی و اجتماعی، به لحاظ نظری و به

۱- روح الله خمینی، پیشین، ص ۱۳۵.
۲- موسوی خمینی، رساله توضیح المسائل، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۴۰۲- ۳۹۷.
۳- روح الله خمینی، کشف اسرار، بی جا، بی تا، ۱۳۶۹، ص ۱۲۸.

ویژه عملی، حرکت هایی چون جنبش فداییان اسلام، نهضت ملی شدن نفت ایران، فعالیت های هیئت های مؤتلفه اسلامی، حزب ملل اسلامی و امثال آن به دلیل حضور طیفی از روحانیت در آنها و نیز مبارزات فردی برخی از علما و روحانی ها در این دوره، علی رغم کاسته شدن موقعیت آنان در میان حوزه و حوزویان، در جهت بازشناسی تعریف حداکثری از دین انکارناشدنی است.

کوشش های فکری امام خمینی (ره) در طول سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۲۰ و به ویژه در کتاب های «کشف اسرار»، «ولایت فقیه»، «کتاب البیع»، «تحریر الوسیله» و نیز سخنرانی ها و اعلامیه های سیاسی از همه برجسته تر بود. طرح این دیدگاه ها فراتر از تلاش های عملی وی بود که بن بست ورود و دخالت روحانیت در سیاست را شکست و به علاوه تفسیر کاملاً فعالانه و پویا و جامع نگر از دین و کارکردهای آن ارائه کرد. تعریف امام از دین تعریف حداکثری و متضمن احکام و دستورات ناظر بر رابطه انسان با انسان و انسان با خدا بود و در مقابل تعریف حداقلی از دین قرار می گرفت که دین را صرفاً ناظر بر روابط انسان با خداوند می دانست. امام معتقد بود: «اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است؛ اما این ها اسلام را طور دیگری معرفی می کنند، تصور نادرستی از اسلام در اذهان عامه به وجود آورد. و شکل ناقصی که در حوزه های علمیه عرضه می شود، برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند، حکومتی به وجود بیاورند که سعادتشان را تأمین کند چنان که زندگی ای داشته باشند که در شأن انسان است».(۱)

این نوع نگرش، بدون شک، مقدمه ذهنی برای ارائه نظریه حکومتی امام موسوم به «ولایت فقیه» شد که در واقع، موضوع اساسی آن سیاسی بودن اسلام و لزوم آمیختگی مقوله دین و سیاست بود. امام، این ویژگی را نه تنها در مورد اسلام بلکه برای دین به عنوان دین قائل

۱- روح اله خمینی، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، ص ۴.

است و معتقد است که «حتی مذهب مسیح را هم مسخ کردند، مذهب مسیح مسخ شده هرگز نمی شود که دعوتش این باشد که فقط عبادت کنید».(۱)

وی در تحلیل جامع نگرانه خود نسبت به اسلام به عنوان دین زندگی، تصریح می دارد: «قرآن و کتاب های حدیث که منابع احکام و دستورات اسلام است، با رساله های عملیه که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می تواند داشته باشد، به کلی تفاوت دارد. نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است! از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همهٔ احکام اسلام را در بر دارد، سه – چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است. مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه هم مربطو به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است».(۲)

امام به خوبی دریافته بود که بدون در هم شکستن نگرش های موجود، امکان هیچ تحولی وجود ندارد، از این رو، یکی از محورهای مرکزی نظریات وی آمیختگی دین و سیاست بود چنان که تأکید می کند «والله اسلام تمامش سیاست است».(۳)

بنابراین امام با اعتقاد کامل به این مسأله، علاوه بر اینکه خود به طور دقیق مسائل کشور و تحولات آن را زیر نظر داشت و دخالت می کرد از دیگر مراجع و روحانیون می خواست که آنها هم اظهار نظر کنند. آیین نامه ها و مصوبات مجلس، روابط داخلی و خارجی کشور و ... را از نظر تطابق با شرع و مصالح کشور و منافع ملت بررسی کنند و در صورت لزوم، مخالفت و مبارزه کنند.

۸–۳–۴. استقلال و نفی سلطه

ص:۱۴۱

۱- موسوی خمینی، (امام) روح الله، صحیفه نور، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱، ج اول، ص ۱۶۷.

۲- روح الله خمینی، ولایت فقیه، پیشین، ص ۵.

۳- موسوی خمینی، (امام) روح الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۱، ص ۶۲.

امام خمینی رشد و استقلال و آزادی کشور را با حضور و دخالت اجانب خواب و خیالی بیش نمی‌دانست و معتقد بودند تمام بدبختی ها و مشکلات مسلمانان از دخالت اجانب در امور آنها می باشند. ایشان در این زمینه می فرمایند:

«در همه حال شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از کشور است زیرا رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست ... زیرا اگر دخالت اجانب خصوصاً آمریکا، شوروی و انگلیس وجود داشته باشد هر رژیمی که روی کار بیاید تنها آلتی خواهد بود برای عقب نگه داشتن ملت و ادامه بدبختی ها و محرومیت ها از یک طرف و چپاولگری ها و قلدری ها از طرف دیگر، زیرا تمام بدبختی ها و گرفتاری های مسلمین از دخالت اجانب در مقدرات آنان است».(۱)

۹-۳-۴. ظلم ستیزی

امام خمینی، ظلم ستیزی را خصلت ذاتی تشیع معرفی می کنند که این روحیه در مقاطع مختلف تاریخ با حوادث تنباکو، نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و ... تبلور پیدا کرد و زمینه را برای انقلاب بزرگ اسلامی فراهم آورد. ایشان در این زمینه می فرمایند:

«یکی از خصلت های ذاتی تشیع از آغاز تا کنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمام تاریخ شیعه به چشم می خورد. هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطع های زمانی بوده است در صد سال اخیر، حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت تأثیری داشته است انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و ... قابل اهمیت فراوان است».(۲)

۱۰-۳-۴. امر به معروف و نهی از منکر

۱- روح الله خمینی، صحیفه نور، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲- پیشین، ج ۴، ص ۱۸۸.

امام خمینی همیشه در سخنرانی ها و پیام های خود بر این نکته اصرار داشتند که امر به معروف و نهی از منکر بر همهٔ مسلمین واجب است و هیچ کس نمی تواند از آن شانه خالی کند.

ایشان در این زمینه می فرمایند:

«امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که به همه کس واجب است، یک چیزی نیست که بر یکی واجب و بر دیگری نه، همه ما مکلفیم».(۱)

امام خمینی (ره) معتقدند دیگر فرائض در زمانی به خوبی برپا خواهد شد که امر به معروف و نهی از منکر به خوبی برپا خواهد شد که امر به معروف و نهی از منکر به خوبی اجرا شود. در این زمینه بیان می دارند که:

«اگر امر به معروف و نهی از منکر به خوبی ادا شود و دیگر فرائض قهراً برپا خواهد شد اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود ظلمه و عمالشان نمی توانند اموال مردم را بگیرند و به میل خود صرف کنند و مالیات های مردم را تلف نمایند امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام و ردّ مظالم و مخالفت با ظلم می کند».(۲)

بنابراین امام خمینی (ره) دایره امر به معروف و نهی از منکر را بسیار وسیع می داند و آن را بر همهٔ مسلمانان واجب می داند چرا که با نهی از منکر، ظلم و بی عدالتی و فساد و بی بند و باری که از آفات جامعه اسلامی است جلوگیری می شود و با امر به معروف، احکام اسلام در جامعه جاری و ساری خواهد شد. در واقع امام خمینی (ره) چهرهٔ انقلابی و مبارزه جویانه به مسأله امر به معروف و نهی از منکر دادند.

۱۱-۳-۴. فرهنگ شهادت و قیام عاشورا

۱- پیشین، ج ۱۸، ص ۸۴.

۲- روح الله خمینی، ولایت فقیه، پیشین، ص ۱۵۸.

از جملـه مفـاهیمی که در چنـد دهه پیش از انقلاب اسـلامی ایران مـورد بازشناسـی و بـاز تفسـیر متفکران شـیعی قرار گرفت، موضـوع شـهادت و قیـام عـاشورا بـود که بـدون تردیـد، بخش اساسـی هـویت انقلابی -تـاریخی شـیعه را تشـکیل می دهـد و بازشناسی آن، نقش بنیادینی در تبیین منطق عدالت گرایانه و مبارزه جویی شیعه علیه ظلم ایفا کرده است.

هر چند مفهوم شـهادت در کلیت آموزه اسـلام وجود دارد، روح آن در مبانی تفکر شیعی بازتاب گستردهای یافته است. بدون تردید، واژه شهید و شهادت از جمله واژههای مقدس اسلام است.

موضوع گرامی داشت قیام و شـهادت امام حسین (ع) پس از آن رویداد خونین تا به امروز جزء تفکیک ناپذیر فرهنگ شیعه و در متن آن بوده است. بدون تردید محرم و عزاداری های آن و بزرگ داشت شـهادت امام حسین (ع) به شکل شگفت انگیزی از سایر وجوه و مشخصات در شناسایی شیعه مؤثرتر بوده و رمز پویایی و تحرک تاریخی شیعه را در پی آورده است.

در ادبیات و فرهنگ نوین شـیعه، به مقوله قیام اباعبدالله الحسـین (ع) نگاهی نو شده است و هر چند همواره توأم با خون و تأثر و مرثیه خوانی و گریه بوده و به نوعی تلقی رمز آلودی از این واقعه را توضیح می دهد، در عین حال، مبیّن تعاریف متفاوت از نگرش هـای وقـایع نگارانه قبلی است، به نحوی که تلقی نوین، در کنار اثر حزن انگیزی آن، این حادثه و پیام های آن را برای شیعه کاربردی کرده و در واقع، رویکردی متفاوت از نگره قبلی نسبت به قیام کربلا را شکل داده است.

رویکرد سـنتی و تـا حـد زیـادی عـوام پسـند، صـرفاً مرثیـه خـوانی و بیـان حزن آمیز وقـایع کربلاـ را در نظر گرفته و عمومـاً به بازنویسـی رویدادهای کربلا با بیان مظلومیت اهل بیت پیامبر (ص) تأکید می کند، در حالی که رویکرد نوین علاوه بر پذیرش بکاء بر اهل بیت (ع) و بیان حزن آمیز حادثه کربلا عمدتاً توجه خود را به شـناخت منطق موجود در ورای قیام و پالایش وقایع آن معطوف داشته و در ادبیاتی که شکل می دهد، به دنبال تجزیه و تحلیل پیام دهندگی

و اثر بخشی و نیز الگو قرار دادن آن برای مقاومت و مبارزه و شهادت است. در واقع، این نگرش کار ویژه‌ای انقلابی و منطقی مبارزپرور را در درون حوادث سال ۶۱ ق.

می جوید و هر تفسیری غیر از آن را فرو کاستن از هدف بزرگ امام حسین (ع) و کژتابی از راه ایشان می داند.

در دوران مورد بحث، هر چند نقش فداییان اسلام در دهه بیست و اوایل سی و سپس، جمعیت های مؤتلفه اسلامی و حزب ملل اسلامی در دهه چهل که کم و بیش در درون جامعه روحانیت و یا در ارتباط با آنها شکل گرفتند، در بازپروری و معرفی و سپس، نهادینه ساختن مفاهیمی چون شهادت و مبارزه برای خداوند و امثال آن انکارناشدنی است.

ادبیات چالشی شیعه، توضیحی نوین از مفاهیمی چون جهاد، شهادت، مبارزه علیه ظلم و امثال آن را ارائه داد تا زمینه های نظری هر گونه مبارزه علیه رژیم پهلوی را در دستگاه فکری – تاریخی شیعه توجیه کند.

اما در این میان نقش امام خمینی (ره) در احیای تفکر عاشورا و کاربردی کردن آن و تجهیز مفاهیم جهاد و شهادت برای تبیین نظری مبارزه با حکومت، اساسی است. به غیر از گزارش های متعددی که در این ارتباط در اعلامیه ها و سخنرانی های وی بیان شده است، نگاه امام در کتاب «ولایت فقیه» به مقوله مبارزه و جهاد تحت تأثیر شگرف عاشورا و حادثه کربلا قرار دارد. بدون تردید یکی از اساسی ترین پایه های اعتقادی نهضت امام (ره)، که در دهه چهل آغاز شد، تحت تأثیر این واقعه بود. به تعبیر دکتر عنایت: امام بیشتر از هر متکلم شیعی هم شأن خود، خاطرهٔ کربلا را با ضرورت های سیاسی حاد موجود پیوند زد».(۱)

امام خمینی انقلاب اسلامی ایران را مدیون و نشأت گرفته از قیام عاشورا می داند و می فرماید:

۱- حمید عنایت، اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر، پیشین، ص ۳۳۱.

«ما باید همه متوجه این معنا باشیم که اگر قیام حضرت سید الشهداء (ع) نبود، امروز ما نمی توانستیم پیروز شویم، انقلاب اسلامی ایران پرتویی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است».(۱)

امام به ضرورت تحولی عظیم و انقلابی عمیق در بنیان جامعه تأکید می ورزیدند و با پیوند قیام عاشورا و انقلاب مردم ایران، قیام برای رسیدن به جامعه نظام مند اسلامی را لازم دانستند و بر آن تاکید نمودند و رژیم طاغوتی و ستم شاهی را از مصادیق روشن «منکر» معرفی فرمودند و کمر همت به انهدام آن بستند.با عنایت به این که عاشورا توضیح دهندهٔ فلسفه مبارزات سیاسی شیعه است، کوشش اصلی امام خمینی (ره) این است که مفاهیم پنهان آن را در عرصهٔ عمل و مبارزه و جهاد برای مردم قابل فهم و درک کند و آن را از حالت یک واقعه غم انگیز (تراژیک) خارج نموده و به صورت حرکتی هدفدار و اصولی که مسلمانان باید از آن به عنوان یک راهنما درس بگیرند، ارائه کند.

در هر صورت، موضوع جهاد و شهادت و بحث های حول و حوش آن به ویژه قیام امام حسین (ع) که از جمله آموزه های اساسی فرهنگ شیعه به شمار می آید، در دهه های پیش از انقلاب اسلامی مورد بازشناسی و باز تفسیر قرار گرفت و متفکران شیعه بخصوص امام خمینی در طرح و بازپروری آن کوشش های فکری فراوانی انجام دادند و به عنوان ساز و کاری درون مذهبی در راستای تجهیز مفاهیم بنیادین فکری در اندیشه شیعی مطرح کردند که فوری ترین نتیجهٔ آن، زدودن خرافات و اوهام از قیام ابی عبدالله الحسین (ع) بود. هر چند این مقولات در بنیان های اندیشهٔ شیعه جایگاه ویژه ای داشت، در شرایط جدید در درون اندیشه نوین سیاسی شیعه، این مفاهیم و نقش رویدادهای کربلا، راه اساسی خود را بازیافت و کار ویژه‌هایی فراتر از انتظارات سنتی از ان ایفاء کرد و در جهت توجیه و تبیین نظری مبارزه و مسائل پیرامون آن به کار گرفته شد.

۱- روح الله خمینی، صحیفه نور، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۲.

۴-۴- گفتار دوم

۱-۴-۴. آموزه مهدویت و بازتعریف انقلاب اسلامی در آرمان و اندیشه امام خمینی (ره)

اشاره

امام خمینی از بارزترین اندیشمندانی است که براساس دیدگاه فرهنگی – اجتماعی، به تحلیل و بازخوانی جامعه بر اساس فرهنگ مهدویت پرداخته و کوشیده است تا با تفسیر درست از انتظار منجی، راهی برای برون رفت جامعه از بن بست های عصر غیبت بیابد. آموزه مهدویت بعنوان لایه زیرین و معرفتی (هویتی) انقلاب اسلامی در ذهن و اندیشه امام خمینی رویکردی متفاوت دارد که در این مجال این رویکرد را در مؤلفه های زیر مطرح می کنیم.

۱-۱-۴-۴. استراتژی انتظار فرج در اندیشه امام خمینی (ره)

مفهوم انتظار فرج در فرایند انقلاب اسلامی به گونه ای باز تعریف شد که دیگر به معنای «امید به برقراری حاکمیت عدل در آینده و رستگاری انسان با مداخله‌ی الهی» نیست، بلکه انتظار، «آمادگی روحی و عملی و اعتقادی برای اصلاح، انقلاب و تغییر وضع جهان» است. همین طور غیبت نیز دیگر به معنای سلب مسئولیت اجتماعی نیست، بلکه به معنای مسئولیت مردم در تعیین سرنوشت، ایمان، رهبری، زندگی معنوی و اجتماعی خود و تعیین رهبری است که بتواند جانشین رهبری امام (ع) باشد.(۱)

در واقع اصرار علما برای محدود کردن قدرت قانونی قدرت شاه به معنای آن بود که مبارزه‌ی سیاسی برای بهبود شرایط در جوامع شیعه جاز است و نباید تنها موکول به ظهور امام غایب گردد و تا فرا رسیدن آن روز، مردم خود می توانند برای استقرار یک نظام عادلانه‌ی حکومتی قیام کنند این نوع تصور و ادراک جدید از مفهوم انتظار در عصر غیبت در مقابل دیدگاه هایی قرار می گرفت که با تأکید بر اصل عدم مشروعیت حکام دنیوی، افراد را دعوت به پذیرش تقدیر و سرنوشت و رضا دادن به قضا و قدر ناشی از پذیرش حکومت های نامشروع می

۱- عباس کشاورزی شکری، ایدئولوژی انقلاب ایران: ایدئولوژی شیعه و باز تفسیر آن»،پژوهشنامه متین، شماره ۸، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۷۸- ۱۷۷.

نمودنـد. این تحول در نوع نگرش به مفاهیم که به معنای احیای ارزش های عقیدتی و سیاسـی جهت تحرک آفرینی در جامعه بود، بیـانگر نوعی حرکت از مبـانی ایـدئالیستی صـرف به ابعـاد جـامعه شـناختی دین اسـلام بود که بر اساس آن بایـد با فراهم نمودنـد «دکترینی عقلانی»(۱) از فرصـت هـای حـداقل پیش رو، برای اسـتقرار نظـام الهی بهره جست نه آنکه تـا انتظـار تحقق شرایـط آرمانی، احکام و اصول شـریعت اسـلامی تعطیل شود چنانکه امام خمینی در کتاب «ولایت فقیه» خاطر نشان می سازد: «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن از نسبت صد به یک هم بیشتر است».(۲)

این تحولات مفهومی و تلاش های صورت گرفته در این راسـتا، منجر به تحولات عقیدتی و سیاسـی در جهان تشیع برای ایجاد حکومت اسـلامی مبتنی بر ولایـت فقیه شـد. امـام خمینی که مفهوم انتظـار را به اوج تحول خود رسانـد و فقیه جانشـین امام را دارای گسترده ترین اختیارات و نیز گسترده ترین مسـئولیت ها دانست و به تبع آن از گسترده ترین اختیارات مردم در برپایی و نابودی حکومت ها و حاکمان سخن گفت و سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنان را به دست خود آنان دانست و راه را برای فهم عمومی و گستردهٔ این آیه «انّ الله لا یُغیّرمـا بِقومٍ حتّی یُغیّروا ما بِأنفسِهِم» فراهم آورد. از این رو منتظران در عصـر نهضت امام خمینی (ره) خود جزء عناصـر اصـلی نهضت گردیدنـد و در پیشبرد آن بیشترین نقش را ایفا کردنـد انتظار مثبت، منتظران را به خروج از بی تفاوتی تشویق می کند.

امام خمینی (ره) از ابتدای مبارزه تفاسـیر گوناگونی را از انتظار مورد توجه جدی قرار داد و ضمن رد نگرش منفعلانه نسبت به مقوله انتظار، آن را به صورت یک ساز و کار فعال کننده تبیین کرد. وی در کتاب ولایت فقیه بیان می دارد: «ما مکلف هستیم اسـلام را حفظ کنیم ... شـما در صورتی خلفای اسـلام هستید که اسلام را به مردم بیاموزید و نگویید بگذار تا امام زمان (عج) بیاید. شما نماز را هیچ وقت می گذارید تا وقتی امام زمان (عج) آید، بخوانید؟

۱- Mangol bayat, shi'a Islam as a Functioning Ideology in Iran: The cult of the Hidden Imam p ۲۱.

۲- روح الله خمینی، ولایت فقیه، تهران، سپهر، ۱۳۵۸، ص ۹.

حفظ اسلام واجب تر از نماز است، منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می گفت: باید معاصی را رواج داد تا امام زمان بیاید. اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت (عج) ظهور نمی کند».(۱)

نهضت انقلاب امام خمینی راه را برای توسعه و نهادینه ساختن چنین تفسیرهای انقلابی از انتظار فرج فراهم آورد و رویکرد فعال و سازندهای را از انتظار ارائه کرد. توسعه این دیدگاه باعث شد که بسیاری از مقدسان و مردم که انتظار را در قالب سطحی آن پذیرفته بودند، به جمع انقلابی ها و مبارزان میپیوندند.

۲-۱-۴-۴. چگونگی تحول گفتمان سلبی انتظار به ادبیات ایجابی

امام خمینی با بهره گیری بهینه از عناصر و اجزای فرهنگ انتظار و با نگاهی اجتماعی و کلان به این آموزه توانست مبدأ تحولات بنیادین در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امت ایران باشد. در نگاه استراتژیک امام به آموزه مهدویت، انتظار، منتظر را به انزوا نمی کشاند و او را از مسئولیت های اجتماعی نمی رهاند. وی با نگاه عقل گرایانه به مفهوم انتظار، نه نگاه نقل گرایانه ای (اخباری گری) که نقش حداقلی را برای انسان منتظر تعریف می کرد، توانست احساس مسئولیت فردی و اجتماعی را در سطح جامعه به بالاترین حد ممکن که تشکیل حکومت بود، ارتقا بخشید. ایشان به مدد ژرفای جهان بینی خویش توانست مفهوم «انتظار» را در اجتهاد فقهی خود بازسازی کند و ادبیات سلبی انتظار را به گفتمان ایجابی و مثبت اندیش آن بدل سازد.

نتیجه قرن ها غلبه نگرش نقل محور بر فرهنگ مهدویت، خواسته یا ناخواسته، آشکار و پنهان، جبرگرایی خاموشی بود که بار مسئولیت و تکلیف را از دوش منتظران برداشته و سبب گشته بود مکلفان، بیاعتنا به عمل به تکالیف عصر غیبت، چهره در نقاب اعتماد به تقدیرگرایی افراطی کشیدند ولی امام خمینی با سیره عملی خویش به تبیین و ترجمه این آیه شریفه «اِنَّ اللهِ

۱- روح الله خمینی، ولایت فقیه، پیشین، ص ۵۸.

لا يُغيّرُ ما بقومٍ حتّى يُغيّروا ما بأنفُسهم»(۱) پرداخت و با گشودن پنجره عقل بر روی متون نقلی، پس از اعتماد به اختیار انسان در عرصه سرنوشت اجتماعی خویش، مفهوم انتظار منجی را به اوج رساند و توانست پایه های عقلانی و اجتماعی مهدویت را پشتوانهٔ اصالت نقلی آن قرار دهد.

از این رو، از آنجا که در این نگرش، پتانسیل فراوانی برای حرکت و تغییر وضع موجود با بهره گیری از مفاهیم اسلامی و اصیل امامت وجود دارد، جامعه شیعه با حفظ آرمان اصیل امامت به فعال سازی مجدد مفهوم انتظار فرج پرداخت و آن را به استراتژی و اهرمی برای حرکت و ترمیم جامعه تبدیل ساخت.

از فردای غیبت، علمای شیعه با تمایلات منجی گرایانه‌ی منبعث از مفهوم مهدویت، مذهب خود را تضعیف کردند و در ازای آن نوعی تفکر سیاسی اجتماعی غیر فعال، نرمش گر و سازش کارانه برای تشیع پدید آوردند. با رهبری اینان به طور کلی توجه جامعه شیعی از تصرف قدرت مرکزی حکومت یا تمایلات دنیوی به مسائل دینی، معنوی و عرفانی و پیدایش کلام، فلسفه و فقه سوق داده شده و تفکر مهدوی موجود در تشیع را در خاموشی نگه داشت. کلام و فقه شیعه که در این دوران شکل گرفت بازگشت امام غایب را به آخر الزمان موکول کرد و در نتیجه از اهمیت سیاسی اجتماعی و مذهبی مفهوم انتظار کاست. افزون بر آن از آنجا که در نظر شیعه، امام زمان تنها حاکم مشروع است و در غیاب او حکومت چه شیعه و غیر شیعه مشروعیت ندارد، با قرار گرفتن در زیر پرچم انتظار مداوم، شیعه نه تنها دیگر لزومی در تصرف مراکز قدرت جهان اسلام نیافت بلکه بطور کلی در بسیاری موارد از سر عمد از مسائل سیاسی و دنیوی دست شست و جوامع شیعی جنبه درون فکری و عقبی گرایی به خود گرفت.(۲)

۱- قرآن مجید، سوره رعد، آیه ۱۱.

۲- حمید رضا اخوان مفرد، ایدئولوژی انقلاب ایران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹.

دست کم می توان تـا قرن ۱۹ م نوعی رابطه مسالمت آمیز را بین اسـلام شـیعی و سـیاست دیـد. یعنی آرامش طلبی و پـذیرش وضع موجود با تفسیر محافظه کارانه از آموزه ها، ارزش ها، هنجارها و نمادهای مذهبی در این دوران به صورت ادبیات غالب بوده‌اند.

امام کوشـید محتوای سلبی این نظریه را با دعوت شیعیان به تشکیل دولت اسلامی و تقبیح آشکار باور عمومی به اینکه تا وقتی بی عـدالتی سراسـر جهان را نگیرد، عدالت برقرار نخواهد شد، نفی کند. لذا انتظار از نظریه ای مبنی بر پذیرش وضع موجود به نظریـه ای برای اعـتراض علیـه وضـع موجـود تبـدیل شـد و اینکه ارادهٔ خداونـد به این تعلـق گرفته است تـا روزی مستضـعفین، حکومت بر زمین را در دست گیرند.(۱)

روحیه انقلابی ایجاد می کنـد و طی آن مؤمن سـعی می نمایـد زمینه های ایجاد این حکومت را با اعمال مسـئولانهٔ خود فراهم آورد. در انتظار مثبت، کسانی که زیر باز سـتم و ظلم له می شوند، مأیوس نمی گردند و مطمئن هستند ارادهٔ خداوند که همان جبر تاریخ و همان نظام سـنت تاریخی است به سود پیروزی آنان جاری است. به هر حال نقش امام خمینی در تفسیری انقلابی و ظلم ستیز از مذهب تشیع در روند ایدئولوژیک شدن شیعه حائز اهمیت است.

۳-۱-۴-۴. تأسیس حکومت اسلامی و دولت منتظر برپایهٔ استراتژی انتظار

معمار کبیر انقلاب اسـلامی با بیان این مطلب که «بدیهی است ضـرورت اجرای احکام که تشـکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده است، منحصـر و محدود به زمان آن حضـرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد،»(۲) بنیان یـک انقلاب دینی را پی ریزی کرد. ایشان ضـمن روشن ساختن مشـروعیت حکومت اسـلامی در عصـر غیبت با اثبات این که حقیقت دین، جز با اجرای حکومت دینی قابل ظهور نیست، حکومت دینی را از انـدیشه به حیطهٔ عمل کشانـد و عدل، عقل و عشق را بر سر یک سفره نشاند. امام یگانه عالم عصر غیبت

۱- قرآن شریف، سوره قصص، آیه ۵.

۲- روح الله خمینی، ولایت فقیه، پیشین، ص ۱۸.

بود که توانست حقیقت نظر را به قله های رفیع عمل برساند و حقانیت اصول پایه نظام دینی را مستحکم سازد تا حکمت عملی اسلام را در جامه حکومت اسلامی مجسم سازد.

امام خمینی (ره) در سه مرحله، آرمان حاکمیت دین را از ذهنیت به عینیت تبدیل ساخت، به گونه ای که در مرحله نخست، با پردازش به مدخل ولایت فقیه و کتابت بخش هایی از کتاب های البیع و المکاسب المحرمه، مبانی استدلالی یکی از اساسی ترین مباحث کلام و فقه سیاسی شیعه، یعنی ولایت فقیه در عصر غیبت را مطرح ساخت و توانست با تکیه بر آن، مشروعیت حکومت اسلامی را ثابت کند.

در مرحلهٔ دوم که از سال ۱۳۵۷ تا پایان حیات ایشان ادامه یافت، معماری این بنای سترگ و بی مانند را در غیبت جامعه بر عهده گرفت و امکان عینی و عملی آن را در گسترهٔ حیات اجتماعی به نمایش گذاشت. همچنین برای پاسخ به شبهه ها و نکته های پیچیده ای که در طول مسیر پر پیچ و خم انقلاب، تک تک افراد جامعه با آن روبه رو می شوند، اهتمام ورزید.

در مرحله سوم، با نوشتن وصیت نامه سیاسی – الهی، به عنوان آخرین پیام ماندگار خویش، چگونگی ادامه راه، پیش بردن حکومت اسلامی و نیز شیوه نگهبانی و پاسدازی از آن را روشن ساخت.

وی در وصیت نامه سیاسی و الهی خویش که مانیفست سیاسی – اجتماعی ایشان و نیز به عنوان زنده ترین سندی است که بایسته ها و عملکرد دولت دینی و دولت منتظر را به تصویر کشیده است، می فرمایند: «ما مفتخریم که ائمه معصومین (علیهم السلام) از علی بن ابیطالب (ع) گرفته تا منجی بشر، حضرت مهدی صاحب الزمان که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند».(۱)

خیزش انقلابی امام خمینی با تکیه بر اندیشه مهدویت و تأسیس جامعه منتظر برای آماده سازی

۱- روح الله خمینی، صحیفه نور، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۹۶.

زمینه هـای ظهور امام زمان (عـج) بر همگان ثابت کرد که اسـلام نه تنها از مسائل سیاسـی – اقتصادی، اجتماعی و نظامی هیچ گاه به دور نبوده، بلکه در همه عرصه ها بهترین راهکار را معرفی ساخته است.

مدخل اندیشه انتظار و دولت منتظر در آرمان امام خمینی (ره)، یکی از عناصـر و دغدغه های اصلی آن رهبر فرزانه است. امام بـا طراحی این پیش فرض ذهنی که آرمان توحیـد همه پیامبران به دست حضـرت مهـدی (عـج) تحقق خواهـد یافت، قرائتی از دولت دینی و منتظر بیـان می دارد. ایشـان بـا نفی هر گونه برداشت که سـبب دوری مردم از دولت منتظر و انتظـار منجی شود، طرح نوینی در اندیشه مهدویت و دولت مهدوی درانداخت.

زمـان حضور و غیبت امـام معصوم (ع) در انـدیشه امـام (ره) تنهـا به این معنـا بود که ولی فقیه دقیقاً با نیابت عامه، خلأ حضور فیزیکی امـام معصوم (ع) را پر می کنـد. ایشـان در جایی می فرمایـد: «لزوم حکومت به منظور بسط عـدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی ترین امور است، بی آنکه بین زمان حضور و غیبت امام (عج) و این کشور و آن کشور فرقی باشد».(۱)

در اندیشه امام (ره) حکومت شاخه ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است. امام خمینی (ره) ظهور انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی و امکـان گسترش آن در دیگر نقاط جهان را مقـدمه ای برای انقلاب جهانی حضـرت مهـدی (عـج) و تشـکیل دولت فراگیر او می داند.

بنـابراین، از این منظر، مهـدویت صـرفاً یک موضوع تاریخی یا یک اعتقاد کلامی محض نیست، بلکه در افق بلنـد انـدیشه امام (ره)، مهدویت پایه اسـلام است که نقطه برخورد و اشتراک دین، سـیاست، عرفان و فلسـفه تاریخ به شمار می رود و استمرار و بقای امامت در گرو زنده داشتن این اندیشه ماندگار است.

۱- روح الله خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۳.

۴-۱-۴-۴. آموزه مهدویت و تحول نفوس

امام خمینی (ره) همانند شهید صدر با استناد به آیه «اِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بقومٍ حتّی یُغَیِّروا ما بأنفُسهم»(۱) معتقدند که در ایران یک تحول و انقلاب درونی صورت گرفته است. با دگرگونی و تغییر اندیشه ها و ارزش های درونی، دگرگونی بیرونی هم صورت خواهد گرفت.

بنا به فرموده شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر (ره)، محتوای باطنی انسان یعنی فکر و اراده، سازنده حرکت تاریخ است. لذا تغییر در محتوای باطنی انسان ها عامل سرنوشت ساز محسوب می شود. بر اساس این نظریه پس از آنکه فکر، اندیشه و باور انسان تغییر کرد، رفتار و کردار و نیز تغییر خواهد کرد. انقلاب فکری و محتوایی سبب می شود تا تمامی ارزش ها، شناخت ها، نمادها، باورها، ایستارها و حتی احساسات و در مجموع فرهنگ یک جامعه تغییر کند و به دنبال آن، زمینه اقدامات دیگری مانند مشارکت افراد در اقدامات نظامی و اقتصادی به منظور پیشرفت آرزوها و خواست های دینی، فراهم گردد.

امام خمینی معتقدند تحولی که در ملت ایران صورت گرفت، به خاطر تحولی بود که در نفوس صورت گرفته بود. ملت ایران که سال ها تحت فشار و ظلم و استبداد بودند متحول شدند و این تحول درونی مقدمه تحول بیرونی شد و همه به خیابان ها ریختند و فریاد زدند که ما این رژیم را نمی خواهیم. از نظر امام خمینی (ره) این یک سنت الهی است و وقتی شما خودتان مهیا شدید برای اینکه تحت بار ظلم بروید، ظالم پیدا می شود و وقتی که مهیا شوید برای جلوگیری از ظلم، ظالم عقب می نشیند.

ایشان در این زمینه می فرمایند:

«اِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بقومٍ حتّی یُغَیِّروا ما بأنفُسهم» «ما» یک واقعیتی است و دستور، واقعیت به این معنا که تغییراتی در یک ملتی و در یک قومی حاصل بشود. این منشأ یک تغییرات تکوینی، تغییرات جهانی، تغییرات موسمی می شود. شما ملاحظه کردید که این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تغییری بود، تحولی بود که در نفوس پیدا شد. ما یک قوم بودیم،

۱- قرآن مجید، سوره رعد، آیه ۱۱.

ملت ما یک قومی بودند که به واسطه تغییرات سوئی که در طول تاریخ شده بود و به واسطه سلطهٔ همه جانبه اجانب دست نشاندگان اجانب به این صورت درآمده بود ... و بحمدالله یک ملت تحت فشار که در طول تاریخ به این فشار خو گرفته بود و پذیرفته بود این ظلم را، در یک مدت کوتاهی متحول شد به یک ملت که پذیرش هیچ یک از این ظلم ها را دیگر نداشت یعنی این ملت همچو طغیانی کرد برخلاف دستگاه ظلم ... از همه چیز دست برداشتند و ریختند در خیابان ها و در کوچه ها و فریاد زدند ما نمی خواهیم این رژیم را ... پس قوم ما یک تحولی پیدا کرد، تغییری پیدا کرد، تا این تغییر نفسانی حاصل نشده بود، این قوم مورد تغییر واقعی که رفتن یک رژیم طاغوتی و آمدن یک رژیم اسلامی باشد این معنا حاصل نمی شد. پس خدای تبارک و تعالی تغییر نمی دهد مگر اینکه ما خودمان تغییر بدهیم خودمان را. اگر خودمان را تغییر دادیم در جانب پذیرش ظلم یک ظالم به ما مسلط می شود. این طبیعی است و اگر خودمان را تغییر دهیم برای دفاع از کشور خودمان خداوند اسبابش را فراهم می کند ... این سنت الهی است که کارهایی که می شود خدای تبارک و تعالی روی اسباب و مسببات کار می کند».(۱)

خوانش پویا و ایجابی آموزهٔ امامت و مهدویت در اندیشه امام خمینی سبب تغییر در محتوای باطنی ولایه ذهنی اجتماع گردید و مردم در کنار امام و مقتدایشان با ابراز نارضایتی از وضع موجود برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش نمودند، که این تلاش موجب پی ریزی پایه های انقلاب اسلامی شد لذا مردم ایران، آگاهانه (با برداشت صحیح از آموزه مهدویت) با تحول درونی که در آنها پدید آمد به تحول و دگرگونی بیرونی و اجتماعی رسیدند.

۱- روح الله خمینی، صحیفه نور، پیشین، ج ۹، ص ۲۰۸- ۲۰۶.

۵-۴- جمع بندی

در این فصل ابتدائاً به تحلیل نظام ارزشی اسلام مبتنی بر آموزه مهدویت پرداختیم. سپس در گفتار اول نقش رهبری امام خمینی در هدایت کشتی انقلاب را بررسی کرده و متذکر گشتیم که چگونه ایشان با طرح نظریه نظام سیاسی ولایت فقیه، رهیافت سیاسی خود را در تغییر نظام سیاسی و نفی سلطنت بر مبنای شریعت اسلامی ارائه کرد.

امام خمینی(ره) به عنوان تئوریسین انقلاب اسلامی، با بازخوانی و فهم جدیدی از کلیدواژگان ادبیات شیعه دست زد و گزاره‌هایی چون امامت، امر به معروف و نهی از منکر، نفی سلطه اجانب، تقیه، ولایت، اجتهاد، شهادت و قیام عاشورا تفسیری انقلابی و ستیزه‌جویانه ارائه داد و با زدودن تفاسیر سنتی به فهم تازه و تحول نفوس پرداخت.

ایشان معتقد بودند، باید یک تحول درونی صورت گیرد. باید در فکر و اندیشه مردم تغییر و دگرگونی صورت پذیرد و تا تحول باطنی و درونی صورت نپذیرد تحول بیرونی امکان‌پذیر نیست.

در گفتار دوم این فصل نیز به تبیین و تحلیل آموزه مهدویت که لایهٔ زیرین معرفتی انقلاب اسلامی است در اندیشهٔ امام راحل پرداختیم و استراتژی انتظار فرج، چگونگی تحول گفتمان سلبی انتظار به ادبیات ایجابی و تأسیس حکومت دینی و انقلاب اسلامی را در آرمان امام به بحث گذاشتیم.

بنابراین با توجه به آنچه که در این فصل مورد بررسی قرار گرفت می‌بینیم که در ایران یک انقلاب به تمام معنا مذهبی به وجود آمد، یک تحول اساسی و عمیق که ریشه در تحول اساسی و عمیق درونی دارد.

باورها، رفتارها و نمادهای مذهب تشیع خصوصاً آموزه مهدویت و انتظار فرج، نقش مهمی در تحولات ایران و انقلاب اسلامی داشته‌اند. علما و روحانیون، روشنفکران دینی و مردم همه تحت تأثیر این آموزه‌ها و باورها بودند. همه درد دین و دغدغهٔ دین داشتند. البته این به

معنای انکار تأثیر سایر عوامل در وقوع و پیروزی انقلاب نیست لکن نقش باروهای دینی و آموزه مهدویت زیربنایی بوده است. و این آموزه با تلاش‌های فکری و فرهنگی روحانیون و روشنفکران دینی و در رأس همه آنها امام خمینی(ره) موجب تحول درونی عمیق و گسترده در سطح جامعه شد و با تحول درونی، تحول اساسی در اجتماع، سیاست و غیره به وجود آمد.

نتیجه گیری

۱- دستاوردها

سوال اصلی پژوهش عبارت بود از اینکه آیا آموزه‌های مهدویت در تکوین و هویت دینی انقلاب اسلامی نقش‌آفرین بوده است؟

فرضیه پژوهش عبارت بود از: آموزه‌های مهدویت از طریق تحول در باورها، رفتارها و نمادهای ایرانیان شیعه در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی ایران نقش آفرینی کرده است.

برای آزمون فرضیه فصولی را طراحی کردیم.

در فصل اول مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش ارائه می‌شود، چارچوب نظری این پژوهش نظریه محتوای درونی انسان است. این نظریه منسوب به شهید بزرگوار آیت الله محمدباقر صدر می‌باشد. ایشان در کتاب سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، منشأ و مدار حرکت تاریخی را محتوای درونی انسان می‌داند. این تئوری محتوای باطنی آدمی را مرکب از دو گوهر اندیشه و اراده می‌داند که در ساخت اجتماع و حرکت تاریخ تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، زیربنای محتوای درونی آدمی و مجموعه پیوندهای اجتماعی و نظامات زندگانی و تشکیلات بشری روبناست.

تغییر در محتوای درونی انسانها(اندیشه و آرمان+ اراده) =تحولات تاریخی.

از نظر شهید صدر، محتوای باطنی انسان را فکر و اندیشه از یک طرف و اراده و اختیار از طرف دیگر تشکیل می‌دهد. با تغییر فکر و اندیشه و باور انسان، رفتار و کردار او نیز تغییر خواهد کرد. تغییر در محتوای باطنی انسان‌ها عاملی سرنوشت ساز به شمار می‌آید. انسان در فکر و اندیشه خود ایده‌آل‌هایی می‌سازد که ممکن است کاذب یا واقعی باشد. این ایده‌آل‌ها اهدافی است که در ذهن و فکر انسان شکل می‌گیرد و راهنمای انسان در اعمال و رفتار او است و رفتار او را شکل و جهت می‌دهد. این اهداف انگیزه‌های همه فعالیت‌های او در صحنه

اجتماع می‌شود و با تغییر فکر و انـدیشه و ایـده‌آل و اهـداف او به تبع، اعمال و رفتار او تغییر خواهد کرد و در عرصه اجتماع و تحـول انقلابـی اگر مردم به نـتیجه برسـند که وضـعیت موجـود وضـعیتی مطلوب نیست و می‌توانـد بهـتر از این باشـد و اراده و تصـمیم بر تغییر وضع موجود داشته باشند، انقلابی عظیم صورت خواهد گرفت ولی اگر هر یک از این دو عامل یعنی تغییر در فکر و اندیشه و اراده بر تغییر وضع موجود در جامعه‌ای به وجود نیاید، انقلاب و تحول اساسی صورت نخواهد گرفت.

این نظریه متخذ از وحی و این آیه شریفه است «ان الله لا یُغَیِّر ما بِقَوم حَتی یغَیِّرُ ما بِانفُسهم» همانا خداونـد وضع جامعه‌ای را تغییر نمی‌دهـد مگر آنکه محتوای باطنی و درون خود را تغییر دهنـد. نقش نخبگان و رهبران فکری در فرایند تأثیرگذاری فکر توده نقشی حساس و کلیدی است.

از آنجا که شیعه معتقد است ایده‌آل‌ترین مدل حکومت بشری، حکومت امام مهدی (عج) می‌باشد و اساساً انتظار این حکومت چنانچه در روایات آمده، برترین اعمال است. تاریخ سیاسی ایران به رهبری امام خمینی(ره) پا به عرصه جدیدی گذاشت.

امـام خمینی(ره) بـا تبیین نظریه ولایـت فقیه و بـا چشم‌داشت به زمینه‌سازی برای ظهور حکومت عـدل جهانی، آتش انقلابی را مشتعل کرد که زبانه‌های آن کاخ‌های هزارویک شب پهلوی را به کام نیستی فرو برد.

ایشان با ترمیم و تقویت گفتمان ایجابی مهدویت در لایه ذهنی اجتماع و باطنی مردم، تأثیر ژرفی در ارادهٔ آنها نهاد که انقلاب اسلامی ایران از یک منظر محصول خوانش صحیح آموزه مهدویت می‌باشد..

در فصل دوم، به تبیین و بررسی مولفه‌ها، شاخص‌ها و ابعاد آموزه مهدویت و تحول گفتمان سلبی انتظار به گفتمان ایجابی آن می‌پردازیم. در گفتار اول آموزه مهـدویت را در سه بعد اقتصادی- کلامی، اجتماعی و سیاسـی تعریف نموده و در گفتار دوم به تعریف گفتمان سلبی انتظار و تعطیل حکومت مشروع پرداختیم. انتظار سلبی، قرائتی است که سالها حاکم بر

ادبیات سیاسی و رفتار اجتماعی شیعیان بود؛ یک نگاه منفعل و واپس گرایانه است. انتظار سلبی، به دیدگاه کسانی اطلاق می-شود که پدیدهٔ ظهور حضرت حجت را تنها معلول اراده و مشیت الهی می‌دانند و برای عوامل انسانی و طبیعی چندان نقشی قائل نیستند. فلذا جزء دعا و انابه، هیچ گونه مسئولیت و تکلیف اجتماعی را در عصر غیبت برای مکلف برنمی‌تابند.

تشدید رویکرد نقل گرایی، توسعه نگرش جبرگرایی(تقدیرگرایی) و ترویج اباحی گری را از ویژگیهای اعتقادی، کلامی گفتمان سلبی انتظار برشمردیم و اختیار حداقلی انسان، تعطیل شدن حدود و مقررات دینی و انزواطلبی و از هم گسیختگی را از شاخصه‌های ویژگیهای اجتماعی گفتمان سلبی انتظار نام بردیم و در بعد ویژگیهای سیاسی گفتمان سلبی انتظار به مولفه-هایی چون غلبه گفتمان تقیه‌محور بر ادبیات انقلابی، تقویت تفکر حجتیه‌ایسم و رشد فساد در جامعه، پذیرش حکومت جور و سکوت در مقابل طاغوت و عدم تشکیل حکومت مشروع اشاره کردیم.

در گفتار سوم این فصل نیز به گفتمان ایجابی انتظار و تشکیل حکومت مشروع پرداختیم.

در تعریف انتظار ایجابی، در این فرهنگ، دوره طولانی غیبت فیزیکی امام معصوم، بحران‌ها،

آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی سیاسی جای خود را به اجتهاد و نوآوری، زایش توان عقلی و معرفتی و رشد و توسعه سیاسی اجتماعی می‌دهد که با هدایت معنوی امام منتظر از ورای پرده غیبت صورت می گیرد.

سپس به ویژگی‌های اعتقادی- کلامی گفتمان ایجابی انتظار پرداختیم و عناصری چون رشد

عقل گرایی، تبدیل راوی حدیث به فقیه مجتهد، استقلال فکری شیعه و نفی گفتمان تقدیرگرایی را برشمردیم و مولفه‌های تقویت روحیه امیدواری، اصلاح ناهنجاریها و همبستگی اجتماعی، پویایی اجتماعی و احیای امر به معروف و نهی از منکر را از ارکان ویژگی‌های

اجتماعی گفتمان ایجابی انتظار دانستیم و در بخش ویژگی‌های سیاسی گفتمان ایجابی انتظار به شاخص‌هایی همچون، تحول مفهوم تقیه، طاغوت ستیزی، نظریه ولایت حداکثری فقیه و انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی اشاره نمودیم و در پایان هم جمع بندی کردیم.

در فصل سوم پس از تعریف هویت و چیستی دینی انقلاب اسلامی در سه گفتار به تبیین هویت انقلاب اسلامی پرداختیم.

در گفتار اول به باورهای انقلاب اسلامی پرداختیم. البته باورهای انقلاب اسلامی که برگرفته از باورهای مذهب تشیع است محدود به آنچه ذکر شده است نیست بلکه با توجه به هدف پژوهش، آنهایی را که بیشتر جنبه انقلابی و زمینه ساز تحول درونی هستند مورد توجه قرار گرفته شد تا تأثیر آنها در انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

امامت، اجتهاد، ولایت، امر به معروف و نهی از منکر، انتظار فرج و تقیه از باورهای اساسی در مذهب تشیع است و شیعیان اعتقاد خاصی به آنها دارند. شیعیان معتقدند که درهر زمان امام وجود دارد و سرسلسلهٔ این امامان حضرت علی(ع) است و در زمان غیبت امام دوازدهم(علیهم السلام) نواب خاص و عام آن حضرت یعنی فقها، جامع الشرائط و مجتهدین، رهبری جامعه اسلامی را به عهده دارند. بنابراین مسلمانان نسبت به فقهای جامع الشرایط احترام و توجه خاصی دارند و آنها نقش محوری در امور زندگی مردم چه در مسائل زندگی خصوصی و چه در اجتماع ایفاء می کنند. و از قدیم الایام هرگاه برای مسلمانی مشکلی چه در امور دینی و چه دنیوی به وجود می آمد به این فقها معظم مراجعه می کردند.

در اینجا نقش اجتهاد در شیعه آشکار می شود. در تحولات ایران معاصر از جنبش تنباکو گرفته با انقلاب اسلامی، نقش مجتهدین و مراجع بسیار پررنگ بود. در جریان انقلاب اسلامی، مرجعیت امام خمینی در موفقیت ایشان برای رهبری انقلاب اهمیت زیادی داشت. مردم علاوه بر اینکه در مسائل و احکام دینی به مراجع و فقها مراجعه می‌کنند در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... نیز به آنها رجوع می‌کنند. این مراجع و فقهای جامع الشرائط

بر مردم ولایت دارند. ولایت یعنی حق رهبری و حکومت و حق تصرف در مال شخص به نفع دین اکثریت جامعه و یا فقراء و ضعفاء...

شیعیان معتقدند در دوران حضور، ائمه معصومین(علیهم السلام) ولایت دارند و در دوران غیبت، فقیه جامع الشرائط ولایت دارد، «ولایت فقیه» منظور از آن، حکومت و زمامدارن امور جامعه توسط فقیه است.

از دیگر باورهای مذهب تشیع، نفی سلطه و استعمار، تقیه و امر به معروف و نهی از منکر است. مسلمانان به ویژه شیعیان در ارتباط با سایر کشورها همواره با معیار قانونی «نفی سبیل» عمل می کنند. به مقتضای این قاعده هر عقد و پیمان و ایقاع و هر قراردادی اگر موجب علوّ و عزت و برتری کافر بر مسلم شود باطل است و این حکم در تمام امور عبادی، معاملات و سیاست و ... جعل شده است. همچنین سایر آیات و روایات و احادیث که در مضمون آمده است دلالت بر این مطلب دارد که به فرض اگر پیمانی بین یک کشور اسلامی و یک کشور غیر اسلامی واقع شد، اگر نتیجه آن پیمان سلطه کافران بر مسلمانان باشد این پیمان هیچ ارزش قانونی و شرعی ندارد.

در گفتار دوم نیز به رفتارهای انقلاب اسلامی به چهار رفتار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره کرده و مولفه های هر کدام را به دقت مورد بررسی قرار دادیم.

و در گفتار سوم به نمادهای انقلاب اسلامی که آن را در دو بعد مادی و معنوی تقسیم کردیم پرداخته شد. در بعد نمادهای مادی به مساجد و تکایا، اعلامیه ها و تلگراف ها، حوزه های علمیه، شعارها و ... و در بعد نمادهای معنوی به نهضت عاشورا، اربعین، نیمه شعبان، حکومت پیامبر و امام علی(علیه السلام) و دولت آرمانی امام زمان و امدادهای غیبی اشاره کردیم. و در پایان جمع بندی نمودیم.

نمادها و الگوهای مذهب تشیع نقش مهمی در حوادث انقلاب اسلامی داشته است.

در فصل پایانی این پژوهش آموزه مهدویت را بعنوان کانون نظام ارزشی اسلام مورد دقت و نظر قرار دادیم و رهبری و اجتهاد که یکی از باورهای اساسی مذهب تشیع است موجب

رشد و بالندگی آهنگ حرکت انقلاب شد. و نهاد مرجعیت که برای رفع مشکلات دینی و سیاسی مردم به وجود آمده، در تحولات انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا کرده و می کند. امام خمینی(ره) به عنوان رهبر و ایدئولوگ انقلاب که از جایگاه مرجعیت برخوردار بودند، ارتباط مقدسی با مردم داشتند و مردم ایشان را نائب امام زمان(عج) دانستند.

امام خمینی(ره) با تکیه بر این عناصر اساسی مذهب تشیع، آموزه ها و باورهای مذهب تشیع مثل امر به معروف و نهی از منکر، تقیه، امامت، ولایت، نفی سلطه اجانب، اجتهاد و نمادهایی مثل نهضت عاشورا و حکومت امام زمان(عج) را از حالت رخوت و رکود خارج کرد و وجهه انقلابی آنها را آشکار ساخت. امام با تأکید بر ارتباط دین و سیاست و بهره گیری از ظلم ستیزی و نفی سلطه مذهب تشیع و پیوند امر به معروف و نهی از منکر با واقعه عاشورا و زدودن تفاسیر سنتی و مطرود از آموزه مهدویت و انتظار فرج به تحول نفوس پرداخت و انتظار را به معنی عزلت نشینی بلکه آمادگی و مبارزه با ظلم و ظالم و مهدویت را به عنوان تئوری انقلاب مطرح کرد.

در گفتار دوم از فصل پایانی این پژوهش هم به بازخوانی انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه مهدویت در آرمان امام خمینی(ره) پرداختیم و رویکرد سیستماتیک و حکومتی ایشان به آموزه مهدویت و دولت منتظر را توضیح دادیم. نگاه ایجابی امام خمینی(ره) به مهدویت وبازتعریف ایشان از آموزه انتظار منجی در عصر غیبت علاوه بر تشدید مسئولیت های فردی، اجتماعی و سیاسی، منجر به خلق انقلاب اسلامی گردید. امام با بازسازی مفهوم انتظار فرج و قرائت صحیح از امامت و مهدویت توانست راهی برای برون رفت جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب ایجاد نماید.

بی تردید انقلاب اسلامی، نخستین انقلاب مذهبی عصر حاضر بود که با بهره گیری از نظام معنایی و نظام اندیشگی بدیع، توانست طی یک فرایند تاریخی با وصل کردن خود به ریشه های تاریخی، به صورت الگوی زنده ی سیاسی جلوه نماید و هویتی نوین را بر بنیاد ارزش های دینی مبتنی بر نگاه کانونی آموزه مهدویت شکل دهد. در فرایند انقلاب اسلامی،

نظام دانایی (اپیستمه) و گفتمان دینی‌ای شکل گرفت که با تمامی بداعتش ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت و به مثابه یک ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی ساز، جلوه گر شد.

نظر به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، اهمیت یافتن آموزه مهدویت در متن کنش ها و کردارهای نهضت دینی، لازمه ارائه ی فهمی دقیق و همه جانبه از هویت انقلاب اسلامی با تأکید بر گزاره های مهدوی را می طلبد که بتوانند با اتخاذ رویکردی تفسیری به کنه معانی و واکنش های اجتماعی بروز یافته در متن انقلاب اسلامی، آموزه مهدویت در قالب یک عنصر معنا بخش از مجموعه نظام مفاهیم دین، نوعی پیوند عاطفی و معنادار بین توده انقلابیون ایجاد نمود که با تعمیق باورها و زیرساخت های تئوریک توده، توانست با ایجاد همسانی واژگان اعتقادی- رفتاری و زبان نمادین خود به ایجاد همبستگی جمعی و انسجام منطقی یاری رساند، واژگانی نظیر مهدویت، انتظار فرج، شهادت و عاشورا، ظلم ستیزی که از عناصر ایدئولوژیک انقلاب اسلامی بودند که با ایجاد اجماع سیاسی و مجاب کنندگی در درون جامعه، موجبات طرح نو در باب هویت این انقلاب را فراهم آورد.

ص:۱۶۴

منابع

۱- آبراهامیان یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، ج دوم، تهران، ۱۳۷۷.

۲- آقا بخشی علی و افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، تهران، ۱۳۸۳.

۳- احمدونـد شـجاع، فراینـد بسـیج سیاسـی در انقلـب اسـلامی، «انقلـاب اسـلامی و ریشه های آن» (مجموعه مقالات) ، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها، تهران ، ۱۳۷۴.

۴- اخگری محمد رضا، ولایتی های بی ولایت (انجمن حجتیه)، چاپ پرچم، تهران، ۱۳۶۷.

۵- اخوان کاظمی بهرام، نگرشهایی نو به آموزه مهدویت، انتشارات آینده روش، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۶- اخوان مفرد حمید رضا، ایدئولوژی انقلاب اسلامی، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۷- ....، ایدئولوژی انقلاب ایران، چاپ اول، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۸- الرضوی السـید مرتضی(۱۴۱۲ ق)، آراء العلمـاء، المسـلمین فی التقیه و الصـحابه و صـیانه القرآن الکریم، الارشـاد للصـناعه والنشر، بیروت، ۱۹۹۱م، چاپ دوم.

۹- الگار حامد، انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسین چیدزی، انتشارات قلم،تهران، ۱۳۶۰.

۱۰- ....، ایران و انقلاب اسلامی، مترجمین سپاه پاسداران، انتشارات سپاه پاسداران، بی جا، بی تا، ۱۳۸۰.

۱۱- ....، ایران وا نقلاب اسلامی، مترجمین سپاه پاسداران، انتشارات سپاه پاسداران، بی جا، بی تا، ۱۳۶۰.

۱۲- ....، چهار گفتار درباره انقلاب ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیذری، قلم،تهران، ۱۳۶۰.

۱۳- الوردی علی، لمحات الاجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، چاپ دوم، کونان، لندن، ۱۹۹۱.

۱۴-برومبرژه کریستین، اسـلام و انقلاب در ایران؛ چنـد اثر و نشانه برای قرائت و تحلیل، مترجم محمـدباقر خرمشاد، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۴.

۱۵-برید کلر و بلانشر پیر ، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، سحاب، تهران، ۱۳۵۷.

۱۶-..............................، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صغوی، سحاب، تهران،۱۳۵۷.

۱۷-بصیرنیا غلام رضا، تئوریهای انقلاب و انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول،دفتر نشر معارف، پاییز ۱۳۸۱.

۱۸-بهروز لک غلامرضا، سیاست و مهدویت، موسسه آینده روشن، چاپ اول، انتشارات حکمت رویش، ۱۳۸۴.

۱۹-بیل جیمز ، شهیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان، فاخته،تهران، ۱۳۷۱.

۲۰-پرور اسماعیل، گلبانگ عدالت دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲.

۲۱-جاسبی عبدالله، تشکل فراگیر، مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی ، مرکز انتشارات علمی، ایران، تهران.

۲۲-جلالی غلام رضا، مشهد در بامداد نهضت امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۸.

۲۳-جناتی محمد ابراهیم، ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۲.

۲۴-جوادی آملی عبدالله، امام مهدوی (عج) موجود موعود، مرکز نشر اسراء، تابستان ۱۳۸۷.

۲۵-حسن آیت ، نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، دفتر انتشارات اسلامی، تهران،۱۳۶۲.

۲۶-حسـینیان روح الله، چهارده سال رقابت ایـدئولوژیک شـیعه در ایران (۱۳۴۳—۱۳۵۶) مرکز اسـناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.

۲۷-......................، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۱.

۲۸-......................، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

۲۹-حشمت زاده محمدباقر، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، چاپ اول،موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، بهار ۷۸.

۳۰-حکیمی محمدرضا، خورشید مغرب، چاپ هشتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۷۳.

۳۱-حلی یوسف، نهج الحق و کشف الصدق، به تعلیق حسینی ارموی، موسسه دارالهجره، چاپ نمونه، ایران، ۱۴۱۴.

۳۲-درّاج منوچهر، مردم گرایی و شیوه ی صنفی در فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب، در به فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه معصومه خالقی، انتشارات باز، ۱۳۷۹.

۳۳-دوانی علی، نهضت روحانیون ایران، ج۲-۱، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۳۴-ذوعلم علی، انقلاب و ارزشها، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران،۱۳۷۹.

۳۵-رجبی محمدحسن، زندگانی سیاسی امام خمینی، ج چهارم، قبله، تهران، ۱۳۷۴.

۳۶-روحانی سید حمید، نهضت امام خمینی، ج۱،چاپ پنجم، عروج،تهران، ۱۳۸۲.

۳۷-زیباکلام صادق، مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۵.

۳۸-سعید رضوانی عباس، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

۳۹-سولیوان ویلیام و پارسونز آنتونی ، خاطرات دوسفیر، ترجمه محمود طلوعی، نشر علم، تهران، ۱۳۷۳.

۴۰-شجاعی زند علی رضا، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، چاپ اول،انتشارات تبیان، ۱۳۷۶.

۴۱-شریعتی علی، تشیع علوی و تشیع صفوی، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۵۲.

۴۲-شفیعی سروستانی ابراهیم، معرفت امام عصر و تکلیف منتظران، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۵.

۴۳-شکوری ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، نشرحر، قم،۱۳۶۱.

۴۴-شیخ زاده حسین، نخبگان و توسعه ایران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز، ۱۳۸۴.

۴۵-شیخ صدوق کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، انتشارات دارالانتشارات الاسلامیه، قم، ۱۳۵۹ق.

۴۶-شیخ فرشی فرهاد، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

۴۷-صدر سید محمدباقر، سنتهای اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹.

۴۸-طالقانی، سید محمود، مهدویت و آینده بشر، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۰ش، ص ۹۵.

۴۹-طباطبایی محمد حسین، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم،۱۳۷۴.

۵۰-ظالمی محمد صالح، فقه سیاسی در اسلام، ترجمه رضا نقیب زاده، انتشارات پیام آزادی، تهران،۱۳۵۹.

۵۱-عبدالمحسن العباد- و ابوالاعلی مودودی، مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت، چاپ اول، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۵۲-عبدی پور حسن، نقش اجتماعی انتظار، مؤسسه بوستان کتاب، قم،۱۳۸۶.

۵۳-عشقی لیلی، زمانی غیرزمانها، ترجمه احمد نقیبزاده، چاپ اول، فرزانگان، ۱۳۷۹.

۵۴-علی بابایی غلام رضا، فرهنگ سیاسی، نشر آشیان، تهران، ۱۳۸۲.

۵۵-علی بن موسی بن جعفر ابن طاووس، کشف المحجه لثمره المهجه، چاپ اول، دارالمرتضی، بیروت، ۱۹۹۱.

۵۶-علیانسب سید ضیاء الدین و علوی نیک سلمان، جریان شناسی انجمن حجتیه، چاپ اول، انتشارات زلال کوثر، ۱۳۸۵.

۵۷-عمید حسن، فرهنگ سیاسی عمید، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۶.

۵۸-عمید زنجانی عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، نشر کتاب سیاسی، تهران،۱۳۷۱.

۵۹-عنایت حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، خوارزمی،تهران، ۱۳۶۱.

۶۰-................، اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چاپ دوم،خوارزمی، تهران،۱۳۶۵.

۶۱-فاضلی نیا نفیسه، ژئوپلتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، چاپ اول، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۶.

۶۲-فردوست حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، چ ۳، ۱۳۷۰.

۶۳-فرونز جیمز، انقلاب اسلامی ایران از چشم اندازی نظری، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات باز، تهران، ۱۳۷۹.

۶۴-فوران جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چ۲، تهران،۱۳۷۸.

۶۵-...............، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۷۷.

۶۶-فوکو میشل، ایران، روح یک جهان بی روح، ترجمه نیکوسرخوش و افشین جهاندیده، نشرنی، ۱۳۷۹.

۶۷-................، ایرانیها چه رویایی در سردارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، انتشارات هرمس، ۱۳۷۹.

۶۸-کاتوزیان ناصر، گذری بر انقلاب اسلامی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران،۱۳۶۰.

۶۹-کارگر رحیم، جستارهایی در مهدویت، چاپ معراج، تابستان ۸۶.

۷۰-کدیور محسن، نظریه های دولت در فقه شیعه، نشرنی، تهران،۱۳۷۶.

۷۱-کرمانی ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ چهارم، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.

۷۲-کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، تهران،۱۳۶۵ش.

۷۳-کمالی مسعود، جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، ترجمه کمال پولادی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.

۷۴-...................، دو انقلاب ایران، نشر دیگر، تهران،۱۳۸۱

۷۵-کورانی عاملی علی، معجم الاحادیث الامام المهدی (عج)، چاپ اول، موسسه المعارف الاسلامیه، قم،۱۴۱۱ق.

۷۶-متقی زاده زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، موسسه شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۴.

۷۷-محمدی منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران،۱۳۶۵.

۷۸-مصباح یزدی محمد تقی، جامعه و تاریخ در قرآن، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.

۷۹-مطهری مرتضی ، فلسفه تاریخ، ج۲، انتشارات صدرا، قم،۱۳۷۷.

۸۰-......................، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران،۱۳۵۹.

۸۱-......................، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات قم، انتشارات صدرا، قم،۱۳۶۲.

۸۲-......................، پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، بی تا، قم،۱۳۶۸.

۸۳-......................، جامعه و تاریخ، (مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی)، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۳.

۸۴-......................، ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران،۱۳۷۱.

۸۵-......................، قیام و انقلاب مهدی (عج)، از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا، بی تا، قم.

۸۶-......................، قیام و انقلاب مهدی(ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، چاپ بیست و پنجم، انتشارات صدرا، تهران،تیرماه ۱۳۸۲.

۸۷-مقدسی محمود، دهشرو مسعود و شیرازی محمد رضا(به کوشش) (۱۳۷۰)، ناگفته ها، خاطرات شهید مهدی عراقی، چاپ اول، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران،ص ۱۵۶.

۸۸-ملکوتیان مصطفی، انقلاب های متعارض معاصر، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

۸۹-......................، سیری در نظریه های انقلاب، چاپ دوم،نشر قومس، ۱۳۷۶.

۹۰-موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقیه، نشر میعاد، تهران،۱۳۷۲.

۹۱-موسوی خمینی روح الله ، رساله توضیح المسائل، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران،۱۳۶۵.

۹۲-.................................. ، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران،۱۳۶۹.

۹۳-......................................، کشف اسرار، آزادی، قم،۱۳۷۹.

۹۴-..........................، ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران،۱۳۷۷.

۹۵-...............................، صحیفه نور (مجموعه آثار امام خمینی(ره))، سازمان مدارک انقلاب اسلامی، تهران،۱۳۶۹ ش.

۹۶-موسوی گیلانی سیدرضی، شرق شناسی و مهدویت، دفتر اول، چاپ اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ گنج معرفت، تابستان ۱۳۸۹.

۹۷-..................................، دکترین مهدویت، چاپ اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۸۴.

۹۸-نائینی محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله یا حکومت از نظر اسلام، با مقدمه سید محمود طالقانی، چاپ نهم، شرکت سهامی انتشارات تهران، ۱۳۷۸.

۹۹-نجاتی غلامرضا، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ج۱،چاپ ۶، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۵.

۱۰۰-نظری علی اشرف - سازمند بهاره ، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.

۱۰۱-هادوی تهرانی مهدی، ولایت فقیه، (مبانی ادله و اختیارات)، کانون اندیشه جوان، تهران،۱۳۷۷.

۱۰۲-هاشمی شهیدی سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان ، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰.

۱۰۳-هنری لطیف پور، یدالله، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران،۱۳۷۹.

مقالات

۱. احمدی حمید، هویت ملی ایرانی در گسترده تاریخ، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۴، شماره ۱، ۱۳۸۲.

۲. اسکاچ پل، تدا، دولت رانیتر و اسلام در انقلاب اسلامی، ترجمه محمد تقی افروز، راهبرد، سال ششم، شماره ۱۹.

۳. باغستانی، حمید، تأثیر مفهوم انتظار بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات گفتمان مهدویت، گفتمان هشتم، جلد ۲.

۴. بهروز لک، غلامرضا، انقلاب اسلامی و بازآفرینی هویت اسلامی، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.

۵. تاجیک، محمد رضا، روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی، فصلنامه ی مطالعات ملی، سال دوم، ش۵ ، پاییز ۱۳۷۹.

۶. جلالی ، غلامرضا، مراحل شکل گیری حکومت اسلامی در بیان و بنان امام خمینی، فصلنامه حوزه، شماره ۹۵، ۹۴، ۱۳۷۹.

۷. درخشه، جلال، باز تفسیر مفاهیم دینی و تاثیر آن بر شکل گیری انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه دانش سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۱۰، سال پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

۸. رابرت دی، لی، انقلاب اسلامی و اصالت، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، فصلنامه ی حضور، دوره دوم، شماره نهم.

۹. شجاعی زند، علیرضا، نقش و عملکرد دین در وضعیت انقلاب،« بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ی پنجم، ش ۳، ۱۳۸۳.

ص:۱۷۲

۱۰.فوزی یحیی، مبانی اندیشه ای گروههای سیاسی اسلام گرا درایران قبل از انقلاب، قسمت اول، پژوهشنامه متین، ش ۲۴-۲۳، تابستان و پاییز، ۱۳۸۳

۱۱.................، عوامل ارادی موثر بر رخداد انقلاب اسلامی درایران، فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۲۵.

۱۲.کشاورز شکری، عباس، ایدئولوژی انقلاب اسلامی، ایدئولوژی شیعه و باز تفسیر آن، پژوهشنامه متین، شماره ۸، پاییز ۱۳۷۹.

۱۳.لک زایی، نجف، بحران سلطه و کنترل سیاسی در ایران معاصر، فرهنگ اندیشه، سال دوم، شماره ی ۵، بهار ۱۳۸۲.

۱۴.محسنیان راد، مهدی، بررسی دیوار نوشته های دوران انقلاب، فصلنامه رسانه، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۹.

۱۵.مهاجرنیا، محسن، فرهنگ انتظارو آثار آن در حیات سیاسی شیعه، همایش بین المللی دکترین مهدویت، موسسه آینده روشن، تابستان ۸۷.

منابع لاتین

۱.Carrithers and others, the Category of the Person, Cambridge University Press, ۱۹۸۵,PP. ۷-۸.

۲.Mangol Bayat, Shi,a as a Functioning Ideology in Iran: The Cult of the Hidden Imam. P.۲۱.

Abstract

This research while reconsidering Islamic Republic identification insisting Mahdaviah doctrines through Shiah view point, and relying the hypothesis that Mahdaviah doctrines play a role on religious identity of Islamic Republic of Iran through changing Iranians, Shiah symbols, behaviors beliefs. It's going to answer this main question, how do Mahdaviah doctrine play role on the maintenance of religious identities of Islamic Republic it's fastened to Shiah identity. During the sequential centuries, when the flexible view overtakes Mahdaviah culture, no difference known or unknown, emanation covers the Shiah community the releases the expatiators from responsibility and it resulted in ignorance of religious dutiful people during the absence of Imam. They hid themselves in exaggeration of determination while .waiting attending negative discussions for waiting

To generalize a liberated idea culture domination of unbelievers' were expanded as a .by-product of this negative view

But Imam Khomeini as a leader of revolution managed to reconstruct meaning of "expectation" could establish rational and social bases of Mahdaviah principles. He revitalized of layer of nation by reciting his ideological religious thought Mahdaviah doctrine. So Mahdaviah doctrine, in the form of a significant element in religion meaning system created a moral link among the revolutionary masses that by deepening ideas beliefs could coordinate behavioral-economical terms symbolic language to create a rational cohesion for providing a new plan of the revolution .religious identity

Bagher Al-Olum University

Faculty of Nongovernmental Institution

Thesis

For degree of Master of Science

In Teaching Islamic Thoughts

:Title

Reconsideration of Islamic Republic Identity Insisting On Mahdaviah Doctrine

:Supervisor

Dr. Najaf Lak Zaei

:Advisor

Dr. Mohsen Mohajer Nia

:By

Reza Shojaei Mehr

September ۲۰۱۰

ص:۱۷۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹